

پیشوا ایان صدیقین

امام زمان (عج)  
آرزوی بشریت



پایان صدیقین  
امام زمان (عج)

آیت الله سید محمد تقی مدنی

پیشوایان صدیقین

# امام زمان (عج) آرزوی بشریت

آیت الله سید محمد تقی مدنی

مترجم:

انتصار شوشتری زاده

مدرسی، محمد تقی ۱۹۴۵-

پیشوایان صدیقین: امام زمان (عج) آرزوی بشریت / محمد تقی مدرسی؛ مترجم انتصار  
شوشتری زاده- تهران: محبان الحسین علیهم السلام ۱۳۸۰.

۱۷۱ ص. ۵۰۰۰ ریال: ISBN 964-7373-18-X

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: الامام المهدي (عج) قدوة الصديقين.

۱. محمد بن حسن (عج) ، امام دوازدهم ، ۲۵۵ ق. - سرگذشتنامه .۲. مهدویت.

الف. شوشتری زاده ، انتصار ، ۱۳۵۷ - مترجم . ب. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

BP۵۱/م۳۵/الف/۷۶۰۴۱

۸۰-۱۶۰۵۳ م

کتابخانه ملی ایران

۱۳۸۰

پیشوایان صدیقین

امام زمان (عج) آرزوی بشریت

آیت الله سید محمد تقی مدرسی

مترجم: انتصار شوشتری زاده

ناشر: انتشارات محبان الحسین علیهم السلام

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۰ - ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

آدرس: تهران، کریمخان زند، به آفرین، بن بست چهارم پلاک ۵۲، تلفن ۶۴۰۷۴۳۵

دفتر پخش: خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - تلفن ۳۹۰۷۱۸۱

ISBN 964 - 7373 - 18 - X

شابك X-18-7373-964

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِمَّا كَسَبَ  
سُجِّدْنَا لَهُ مِنْهُ خَلْقًا مُنْقَلَبًا  
يُنزِّلُ الْوَحْيَ فِيهِ أَنْ يَخْتَارَ  
أَنْ نَزَّلَ فِي الْفُجَارِ

پیشگفتار ..... ۱۱

## گفتار اول - چشم اندازی به روز موعود

۱۵ - ۵۵

حضرت مهدی، بقیّة الله ..... ۱۷

بشریت در انتظار تحقق یافتن نوید ..... ۲۲

بشریت میان امید و ناامیدی ..... ۲۵

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ ..... ۲۸

امید راستین ..... ۲۹

مرگ بر دروغگویان ..... ۳۱

امام زمان، بزرگترین آرزوی بشریت ..... ۳۴

جهان و بیم نابودی ..... ۳۵

ضرورت اعتقاد به وحی ..... ۳۶

ایمان به تداوم وحی ..... ۳۷

چگونه امید را در وجودمان پایه ریزی نماییم؟ ..... ۳۷

نیاز ما به امیدواری ..... ۳۹

۶	..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت
۴۱	..... روز موعود، آرزوی بشریت و توشه راه
۴۱	..... پیچ و خمهای خطرناک
۴۳	..... توشه امید و خوش بینی
۴۴	..... امید بشریت
۴۵	..... سنت ظهور
۴۶	..... بشریت در انتظار
۴۸	..... انتظار فرج نیکوترین اعمال
۴۸	..... رابطه انتظار با واقعیت ما
۵۰	..... بحران حکومتهای طاغوتی
۵۱	..... انتظار فرج نیکوترین اعمال
۵۲	..... راز توانمندی ما، در اعتقاد به امام مهدی (عج) نهفته است
۵۳	..... اهمیت امیدواری و خوش بینی
۵۴	..... اندیشه انتظار مستکبرین را می هراساند

### گفتار دوم - در انتظار امام مهدی (عج)

۱۱۵ - ۵۷

۵۹	..... ابعاد حیاتی عقیده به امام مهدی (عج)
۶۰	..... بینشهای شناخت امامت و امام
۶۴	..... چگونه می توان پایه های رابطه با امام مهدی را محکم ساخت؟
۶۶	..... عقیده به امام مهدی (عج)
۷۰	..... انتظار مفهومی است مکتبی - نهضتی

۷	..... فهرست مطالب
۷۳	..... فایده‌های عصر غیبت کبری
۷۳	..... فواید عصر غیبت کبری
۷۴	..... راه بهره‌جویی از وجود امام زمان (عج)
۷۵	..... ۱- انتظار فرج
۷۷	..... ۲- تقویت روحیه انسان مؤمن
۷۸	..... ۳- برکت دعای امام (عج) برای پیروانش
۷۸	..... ۴- اجر و پاداش الهی
۸۱	..... فایده‌های حقیقی
۸۲	..... ۱- تغییر رفتار
۸۳	..... ۲- آمادگی روحی و جسمی
۸۳	..... ۳- بشارت دادن به ظهور امام
۸۵	..... مفهوم راستین انتظار
۸۶	..... پیوند ما با امام مهدی (عج)
۸۶	..... ۱- تحقق ظهور، بواسطه مؤمنان مجاهد
۸۸	..... ۲- جهاد دو نوع می‌باشد
۸۸	..... جهاد سرشت مؤمنین است
۸۹	..... نجات از آتش دوزخ، والاترین هدف مؤمنین
۹۰	..... آنچه یک انسان مؤمن بدست می‌آورد
۹۱	..... جهاد در همه شرایط
۹۲	..... حواریون اسوة مؤمنان
۹۳	..... امام مهدی (عج) خورشید پنهان!

۸	..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت
۹۴	..... جهات پیوند ما با امام مهدی (عج)
۹۷	..... چگونه از منتظران امام مهدی (عج) باشیم؟
۹۷	..... مهدی آخرین وصی
۹۸	..... ظهور اقتضای رحمت الهی
۹۹	..... ظهور، همان خوشبختی راستین
۱۰۰	..... چرا بشریت به این حالت رسید؟
۱۰۱	..... چاره جویی در مذهب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۰۲	..... مفهوم راستین انتظار
۱۰۶	..... چگونه امام زمان (عج) را خشنود سازیم؟
۱۰۸	..... در پیشواز امام مهدی (عج)
۱۱۰	..... آیا هر جنگی، جهاد می باشد؟
۱۱۳	..... اوج کشمکش میان ایمان و جاهلیت

## گفتار سوم - ولایت و ایمان به غیب

۱۱۷ - ۱۷۱

۱۱۹	..... شالوده های ولایت الهی
۱۲۲	..... محورهای نظام سیاسی در اسلام
۱۲۵	..... سلسله مراتب نظام ولایت
۱۲۷	..... شوری و دموکراسی
۱۳۰	..... ولایت، راه تحقق عدالت
۱۳۰	..... قرآن، شفایی است بر هر درد!



۹	..... فهرست مطالب
۱۳۲	..... حقیقت عدالت
۱۳۳	..... چرا بی‌نوایی و محرومیت؟
۱۳۴	..... آفریدگار، خواهان عزت و کرامت برای انسانهاست
۱۳۶	..... دو سفارش الهی
۱۳۶	..... چگونه جامعه امانت و عدالت بوجود آوریم؟
۱۳۸	..... راه عدالت
۱۳۸	..... معیار ولی امر
۱۴۰	..... اهل بیت، خود اولوالامر می‌باشند
۱۴۱	..... آیا نیاز ما به امامت منتفی شده است؟
۱۴۱	..... در دوران کنونی، امام کیست؟
۱۴۲	..... آثار وجود امام مهدی (عج)
۱۴۳	..... اهمیت پیروی از مرجعیت
۱۴۴	..... خط ولایت همان خط مستقیم است
۱۴۷	..... شباهتهای امام مهدی (عج) با حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
۱۴۸	..... شباهتهای میان امام مهدی (عج) و حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
۱۴۸	..... اثبات قدرت الهی
۱۵۰	..... انتظار طولانی
۱۵۱	..... غیبت صغری
۱۵۱	..... وظیفه مادر دوران غیبت
۱۵۳	..... مفهوم ایمان به غیب چیست؟
۱۵۸	..... ایمان به حقایق غیبی

۱۰	..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت
۱۶۲	..... سنّت آسمانی
۱۶۶	..... نیاز ما به پیوند غیب
۱۶۶	..... توشه ما در مقابله مشکلات
۱۶۷	..... رهبری و تصمیم‌گیری مشکل
۱۶۹	..... ضرورت اهمّیت بخشیدن به مسائل غیبی
۱۷۰	..... برای نجات مستضعفین

## پیشگفتار

سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر اشرف مخلوقات عالم ، محمد مصطفی و اهل بیت نیکو سرشت و پاکش !  
برای اینکه آدمی به والاترین درجات پرهیزگاری و پیروزی دست یابد و زندگی نیکویی داشته باشد ، ناگزیر است که از اسوه‌ای پیروی نماید و الگویی را پیش روی خود قرار دهد .

ما در دورانی زندگی می‌کنیم که انسان ، در انتخاب اسوه و الگویی که هدف او در زندگی و نیز سنجه اندیشه‌ها ، عملکردها و بلندپروازیهایش باشد ، با دشواریهایی روبرو می‌گردد . تا آنجا که امروزه ، وسایل ارتباط جمعی صدها نام و شخصیت چشمگیر ، در زمینه‌های گوناگون را به ما معرفی می‌کنند ، بطوریکه بعضی از مردم در انتخاب الگویی برای خود ، سرگشته شده‌اند ؛ بلکه گاهی آدمی ، میان کمیت زیادی از نامهای پرزرق و برق سرگردان می‌شود و به الگوی دلخواهش نمی‌رسد ؛ در نتیجه در سردرگمی به سر می‌برد .

در سایه این فضاهاى تبلیغاتی راه اندازى شده توسط وسایل ارتباط جمعی ، برخی از مردم بدون اندیشه ، با آن همراه مى شوند ؛ به گونه اى که دلشان را به هر کس که این رسانه ها عرضه مى دارند ، مى سپارند . چه آن شخص قهرمان ورزشی ، یا ستاره سینمایی و یا چهره سیاسى باشد . چنانچه دقیق بنگریم ، مى یابیم که اگر به راستى هم آنها الگو باشند ، فقط در یک ویژگی و یا نوعی ابتکار اسوه هستند . علاوه بر آن ، اگر دارای اهمیت حیاتی و منزلت اجتماعى هم باشند ... ولی ، نمى توانند با هر یک از انسانها به خاطر اختلاف نظر و سلیقه هماهنگی ایجاد کنند . اما ، اگر اسوه اى را جستجو کنیم که هر تشنه اى را سیراب نماید و با همه هماهنگ باشد ... کسى را جز یک شخصیت نمى یابیم . او ، امام مهدى ، حجة ابن الحسن العسکرى علیه السلام است .

در وجود او ست که انسان ، خواسته اش را مى یابد و در رهگذر آن ، بلندپروازیهایش محقق مى گردد و به واسطه آن وارد بهشت مى گردد . در اینجا شایسته است که از او چشم نپوشیم ، بلکه با گذر از شناخت شخصیت او و فراگرفتن سخنانش و گرایش به سوى روش و شیوه اش ، به او نزدیک شویم .

اگر کسى به شخصیت دیگری - با هرگونه ویژگی - جز او روی آورد ، راه را اشتباه رفته است . همانا امام مهدى (عج) ، الگوی راست پیشگان و چراغ راه نیکوکاران است . در یک کلام ، او هدیه پروردگار بزرگ منش ، برای همه آدمیان است ؛ تا با اذن خداوند متعال ، آنها را از ظلم و ستم رهانیده و به سوى ساحل عدل و داد رهنمون سازد .

بدون هیچ مبالغه‌ای ، سخن پیرامون امام مهدی (عج) ، دلها را به سوی خود می‌کشاند و بر نفسها چیره می‌گردد. زیرا ، صحبت دربارهٔ شخصیتی است که سرشار از فضیلتها ، ارزشها و کرامات است. همچنین او مرهمی بر هر زخم و شفایی برای هر دردی است و تنها او سازنده زندگی دلها و روحها است.

با این هدف که به امام علیه السلام حتی یک گام نزدیک شویم و راه را با هدایت او بیابیم و نیز در زندگی وی تأمل نماییم ، به جمع‌آوری گزیده‌ای از سخنان جناب آیت الله سید محمدتقی مدرسی در مناسبات گوناگون ، پیرامون امام منتظر و شخصیت ایشان ، پرداختیم. از خداوند متعال خواستاریم که برای بندگان صالحش سودمند واقع شود و نیز بواسطهٔ آن بر اجر و ثوابمان تا رسیدن روز قیامت بیفزاید.

### بخش فرهنگی

دفتر آیت الله سید محمدتقی مدرسی

تهران ۲ / ذی القعدة / ۱۴۲۱ ه. ق

## گفتار اوّل

### چشم‌اندازی به روز موعود

- ◀ حضرت مهدی ، بقیّة الله
- ◀ بشریت در انتظار تحقق یافتن نوید
- ◀ امام زمان (عج) بزرگترین آرزوی انسانیت
- ◀ روز موعود؛ آرزوی بشریت و توشه راه
- ◀ انتظار فرج نیکوترین اعمال

## حضرت مهدی ، بقیة الله

﴿ بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ وَمَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ ﴾<sup>۱</sup>.

« آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (بقیة الله) ، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید. و من ، پاسدار شما نیستم. »

امروزه مسلمانان در شرایط حسّاس و پراز چالش زندگی می‌کنند. از جمله آنها ، چالشهای مادی هستند که در برگیرنده زندگی مادی و سرزمینهایشان است و برخی دیگر ، چالشهای روحی و معنوی می‌باشند که ارزشها و ماهیتشان را فرامی‌گیرند.

از نظرها پنهان نیست که تعدادی از سرزمینهای اسلامی از خطر اعتیاد به مواد مخدّر رنج می‌برند. این مواد منفور ، بسیاری از جوانان ما را گرفتار ساخته ، به گونه‌ای که تنها در یک کشور اسلامی ، تقریباً پنج میلیون معتاد یافت می‌شود.

برخی از کشورهای اسلامی خطر جنگ را پیش‌رو دارند. به تازگی گفته شده است که دولتهای غربی ، بمب هسته‌ای به منطقه خلیج فارس

آورده‌اند. صدالبته آنرا برای سرنگونی دولت صدام وارد نکرده‌اند! چرا که او، بی‌تردید ساخته و پرداخته خود آنها می‌باشد. در این صورت خطر وجود آن بمب، ملتهای مسلمان منطقه را تهدید می‌کند. بمبی که تأثیر آن پنجاه برابر بیشتر از بمب استفاده شده در هیروشیما می‌باشد. (بمب هیروشیما جان صد هزار ژاپنی را در مدت زمانی کمتر از  $\frac{1}{4}$  ثانیه گرفت و آنها را به دود و خاکستر تبدیل نمود.)

همچنین ما، با خطر تهاجم فرهنگی ویرانگر غرب که از ریشه‌ها و اندیشه‌ها را تهدید می‌کند، روبرو می‌باشیم. زیرا، ماهواره‌هایی که تعداد آنها از پانصد ماهواره تجاوز می‌کند، با پخش روزانه صدها هزار فیلم مبتذل، بی‌بند و باری، فساد و ابتذال را به ژرفای زندگی اجتماعی و فردی ما وارد کرده‌اند؛ به گونه‌ای که دیگر فرزندانمان از آن‌ها نیستند، بلکه قبل از هر چیز، فرزندان غرب گشته‌اند. زیرا، غرب آنها را تربیت می‌کند و بر روح، عقل و اراده ایشان چیره می‌شود.

از سویی دیگر، امروز ما به دلیل ضعف زیربنای اقتصادی، با مشکلات خشکسالی، کمبود آب و محصولات کشاورزی روبرو هستیم.

حال چگونه با این مشکلات مبارزه کنیم؟ و به که پناه ببریم؟ آیا به آمریکا، روسیه و یا اروپا پناه جوییم؟!

خداوند متعال به تمامی این پرسشها چنین پاسخ می‌دهد؛ که:  
﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ «آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (بقیة الله) برایتان بهتر است.»



آنچه که از برخی آیات قرآن و روایات ائمه اطهار علیهم السلام برمی آید آن است که ، خداوند بزرگ کوهها را در زمین برای حفظ تعادل آن برپاداشته است . آنها همچون لنگری هستند که برای حفظ تعادل کشتی قرار داده شده اند . حال کیست که ساکنان زمین را از آوارگی ، ویرانی و سردرگمی حفظ نماید ؟!

همانا او ، امام زمان ، مهدی منتظر عجل الله فرجه ، می باشد . اوست پیشوای مردم زمین ، و اگر وجود مبارک ایشان نبود ، زمین هر آینه ساکنین خود را فرو می بلعید و همه چیز را به ویرانه ای هولناک دگرگون می ساخت .

اما در هر حال ، نباید تنها به ادعای ایمان به این امام بزرگوار بسنده کرد ، بلکه باید به ریسمان او چنگ زنیم ؛ همچون کسی که ، در میان امواج متلاطم دریا ، در حال غرق شدن است و در نزدیکی او ، چوبی روی سطح آب شناور است . تنها نگاه کردن به آن ، او را بسنده نیست ، بلکه باید بر آن بیاویزد .

خداوند متعال ، ما را به پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام امر کرده است . چنانکه می فرماید : ﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا ﴾ .

اهل بیت - تنها - آنها کشتی نجات هستند . هر کس با ایشان همراه گردد ، رهایی یافته ؛ و هر که روی برگرداند ، نابود گشته است .

حال چگونه به ریسمان الهی چنگ زنیم ؟ و چگونه با کشتی نجات همراه گردیم ؟!

ای مسلمان ! بدان ! امام مهدی (عج) از هر چیز که فکر می کنی به تو

۲۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

نزدیکتر است. او در کنار توست و تو در کنار او. اما، تو با ارتکاب گناه، تلاش می‌کنی که از او کناره‌گیری!

روایتی را سماعه از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است که، ایشان فرمودند: «چرا به پیامبر اکرم آزار می‌رسانید؟» مردی به او گفت: چگونه آزار می‌رسانیم؟ امام فرمودند: «آیا می‌دانید که اعمالتان را بر او عرضه می‌نمایند؟ چنانکه در آن گناهی ببیند، آزرده می‌گردد؛ پس پیامبر خدا را می‌آزاید و او را خشنود سازید.»<sup>۱</sup>

بنابراین پیامبر و ائمه اطهار از آنکه در کارنامه اعمال دوستان خود گناهای چون: شرابخواری، شنیدن غناء، غیبت کردن، تهمت زدن، سخن چینی (نمیمه)، تفرقه، تعصب، سستی و فرار از جهاد را ببیند، آزرده می‌گردند.

همانگونه که ارتکاب گناه، پرده‌ای را میان بنده گنهگار و پروردگارش ایجاد می‌نماید، میان اولیاء خدا و دوستانشان نیز چنین حجابی را قرار می‌دهد.

حال می‌توان، از رهگذر پایبندی به نکات ذیل، حجابهای ایجاد شده میان مؤمنین و امامشان را از بین برد:

- ۱- دوری جستن از گناه و توبه کردن به بارگاه حق تعالی؛ عدم ناامیدی از رحمت الهی و نیز عدم سبک شمردن شأن اولیاء خدا.
- ۲- افزایش بنیادهای تضمین‌کننده پایداری فکر و اندیشه؛ همچون ساختن مساجد، حسینیه‌ها و مدرسه‌های علمیّه. زیرا، آنها

---

۱- بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۳۱، ح ۵.

گفتار اوّل - چشم اندازی به روز موعود ..... ۲۱

چون ستونهای ساختمانی هستند که آن را پا برجا نگاه می دارند و نیز مانند دژی مستحکم می باشند که شهر را از گزند دشمنان ایمن می دارند.

۳ - اهمّیت به تربیت نیکو و درست فرزندان ؛ چه ، آن ضمانتی است برای استمرار دین در زندگی . آدمی مسؤول تربیت فرزندان خویش در دنیا و آخرت است و آن ، بسیار مهمتر از تهیه نان شب ایشان است . بویژه اگر درک نماییم که خداوند متعال انسان را می آفریند و روزی او را معین می سازد . در اینجا بر پدر و مادر واجب می گردد که قبل از هر چیز ، فرزندان خود را به آموختن قرآن و شناخت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام نزدیک سازند ؛ تا بتوانند بدین وسیله سلامتی آنها را در برابر کج رویها تضمین کنند و یا زمینه های افتادن ایشان در دام دشمنان را بکاهند .

در زمان غیبت ، از ما خواسته شده است که توجه زیادی به امام زمان داشته باشیم ؛ تا آنجا که در برخی از روایات بر این تأکید شده است که او را با لقب « بقیّة الله » مخاطب قرار دهیم . شاید دلیل آن ، این باشد که صد و بیست و چهار هزار پیامبر در گذشته نقش مقدّس خود را به خوبی ایفا کرده اند و به مقام والایی دست یافته اند . همچنین پس از آنها ، اوصیاء - که چندین برابر پیامبران بودند - آمدند و نقش آنها نیز به پایان رسیده است . حال هیچ ریسمانی میان آسمان و زمین - بعد از قرآن - باقی نمانده تا به آن چنگ زنیم ، جز این امام بزرگوار . پس به این ریسمان بیاویزیم و بدان توجه نماییم و از او بخواهیم که وسیله و شفاعت کننده ما ، در بارگاه حقّ تعالی باشد .

## بشریت در انتظار تحقق یافتن نوید

﴿ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾<sup>۱</sup>

« و چگونه ممکن است شما کافر شوید ، با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می شود ، و پیامبر او در میان شماست ؟ ! و هر کس به خدا تمسک جوید ، به راهی راست ، هدایت شده است \* ای کسانی که ایمان آورده اید ! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است ، از خدا پرهیزید ؛ و از دنیا نروید ، مگر اینکه مسلمان باشید . »

رسالت اسلامی - آخرین رسالت الهی - همچون میوه هایی است که خداوند به انسان بخشیده است . اگر به درستی از همه آنها بهره بگیرد ، بدنی کامل ، سالم و پر توان خواهد داشت . اما ، اگر استفاده نیکویی از آنها نکند ، فایده مورد نظر را به دست نمی آورد . به ویژه که بدن به همه آنچه میوه ها در بردارند ، نیازمند است . همانا حکمت الهی ، نیازهای

---

۱ - سوره آل عمران ، آیات ۱۰۱ و ۱۰۲ .

بدن آدمی همچون ویژگی ساخت نیرو ، پویایی و توانایی بدن را بر پایه خواص میوه‌ها بنا نهاده است ؛ تا آنجا که اگر آدمی میوه‌ای را جدای از دیگری استفاده نماید ، احساس کمبود و نیاز به آن میوه‌ای که نخورده است ، می‌کند .

همانگونه که گفته شد ، دین به میوه‌ها ماند ؛ از این جهت که دین عبارت است از : واحد تکامل یافته‌ای که باید از تمام اجزای آن ، بهره جست . یعنی ، نباید جزئی را برگزید و بقیه اجزاء را رها کرد . اگر جامعه بشری به بندبند روشها ، آموخته‌ها و سفارشات دین بازگردد ، به والاترین خوشبختی دست خواهد یافت .  
اما ، اگر به بخشی از آن بسنده کند ، تنها از آن بخش بهره خواهد برد .

هر چند ، جامعه‌ای که به برخی از سفارشات عمل می‌کند و برخی دیگر را رها می‌نماید ، به خوشبختی کامل دست نمی‌یابد ؛ اما ، با این حال دچار نگون بختی مطلق هم نمی‌گردد .

فرض کنیم که جامعه ما تنها به فریضه نیکویی به پدر و مادر پایبند است و دیگر سفارشات دینی را نادیده می‌گیرد . در اینجا فقط از هر آنچه که بدان پایبند است ، سود می‌جوید . حتی اگر ملتی به اصول اسلامی در زمینه اقتصادی همچون تحریم ربا ، کلاهبرداری ، دزدی و سستی عمل کند ؛ تنها از ناحیه اقتصادی ، ملتی خوشبخت خواهد بود . آیا ملتهای غربی را نمی‌بینید هنگامیکه به سفارشات اسلام در این زمینه عمل کردند ، به چه رشد اقتصادی چشمگیری دست یافتند .

۲۴ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

در حالیکه آنها با خواستگاه این سفارشات آشنا نبودند و با وجودیکه به تعالیم اسلامی دیگر چون: نماز، روزه، امر به معروف و نهی از منکر عمل نمی‌کردند...

همانا، این سخنان مقدمه‌ای بیش نیستند، برای آنچه که می‌خواهم به مناسبت ولادت امام مهدی (عج) بگویم.

از مهمترین سفارشات پیامبران به امت‌هایشان در طول تاریخ، ایمان به این امام بزرگوار و اهمیت جدی به ایده انتظار ظهور او بوده است. خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نگردانید، مگر آنکه بر او نمایان ساخت که، پایان این جهان به نیکی و سعادت می‌انجامد و همانا سرانجام نیک برای پرهیزکاران است. همچنین خداوند زمین را به بندگان نیکو کارش واگذار می‌کند؛ تا آنجا که مستضعفین را در پایان راه پیروز می‌گرداند.

همه پیامبران، فرستادگان، ائمه اطهار و نیکوکاران به حقیقت ظهور امام مهدی (عج) در آخر الزمان و نیز، به این حقیقت که خداوند پس از پر شدن زمین از ظلم و نگون بختی توسط ستمکاران و پیروانشان، به واسطه او - امام زمان - زمین را از عدل و داد و خوشبختی پر می‌نماید؛ ایمان آورده‌اند. همچنین پیامبران که در رأس آنها، سرور و سالارمان، حضرت محمد ﷺ، می‌باشد؛ در طول زندگانی خود به این ظهور و عده داده شده، بشارت داده‌اند. ائمه اطهار نیز بارها این نوید را داده‌اند.

ما اگر فرض کنیم که ملتی به این ایده - ایده انتظار ظهور امام

گفتار اول - چشم‌اندازی به روز موعود ..... ۲۵

مهدی (عج) - پایبند است ، - بدون در نظر گرفتن گرایش این ملت به ایده‌ها و سفارشات الهی دیگر و یا ایمان به آنها - بر ما روشن خواهد گشت که این ملت ، سود کلانی را به خاطر اهمیت دادن به این سفارش بزرگ نصیب خود می‌گرداند .

### بشریت میان امید و ناامیدی

جامعه بشری خبرهای ویرانیهای جهانگیر ، جنگهای بین‌المللی ، توطئه‌های سیاسی و تجاوز به حقوق دیگران را می‌شنود و در هر شبانه‌روز با خبرهای هولناکی غافلگیر می‌گردد ؛ تا آنجا که اگر از این خبر آگاهی یابد که ، کره زمین به کمر بند انفجاری ، از انواع بمبهای هسته‌ای ، شیمیایی و میکروبی و نیز انواع اسلحه‌های دهشتناک کشتار جمعی مجهز شده است ! بیم و ترس فراوانی سراسر وجودش را فرا خواهد گرفت . همچنین با آگاهی یافتن از گسترش شکاف لایه اوزون و بالا رفتن دمای زمین و اتمسفر تا اندازه‌ای که آب دریاها ، خشکی‌ها را بپوشاند و یا افزایش احتمال بروز زمین لرزه و فعالیت‌های آتشفشانی و یا خبرهای وحشت‌انگیز و دلهره‌آور دیگری ، بیمناک می‌گردد . بلکه پژوهشهای استراتژیک بر این موضوع تأکید می‌کنند که جهان - به همراه انسان - به زودی پایان خواهد یافت و آن در صورتی است که روشهای ویرانگر چون استفاده بی‌رویه از نفت و گاز و نابود کردن جنگلها که برای آدمی آفریده شده‌اند ، استمرار یابند . این امر ، به انقراض نسل آدمی بر روی این کره خاکی می‌انجامد .

انسانها با شنیدن اینگونه خبرها در هر شبانه روز، به خود فرو می روند و از زندگی و پویایی ناامید می گردند؛ تا آنجا که - در این فضای بدبینی و ناامیدی - خواهان مرگ زود هنگام خود خواهند شد. با اینکه دل بشریت براساس سازگاری با دگرگونی و تحوّل سرشته شده است؛ اما دیگر نمی تواند در برابر موجهای وحشتی که به سویش می آیند، مقاومت کند و دچار ناتوانی می گردد.

ولی، اگر همین بشر فرموده خداوند بزرگ را بخواند: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث زمین خواهند شد.» و با نفس خود سخن بگویند، به خداوند متعال ایمان می آورد و درک می نماید که خداوند، جهان را جز به نیکی، خوشبختی و آرامش پایان نمی بخشد. این کشتی سرگردان میان طوفانها و امواج متلاطم دریا، به زودی به ساحل امنی خواهد رسید و در هر آن، امکان وقوع معجزه بزرگ الهی وجود دارد. حتی اگر این معجزه برای نسلهای آینده تحقق یابد، بدون شک به دنبال آن، بشریت زندگی همراه با امیدواری، نشاط و پویایی و به دور از ناامیدی و سرخوردگی خواهد داشت.

بنابراین، شایسته است که دعوت اسلامی به همه انسانها چه مسیحی، یهودی، کافر و بت پرست توجه نماید و این بشارت را به همگان دهد که خداوند متعال انسانها را برای عذاب دادن نیافریده و یا اینکه آنها را برای نگون بخت شدن به زمین نفرستاده است.



همچنین خداوند از انسانهای ظالم و ستمکاری که در زمین بسیار فساد می‌کنند، خشنود نمی‌باشد؛ به این دلیل که او پروردگار جهان و مسلط بر سرنوشت آن است. پس اوست بخشایشگری که اندازه‌ای برای رحمتش وجود ندارد و این رحمت و اراده‌الهی از اینکه سرنوشت زمین به دست ستمکاران - هر چند که بسیار فساد کنند - بیفتد، ابا کرده است.

جهان، هنوز دگرگونیهای حاصله از جنگ سرد میان ایالات متحده آمریکا - غرب - و شوروی سابق - شرق - را به یاد می‌آورد. اینکه چگونه زمین در آن زمان بر لبه پرتگاه جنگهای هسته‌ای پیش می‌رفت و آن بخاطر ایجاد بحران مشهور در خلیج خوکها - دهه ۶۰م - در زمان دو رئیس جمهور زورگو، خروشچف و کندی، بود. چرا که ایالات متحده تهدید کرد، اگر شوروی موشکهای هسته‌ای خود را از زمینهای کوبا - زمینهایی که ایالات متحده آنها را جزء مرزهای استراتژیک و امنیتی خود می‌داند - خارج نکند، جنگ اتمی را آغاز خواهد کرد. همچنین بحرانهای جهانی دیگری بوده‌اند که انسانها آن را به طور جدی دنبال نکرده‌اند و یا اصلاً از آن آگاهی ندارند. شگفتا! چه کسی مانع وقوع بلای خانمانسوز شده است. بویژه اینکه همه ما جهانیان می‌دانیم هر کس مانند این سلاحهای مرگبار را بسازد، هیچگاه نمی‌تواند اندیشه مناسب و اراده لازم را برای حفظ نفس خویش در این بحرانها داشته باشد؛ و نیز با درک اینکه انفجارهای هسته‌ای طرف مهاجم و یا مدافع را از هم تمیز نمی‌دهد و همه چیز با شعله‌ور شدن

جنگ هسته‌ای به پایان خواهد رسید و این چالشی است بس بزرگ!  
 برای نزدیک شدن به حقیقتی که مورد نظرمان است، دو نمونه  
 دیگر می‌آوریم. اولین نمونه، زیردریایی غرق شده روسی در دریای  
 نروژ است - هنوز در ژرفای این دریا معلق می‌باشد - که هیچ کس علت  
 از کار افتادن آن را ذکر نمی‌کند! بلکه، حتی درباره سرنوشت  
 موشکهای هسته‌ای همراه این زیردریایی، چیزی نمی‌گویند! اما نمونه  
 دوم، در مورد رزمناو آمریکایی می‌باشد - رزمناوی است هسته‌ای - که  
 در نزدیکی بندر عدن با حمله انتحاری مواجه گشت. اگر قایق هجوم  
 آورنده، در فاصله یک و نیم متری رزمناو منفجر نمی‌شد و با آن  
 برخورد می‌کرد، بدون تردید بلایی خانمانسوز و مصیبتی بزرگ،  
 جهان را در برمی‌گرفت.

حال، اگر دیوانه‌ای از دیوانگان دارنده این سلاحهای اتمی در هر  
 کدام از ابرقدرتهای جهان، بخواهد با هدف رهایی بشریت از عذاب  
 و نگرانی، یکی از کلیدهای وحشت را فشار دهد، چه بر سر جهان  
 خواهد آمد!

### ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾

اما، قرآن که پیام خالق به مخلوقش می‌باشد، به این احتمالات  
 و ایده‌های نادرست اینگونه پاسخ می‌دهد که: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ  
 اسْتَوَى﴾<sup>۱</sup> «همان بخشنده‌ای که بر عرش مسلط است.» خداوند هرگز اجازه

نمی‌دهد که بشریت نابود گردد؛ بلکه تنها اوست نگاهدارندهٔ انسانها تا روز قیامت، روزی که همهٔ جهانیان از ستم و سرکشی‌های می‌یابند. شاید مطالعهٔ دقیق آیاتی که به سرگذشت امت‌های گذشته پرداخته‌اند، بر ما آشکار سازد که طاغوت‌های زمان همچون: فرعون، نمرود، قارون، هامان، نسل‌های ایشان و پیروانشان با مرگ طبیعی درنگشته‌اند؛ بلکه از عرش‌های خود برکنار و سرنگون شده‌اند. خداوند به این علت به آنها مهلت داده بود و حجّت را برایشان تمام کرده بود که، ایشان و مردم را بطور یکسان آزمایش کند. ولی این مهلت و آن حجّت ابدی نبوده بلکه، هر کاری موعدی مقرّر دارد.

پس نمی‌توان تصوّر کرد که نمونه‌های بیدادگر زمان، چون صهیونیست‌های خونخوار که بزرگ و کوچک نمی‌شناسد و گلوله‌های ظلم و نابودی را به سوی فلسطینیها نشانه گرفته است و یا وحشیگری صدام و همدستانش که بر علیه مردم عراق اعمال می‌شود، همیشه جاودان خواهد ماند. پس هر که اینگونه بیاندیشد، حکم نابودی خویش را صادر کرده است، قبل از آنکه ظلم ستمکاران دامانش را بگیرد.

### امید راستین

قرآن و احادیث پیامبر و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام و همچنین ضرورت عقل به ما مژده داده‌اند که روزی امام مهدی (عج) در حالیکه پرچم قرآن و پیامبر را بر دوش دارد، خواهد آمد و به ندای همهٔ جهانیان پاسخ خواهد داد.

۳۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

آن روز زمانی فرا خواهد رسید که امتها و ملتها از تجربه‌های شکست خورده خود در طول تاریخ ناامید گشته‌اند و بعد از آنکه به نقطه صفر رسیدند، تنها در امام زمان (عج) امید الهی را می‌یابند. او تنها نجات دهنده‌ای است که خداوند، زمین را به خاطرش حفظ نموده تا در روز موعود ظهور نماید.

بر ما که سعی در نشر پیام قرآن داریم شایسته است، از مردم توقع نداشته باشیم که مثلاً از رهگذر آموزش نماز شب تسلیم این پیام گردند. سپس به آنها وعده دهیم و اندیشه ظهور نجات دهنده را برای ایشان آشکار سازیم و آنکه این نوید، اصل مذهب شیعه است. نویدی که اوج راه و روش امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام و دو فرزندش امام حسن و امام حسین علیهما السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام را نشان می‌دهد. در اینجا است که جهان راه حق را می‌یابد و مردم با اندیشه‌ها و دل‌هایشان حقیقت ایده اسلامی را که سوق دهنده ایشان به سوی امید و زندگی است، لمس می‌کنند.

همانا، نوید به این امید با انواع مژده‌هایی که بشریت در طول تاریخ دیده است، تفاوت ریشه‌ای دارد. زیرا، آن نویدها چیزی جز وعده‌های دروغین نبوده‌اند که افرادی به قصد انجام منافع شخصی یا توجیه ظلم ستمکاران و ادامه حکومت آنها - که خود می‌دانند روزی از روزها نیست و نابود خواهد شد - آفریده‌اند.

اما این نوید - نوید ظهور امام زمان (عج) - از واقعیت جدا نیست. زیرا، از یک جهت خالق یکتا، انبیاء و ائمه این مژده را داده‌اند.

از سوی دیگر آن نوید ، معنای راستین نیاز انسانی و تاریخی می‌باشد.

## مرگ بر دروغگویان

امروزه بویژه مؤمنان و عموماً مسلمان ، گرفتار شبه‌فره‌یختگانی گشته‌اند که همه تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا در آنچه که به آن شناخت ندارند ، دخالت نمایند و از این راه به قداست دانش و تخصص تجاوز نمایند. همچنین موقعیت ایمان و اسلام را در دلها ، به خطر اندازند. خواه از تأثیر دروغی که می‌گویند آگاه هستند و یا از آن تأثیر چیزی نمی‌دانند.

چه بسیار از روزنامه‌ها ، کتابها و بوقهای تبلیغاتی که مردم را به سوی شک در عقیده و ناامیدی از دگرگونی و تحوّل تحریک می‌کنند ؛ در حالیکه نمی‌دانند تردید ، یاس ، به شک انداختن و ناامید ساختن گونه‌ای هولناک از شرک و نفاق است.

اگر به قرآن - که کتاب الهی و جلوه حق است - بازگردیم ، در آن می‌یابیم کسانی که مؤمنین و عقیده را به استهزاء می‌گیرند ، شدیدترین عذاب و سخت‌ترین عقوبت را در روز قیامت خواهند دید ؛ بلکه عذاب ایشان از کفار بالاتر است. زیرا ، کافر فقط کفر می‌ورزد و برای وی اهمیت ندارد که چه کسی ایمان آورده است. اما ، فطرت استهزاء کننده اینگونه است که کفر بورزد ، فریبکاری نماید و آزار رساند. همچنین در روایات و احادیث آمده است که مجازات استهزاء کننده به حقایق قرآن و ایده‌های مؤمنین در جهنّم تا ابد جاودان خواهد بود.

با آنکه در دورترین جای آن قرار می‌گیرد؟ ولی در آن سویی که از او هزار سال فاصله دارد، تابشی از نور بهشت را می‌بیند. پس برای رسیدن به آن نور دست به هر کاری می‌زند. از زبانه‌های آتش سوزان و هر آنچه که در بردارد، از انسانها گرفته تا جنها، حیوانات، سختیها و عذاب - می‌گذرد. تا به آن تابش می‌رسد، خاموش می‌گردد و اگر به در بهشت نزدیک شود، در به روی وی بسته می‌گردد. اما، دوباره تابشی از نور بهشت و در باز دیگری می‌بیند. پس شتابان به سوی آن دو می‌دود. شاید خویشتن را نجات دهد یا از مجازات، راه فراری یابد. پس دوباره به همان راه باز می‌گردد. و اینگونه در جهنم جاودان می‌ماند.

تا به حال دروغها و تهمت‌های شخصی که حرکت‌های اسلامی، دینی - فرهنگی و مقدّسات را به سخره گرفته است - ولی با کمال خونسردی از مصالح و انگیزه‌های خود در قالب نادانی، طمع و کفر توجیه می‌کند - شنیده‌ایم و شنیده‌اید. پس موضعگیری ما نسبت به آنها باید تذکر دادن یا دوری کردن از آنها باشد. اگر تذکر یابند سودی نداشت از ایشان به خدای متعال پناه ببریم. زیرا، آنها موجوداتی جهنمی هستند و هر که به آنان نزدیک شود یا به ایشان اعتماد کند، آتش گناهان - آنها - گریبانگیر وی خواهد شد. پس باید از این افراد بیم داشت. زیرا، که در آغاز ایمان آوردند سپس کفر ورزیدند و همانا مؤمنان راستین از ایشان زیانی نخواهند دید.

شایسته است که انسان مؤمن، درباره فرهنگ امیدواری، تحقیق

بلندپروازیها ، چگونگی کوشش و اجتهاد جستجو کند و تنها راه جستجو ، قرآن ، سخنان پیامبر و ائمه اطهار می باشد. اگر بررسی پیرامون ویژگی وجود و ظهور امام زمان (عج) باشد ، انسان مؤمن باید بداند خداوند در قرآن از روش کسی که به ایده اسلامی کفر می ورزد ، انتقاد می کند و می فرماید: ﴿ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ﴾<sup>۱</sup> ؛ «و چگونه ممکن است شما کافر شوید ، با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می شود و پیامبر او در میان شماست ؟ !» یعنی ، با اینکه امروزه از وجود بدنی پیامبر محروم هستیم ، ولی همچنان نفس گرم او را در میان مسلمانان احساس می کنیم و آن در گذر وجود جانشین و وصی وی می باشد. چرا که او قرآن ناطق و یاری دهنده جهانیان و نیز امید تاریخی برای همه بشریت است و او کسی نیست جز امام مهدی علیه السلام . پس شایسته است که به او تمسک جویم و در ایجاد وابستگی به او استوار و پا برجا پیش برویم. زیرا ، تنها با این روش می توان دور کردن ناامیدی از دل و حرکت در راه پیشرفت و شکوفایی را تضمین کرد.

## امام زمان ، بزرگترین آزروی بشریت

کیست آن یاری دهنده تا کاروان بشریت را از سرنگونی در پرتگاه مرگ بازدارد و کیست آن یاری کننده تا از سقوط جامعه انسانی در درّه پلیدیها جلوگیری نماید؟!!

همانا ، امروزه تمام امیدهایی که براساس چاره جوئیهای مقطعی بنا نهاده شده‌اند ، سست و بیهوده به نظر می‌آیند. در این راستا ، بسیار تلاش شده است تا انسان را با آموزشها و راهنماییهای سطحی اخلاقی از سقوط بازدارند ؛ ولی این تلاشها با شکست مواجه شدند. همچنین بوسیله سازمانهایی چون سازمان ملل متحد ، شورای امنیت و دادگاه بین المللی لاهه بیشترین سعی خود را کردند تا از عملیات کشتار جمعی - به علت جنگهای جهانی و منطقه‌ای - جلوگیری نمایند ولی با شکستی سخت روبرو شدند.

پس با وجود جامعه بین الملل ، جنگ جهانی دوم درگرفت. همچنین ، در سایه سازمان ملل متحد ، جنگهای نابود کننده منطقه‌ای شعله‌ور شدند و نیز با وجود شورای امنیت ، ابرقدرتی چون اتحاد



جماهیر شوروی دو کشور مستقل مجارستان و چک اسلواکی را اشغال کرد. همچنین کشور مستقل لهستان را تهدید نمود. سپس کشور افغانستان - سوّمین کشور - را به اشغال خود درآورد.

باز هم در سایه شورای امنیّت ، ایالات متّحده آمریکا به بسیاری از کشورها و سرزمینهای جهان تجاوز نمود.

### جهان و بیم نابودی

بنابراین ، وجود این سازمانها و آن قوانین نمی‌تواند ما را از سرنگونی در پرتگاه مرگ بازدارد ؛ زیرا جهان در هر دقیقه بیش از یک میلیون دلار برای سلاحهای کشتار جمعی هزینه می‌کند. برای آشکار ساختن خطرهای فراوانی که بشریت را دربرگرفته ، ما را بسنده است که بگوییم سهم هر انسان روی زمین از سلاحهای کشتار جمعی ، به خصوص مواد منفجره *T. N. T* ، به اندازه‌ای است که می‌تواند بوسیله آنها ۱۵ میلیون مرتبه کشته شود !

همچنین وجود سلاحهای شیمیایی که تنها ۱۰۰ میلیون تن از آنها کفایت می‌کند تا هرچه روی زمین است ، نابود گرداند. (با در نظر گرفتن اینکه دولتهای گوناگون جهان به خصوص دولتهای غربی ، هزاران میلیون تن از این سلاحها را دارا می‌باشند !)

پس ، براین اساس بشریت با سرعتی دیوانه‌وار به سوی پرتگاه مرگ پیش می‌رود.

حال این پرسش سرنوشت‌ساز مطرح می‌گردد که : چه کسی انسان

را از انسان می‌رهاند؟!!

### ضرورت اعتقاد به وحی

همانا، رهایی بخش انسانها از این مصیبتها، امام، سرور و رهبر ما، مهدی (عج) می‌باشد. برای اینکه تردیدی در پذیرش این حقیقت به جای نماند، باید گفته شود که انسان نیاز دارد به وحی اعتقاد داشته باشد. این اعتقاد، برترین ایده‌ای است که انسان می‌تواند به آن دست یابد و همچنین والاترین اوج کمال انسانیت می‌باشد.

وحی، همان اعتقاد پایدار به وجود ارتباط میان آسمان و زمین و نیز اینکه پروردگار آسمانها و زمین، نسبت به بندگانش بسیار مهربان و آمرزنده است و همچنین بنابر همین رحمت است که، پیامبران را برای راهنمایی و رهایی انسانها از گمراهی به سوی ایشان فرستاده است، می‌باشد.

هنگامیکه انسان به وحی - که جلوه‌ای از قدرت حق تعالی و رحمت خداوند به انسان است - اعتقاد می‌یابد؛ ناگزیر از آن است که به امام مهدی (عج) عقیده پیدا کند. زیرا، پروردگاری که به واسطه وحی زمین را به آسمان متصل می‌سازد، از رحمت، بخشش کامل او بر انسان و نیز لطفش به دور است که بشریت را بعد از درگذشت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بدون رابطه میان آسمان و زمین رها نماید.

زمین از هنگامیکه انسان بر آن گام نهاد تا زمان برانگیخته شدن رسول اکرم به پیامبری، هرگز از حجت الهی تهی نبوده است. حال

گفتار اوّل - چشم اندازی به روز موعود ..... ۳۷

چگونه ممکن است خداوند ، این زمین را بدون حجّت رها نماید؟! آیا در گذشته بشریت به پروردگار جهان نزدیک تر بوده است که ، صد و بیست و چهار هزار پیامبر - به جز جانشینان و اوصیاء - به سوی آنها بفرستد ، امّا اینک ما را بدون هیچ حجّتی - پس از درگذشت پیامبر اکرم - رها نماید؟!!

### ایمان به تداوم وحی

همانا ، انسانی که به وحی اعتقاد می یابد ، ناگزیر از آن است به تداوم وحی که در ائمه اطهار تجسم یافته ، ایمان بیاورد ؛ و به این که تداوم وحی رشد نموده و به اوج تداوم خط رسالت رسیده و در وجود امام مهدی (عج) نمود پیدا کرده است .

همانا ، شرح و بیان این فلسفه به طول می انجامد . حال فقط تابشی از این نور را که در زندگی ما سودمند است ، انتخاب می نمایم تا بوسیله آن ، راههای تاریک جامعه زخم خورده و مستضعف خویش را روشن نمایم .

### چگونه امید را در وجودمان پایه ریزی نمایم؟

ما باید از فلسفه وجود امام زمان ، اندیشه مهمّی را الهام بگیریم تا بنگریم آیا در عقیده ما به امام ، آن آرزوی نهفته و کمبودی را که از آن رنج می بریم ، می یابیم؟

سرشت و طبیعت انسان این است که به سوی ناامیدی از زندگی ،

تمایل پیدا می‌کند ، و از سوی دیگر طاغوتیان همواره با روش القا کردن به انسان که ، او موجودی ناچیز و بی‌ارزش می‌باشد ، وی را به سوی ناامیدی سوق می‌دهند .

اما ، پیامبران و فرستادگان الهی بر خلاف طاغوتیان ، همیشه تلاش می‌نمایند تا بذر امید را در دل انسان زنده بپاشند و همواره به او تأکید می‌کنند که وی آفریده‌ای است با کرامت . اوست اشرف مخلوقات و نیز بزرگوار در نزد خداوند . و اینکه پروردگار انسان را به بهترین صورت آفریده است . این تفکر یکی از اساسی‌ترین بندهای رسالت پیامبران و فرستادگان الهی است . در حالیکه پایه‌ریزی ناامیدی و یأس از برجسته‌ترین نقشه‌ها و سیاستهای طاغوتیان می‌باشد .

حال چگونه می‌توانیم این امیدواری را در خود زنده نگاه داریم و از یأس دوری جوئیم ، با توجه به اینکه امروزه ، شرایطی ما را در برگرفته‌اند که ، همواره ما انسانها را به سوی مرداب یأس و احساس مرگبار به ناامیدی ، سوق می‌دهند ؟!

در پاسخ به این پرسش می‌گوییم : یک مسلمان معتقد به وحی درک می‌نماید که فراسوی این ظواهر مادی و عوامل مؤثر در شرایط زندگی ، یک نیروی غیبی وجود دارد که از روند امور براساس ظواهر جلوگیری می‌کند .

درست است که طاغوتیان بر مستضعفین به زور حکم می‌رانند و آنها را به زور حکم می‌رانند و آنها را به تباهی و سیه‌روزی می‌کشانند . اما ، آیا در ذهن می‌گنجد که امام زمان این بشریت رنج‌دیده را بدون

اینکه کاری برای ایشان انجام دهد ، به حال خود رها کند؟! پس کجاست آن فضل و رحمت الهی؟!!

همانا ، ما مسلمانان رحمت حقّ تعالی را باور داریم و از لطف و فضل او مطمئن می‌باشیم . به همین خاطر هرگز ناامیدی نمی‌تواند به دل‌هایمان راه یابد و بر ما چیره گردد . پس امیدوارانه حرکت می‌کنیم و سرانجام به خواسته خود دست می‌یابیم . زیرا ، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى \* وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾<sup>۱</sup> «واینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست \* واینکه تلاش او به زودی دیده می‌شود.»

### نیاز ما به امیدواری

بنابراین ما به امید نیازمندیم . این امید ، از ایمان به امام مهدی (عج) و نیز ایمان به اینکه هر آنچه پیرامون ما می‌گذرد از آگاهی و اشراف امام زمان دور نمی‌باشد ، سر چشمه می‌گیرد . علاوه بر آن ، شب قدری وجود دارد که در آن (روح) به همراه فرشتگان الهی فرود آمده و کارنامه اعمال هر یک از ما را بر امام عرضه می‌دارند . خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾<sup>۲</sup> «بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان ، اعمال شما را می‌بینند!» از این آیه اینگونه درمی‌یابیم که ، امام بر اعمال ما - چه نیک و چه

۱ - سوره نجم ، آیات ۳۹ و ۴۰ .

۲ - سوره توبه ، آیه ۱۰۵ .

۴۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

ناشایست - ناظر است ؛ و بدون شک او از اعمال نیک ، خشنود و از رفتار ناپسند آزرده خاطر می گردد .

این بخششها و الطاف الهی که هر لحظه شامل حال ما می گردند ، تصادفی نیستند . بلکه نشأت گرفته از سازه های روحی و عقایدی هستند که با خون و رگ مسلمانان درهم آمیخته است . از جمله این عقاید ، ایمان به ضرورت ظهور امام مهدی (عج) می باشد . من شخصاً عقیده استوار و ایمان عمیق دارم که ، گره مشکلاتمان در سایه این اعتقادات حل خواهد شد . زیرا ، عقده های روانی انسانی و هر آنچه از آن رنج می برد - در رأس آنها ، یأس و ناامیدی - بوسیله ایمان به این ایده ها حل خواهد گردید ، زیرا انسان آکنده از امید و آگاهی خواهد شد . هر که به این صفات دست یازد ، به والاترین آرزوهای خود خواهد رسید . ان شاء الله !

## روز موعود ، آرزوی بشریت و توشه راه

مسیر بشریت ، آکنده از پیچ و خمهای خطرناک است ، تا آنجا که جانها پوشیده از ابرهای یأس و بدبینی شده است . در سایه این ناامیدی و آن بدبینی ، انسانیت به سوی اندوه کشنده و کینه و نفرت پیش می رود . همچنین چشمان بشریت به روی حقیقت وجود خود و راز پا گذاشتن به زندگی دنیا و نیز استقرار خود بر روی زمین ، بسته گشته است .

هدف حقیقی و آرزوی نهایی ، تنها طول عمر و جستجوی راههای خوشبختی و آرامش نیست . بلکه ، باید از این هدفهای ثانوی عبور کرده و به سوی هدفی برتر و والاتر - به سوی آن پایانه جاوید و فراخ - زندگی ابدی در بهشت برین و برخورداری از خشنودی خداوند متعال ، گام برداریم .

### پیچ و خمهای خطرناک

پیچ و خمهای خطرناک ، بشریت را در شرایطی هولناک و رعب انگیز

قرار داده است. با مطالعه گذرای تاریخ بشریت می بینیم که زندگی انسانها سرشار از مصیبتها و عذابهایی بوده است که توسط طاغوتیان، مستبدان و جلادان خونخوار بر آنها تحمیل شده است. ایجاد این مصیبتها تنها به نرون، یا هولاکو، یا هیتلر و یا موسولینی اختصاص ندارد؛ بلکه، طاغوتیان فراوانی بوده اند که با جنایات زشت و هولناک خود، تاریخ بشریت را دچار جنگها و کشمکشهای فراوانی کرده اند و مصایب، دردها و ویرانیها را بر انسانها وارد ساخته و قربانیان فراوانی را گرفته اند، تا آنجا که تعداد این قربانیان افزون بر دهها میلیون نفر گردیده است!

حتی تمدنهای در طول تاریخ از حمله طاغوتیان در امان نبوده اند. در این مورد برخی از تاریخ نویسان یونان باستان اینگونه نوشته اند که: امپراطور ستمگر، نرون، به اتفاق همسرش بر بام کاخ خود می نشستند و شهر روم را در حالیکه می سوخت و در کام آتش فرو می رفت، تماشا می کردند و با صدای بلند می خندیدند و قهقهه سر می دادند و قربانیانی را که در آن لحظات وحشتناک جان خود را از دست می دادند، به باد مسخره می گرفتند.

همانا، تاریخ در برگهای خونین و شوم خود از سرزمینها و تمدنهایی نام می برد که شب را در آبادانی و درخشش به سربردند، ولی هنگامی وارد صبح شدند که، دیگر از شهر و تمدن چیزی جز ویرانه باقی نمانده است و از خرابه های به جامانده، دود و زبانه های آتش بر می خواسته است. جنگ جهانی دوم را به عنوان نمونه می توان



نام برد که بعد از آمارگیری ، تعداد قربانیان این جنگ ویرانگر و کثیف را ۶۰ میلیون نفر ذکر کرده اند. علاوه بر آن ، تعداد بی شماری از آوارگان و معلولین و نیز خسارات و ضررهای مادی وجود داشته اند که هیچکس نمی تواند آنها را شمارش کند و اگر آمارگیری می شدند ، از مرز هزاران میلیارد دلار می گذشته اند !

### توشه امید و خوش بینی

برای اینکه اراده آدمی سست نگردد و بدبینی ، ناامیدی و پیچ و خمهای دشوار و خطرناک او را از پیشرفت تکاملی در زندگی باز ندارد و به خاطر اینکه همیشه به پیش حرکت کند ، ناگزیر باید امیدوارانه حرکت کند و خویشتن را به وجود آینده ای درخشان و به دور از آن فاجعه ها و سختیها مطمئن سازد .

آینده ای که در آن پرچم عدالت بر سر تا سر جهان به اهتزاز درمی آید و دوران ستم ، تجاوز ، چپاول ثروتها و تجاوز به حقوق و کرامت انسانها به پایان می رسد .

زیرا ، اگر ناامیدی بر انسان غلبه نماید و بر وجود او چیره شود ، همیشه از انجام کارها ناتوان می گردد و نمی تواند هرگز هدف والایی را به انجام رساند . بلکه ، او نمی تواند هدفی را در نظر بگیرد تا بدان دست یابد . چه ، اینکه ناامیدی همتای خودکشی است و انسان ناامید ، همان کسی است که وجود خویش را نابود ساخته قبل از آنکه به دست دیگران کشته شود و یا با مرگ طبیعی بمیرد .

## امید بشریت

براین اساس ، این پرسش مهم پیش می آید که ، به راستی کدامین امید است که بشریت را به حرکت وامی دارد ، و در حالیکه سایه شوم یأس و ناامیدی را پشت سر می گذارد به سمت جلو پیش می رود ؟  
از دیدگاه اسلامی اصیل ، این امید را می توان در این خلاصه نمود که ، خداوند متعال با بنی آدم عهد و پیمانی راستین بسته که ناگسستنی است . براساس این پیمان باید مسیر انسان به سعادت حقیقی و استقرار عدل و داد میان انسانها ختم گردد .

این پیمان الهی را می توان آشکارا در تاریخ و دقیقاً در همه کتابها و رسالتهای آسمانی - به خصوص در مکتب اسلام و گفته های رسول آن حضرت محمد ﷺ - یافت . تا آنجا که در آیه های قرآن و احادیث پیامبر اکرم و ائمه اطهار تأکید فراوان بر این حقیقت شده است . چنانکه خداوند متعال می فرماید : ﴿ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾<sup>۱</sup> « ما می خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم . »

همچنین پیامبر اکرم ﷺ در حدیث معروف خویش می فرماید : « لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي ... يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا

۱ - سورة قصص ، آیه ۵ .

گفتار اوّل - چشم اندازی به روز موعود ..... ۴۵

وَجَوْرًا»<sup>۱</sup> «اگر از عمر دنیا جز یک شب باقی نماند ، خداوند آن شب را آن قدر طولانی می گرداند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد . اسم او اسم من است و... زمین را از عدل و داد پر می سازد ، همانگونه که از ظلم و جور پر شده است .»

## سنت<sup>۲</sup> ظهور

رسول خدا می خواهد بواسطه این حدیث شریف بر سنت ظهور امام مهدی و تحقق عدالت الهی و نیز آکنده شدن زمین از عدل و داد ، تأکید نماید . همه این موارد نشانگر سنت ثابتی هستند که ، این سنت تغییرناپذیر است و باید تحقق یابد ؛ حتی اگر برای وقوع آن لازم باشد که در طبیعت جهان دگرگونی حاصل شود . همچون طولانی تر شدن آخرین روز زندگی دنیا بیش از آنچه که معمول - ۲۴ ساعت - است .

بنابراین پیامبر اکرم در اینجا تأکید شدید بر این حقیقت بزرگ و تحقق آن امید نوید داده شده از سوی همه ادیان الهی و نیز همه امتها و ملتها دارد که ، بطور حتم خداوند متعال مهدی این امت را به ظهور خواهد رساند ؛ حتی اگر لازم باشد در قوانین حاکم بر طبیعت دگرگونی ایجاد شود . زیرا سنت ظهور از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است ، بلکه بزرگترین سنت است که نسبت به دیگر سنتهای هستی ، اهمیت بیشتری دارد .

---

۱ - بحارالانوار ، ج ۵۱ ، ص ۸۴ .

۲ - منظور از « سنت » آن قانونی است که خداوند مقرر فرموده و قابل تغییر و دگرگونی نیست . ( مترجم )

## بشریت در انتظار

البته ، این حدیث به این معنا نیست که از عمر دنیا فقط یک روز باقی خواهد ماند ، و سپس خداوند آن را طولانی می‌گرداند. بلکه ، می‌خواهد اهمیت این حادثه عظیم را بیان کند و اینکه آن ، از امور حتمی است که ناگزیر باید واقع شود. زیرا ، این حادثه عظیم حقیقتی است ثابت ، که بشریت به خاطر آن آفریده شده است. چه ، اینکه بشریت از هوسرانی طاغوتیان و حاکمان ظالم به تنگ آمده است و رنجها ، مصیبتها و محنتهای فراوانی را تحمل نموده است و بی‌صبرانه انتظار فرارسیدن این روز موعود را می‌کشد. روزی که انسانها در سایه آن ، طعم حقیقی خوشبختی را می‌چشند. روزی که امام مهدی (عج) به ظهور می‌رسد و پس از او ، عیسی بن مریم آشکار می‌گردد و به امام زمان اقتدا می‌نماید و پشت سر او نماز می‌گذارد ؛ تا صاحبان ادیان و مذاهب آسمانی دیگر را به سوی ایمان آوردن به امام و پیروی از او سوق دهد و به دین اسلام که مجموعه همه ادیان است ، گرایش یابند. در آن روز حضرت مهدی (عج) همه قومها و گروههای بشری با هر نوع گرایش و وابستگی دینی و قومی را ، زیر پرچم توحید گرد هم می‌آورد تا بر روی کره زمین دین واحدی حاکم گردد ؛ دینی که پیامبر عظیم الشان اسلام آن را آورده و فرزندش امام مهدی (عج) آن را زنده ساخته است .

امروزه ما احساس می‌کنیم که بشریت در حرکت کنونی خود ،

گفتار اول - چشم‌اندازی به روز موعود ..... ۴۷

به ازای هر گامی که پیش می‌رود ، به همان اندازه گروه‌ها ، قوم‌ها و نژادهایش با همدلی ، اتحاد و همبستگی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. این دلیلی است بر اینکه ، آنچه پیامبر گرامی اسلام پیرامون فرج در احادیث شریف خود تأکید کرده ، حقّ راستین و آشکاری است که باید محقق گردد. پس مسیر بشریت بدون هیچ چون و چرایی به سوی آن روز موعود پیش می‌رود. ان شاء الله !

## انتظار فرج نیکوترین اعمال

سخن گفتن پیرامون امام مهدی (عج) شیرین و مفصل است. به همین خاطر، سعی می‌کنم به طور خلاصه از دل عبرتها و پندها، هر آنچه که به واقعیت و روش زندگی امروزی ما نزدیک است، بیرون بکشم و برای شما بیان نمایم.

### رابطه انتظار با واقعیت ما

با طرح پرسش بسیار مهمی، موضوع را آغاز می‌نمایم: اندیشه انتظار، اعتقاد به آن و ایمان به امام مهدی (عج) چگونه می‌تواند با واقعیت بحرانی جامعه اسلامی امروز، ارتباط داشته باشد؟ آیا می‌توان از این اندیشه، ایده و بصیرت الهی، برای دگرگون ساختن واقعیت بد جامعه به واقعیتی بهتر، استفاده نمود؟ در این صورت، چه راهکارهایی را برای این دگرگونی باید در نظر گرفت؟

پیش از پاسخ گفتن به این پرسش مهم و حساس، باید نمونه‌ای را مثال زد. شخصی می‌خواهد خانه‌ای را از آن خود داشته باشد. او تمام

تلاش ، کوشش و امکانات مالی و معنوی خود را بکار می‌گیرد تا صاحب خانه گردد. یا فردی دیگر که می‌خواهد تشکیل خانواده دهد. می‌بینیم در زمانی بسیار کوتاه ، همه اندوخته اجتماعی و اقتصادی خود را به کار می‌گیرد تا به آرزوی خود - تشکیل خانواده - دست یابد .

حال اگر ، این همه تلاش ، فعالیت و کوشش برای خانه‌دار شدن یا تشکیل خانواده صورت می‌گیرد ، پس تلاش و کوشش شخصی که بخواهد سرزمینش را آزاد سازد ، یا امتش را نجات دهد و یا مردم را رهایی بخشد ، چگونه باید باشد ؟ آیا این موضوع مهمتر و حساستر نمی‌باشد ؟

بنابراین انسانها ، یا امتهای و یا جامعه‌هایی که می‌خواهند به چنین هدفهای بزرگی دست یابند ، باید آن فاصله زیاد میان خود و هدف خویش را کاهش دهند و هرچه در توان دارند ، بکار گیرند تا به هدفهای مورد نظر که همان ساختن میهنی استوار و شایسته منزلت و شأن آنهاست ، دست یابند .

امروزه که ما در موقعیت سرنوشت‌سازی زندگی می‌کنیم و در آن ، با کشمکشها و درگیریهای مرگ و زندگی ، با حکومتهای طاغوتی روبرو هستیم ، قضیه و آرمان ما بسیار حساس و مهم می‌باشد ، و کسانی که این موضوع را کوچک می‌شمارند ، ناخود آگاه خود را تحقیر می‌کنند و به کرامت ، تاریخ و ارزشهای خود اهانت می‌نمایند .

## بحران حکومت‌های طاغوتی

قضیه این حکومت‌های طاغوتی قضیه‌ای ساده نیست. بنابراین باید همه توان و نیروی خود را برای مقابله با آن بسیج نماییم. شاید بارزترین و قوی‌ترین این نیروها را می‌توان در عقیده انتظار فرج یافت. عقیده‌ای که از مهمترین عقاید ما به شمار می‌آید.

اگر نور این امید که در حال درخشش از افق‌های زمان می‌باشد و دل‌هایمان را - علی‌رغم همه آن رنج‌ها که در دوران‌های خفقان، سرکوبی و روزهای سرد و تاریک ناامیدی تحمل کرده‌ایم - روشنی می‌بخشد، وجود نداشت؛ سهم هویت و وجود ما در زندگی چیزی جز نابودی و ویرانی نبود. اما، خداوند تبارک و تعالی، بقاء و تداوم ما را به واسطه نور بقیة الله فی الارضین تضمین کرده است و در این رابطه می‌فرماید: ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup> «آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (بقیة الله) برایتان بهتر است.»

اگر این ستم، وحشت و خفقانی که در طول زمان بر ما تحمیل شده است، بر کوه‌ها وارد می‌شد، هر آینه آنها را درهم می‌شکست و تخته سنگ‌های آهن را ذوب می‌نمود. ما نباید گمان کنیم که جهان از رمز قدرت ما غافل است، بلکه غریبها و دیگران همواره به دنبال یافتن راز و رمز این قدرت نهفته در وجود ما می‌باشند.

به یاد می‌آورم که یک روزنامه نگار فرانسوی متوجه پدیده انقلابی

---

۱ - سوره هود، آیه ۸۶.



- که ویژگی ما شیعیان در هر جنبش و حرکت جهادی می‌باشد - شد و از علت یا راز استواری و مقاومت شیعیان با وجود همه آن سرکوبیها ، قتلها ، تبعیدها و دستگیریها که از طرف حکومت‌های طاغوتی متحمل شده‌اند ، پرسشی نمود ؟ به او اینگونه پاسخ دادم که ما شیعیان به خداوند متعال توکل می‌نماییم و به آینده امیدوار می‌باشیم .

### انتظار فرج نیکوترین اعمال

تاریخ شیعه تاریخی است آکنده از فداکاریهای بزرگ ، از خود گذشتگیها ، دردها ، رنجا ، شکنجه‌ها و زندانها . همان تاریخ امام حسین و امام موسی بن جعفر علیهما السلام است . اما با وجود همه اینها خرد نشدیم و تسلیم یأس و ناامیدی نگشتیم . بلکه برای آشکار شدن حق و حقوق ضایع شده ، هر چه درخشنده‌تر ، استوارتر و نیرومندتر در برابر نیروی ویرانگر ایستادیم . همه این توانمندیها به وجود آن امید بزرگ که ما را در طول تاریخ به حرکت واداشته ، باز می‌گردد . آن امید ، انتظار فرج است ، که در مورد آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اینگونه فرموده است : « أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ » « بهترین اعمال امت من ، انتظار فرج است . »

ما هرچه بذر این فلسفه ایمانی راستین را در نسلهای پیاپی بکاریم ، می‌توانیم به اهداف خواسته شده دست یابیم . شخصی که تردید را در این عقیده استوار - به علت سنگینی بلاء و مصیبت‌های فراوان - راه می‌دهد و ناامید می‌گردد ؛ همچون فردی است که بر شاخه درختی نشسته است و انتهای شاخه را اره می‌کند . در این وضعیت هر لحظه

امکان دارد از آن بالا سقوط نماید.

همانا موجودیت ما بر مجموعه‌ای از شالوده‌های قوی و متینی استوار است که از مهمترین آنها اندیشه ظهور امام مهدی (عج) می‌باشد. در اینجا می‌خواهم بگویم که در بین هزاران دین و مذهب و نیز هزاران اندیشه، نظریه فلسفه‌های گوناگون دیگر که در سراسر جهان پراکنده‌اند، دین و آیینی جز شیعه نیست که ارتباط میان انسان و آفریدگارش را ارتباطی مستمر و همیشگی بداند. زیرا، ما شیعیان عقیده داریم که رابطه میان انسان و آفریدگارش همچنان استمرار و ادامه دارد، و مانند دیگر مذاهب اسلامی به پایان پذیرفتن وحی ایمان نداریم، و این که بعد از درگذشت پیامبر این ارتباط و اتصال قطع می‌گردد و همچنین اینکه هیچ انسانی وجود ندارد که پیامبر نباشد ولی با خداوند ارتباط داشته باشد.

**راز توانمندی ما، در اعتقاد به امام مهدی (عج) نهفته است**

اما شیعیان اعتقاد استوار و ایمان راسخ به وجود این انسان غیبی الهی دارند، انسانی که در شب قدر - که از هزار ماه بهتر است - بر او روح اعظم نازل می‌گردد.

این روح اعظم، که برتر و والاتر از همه فرشتگان الهی همچون جبرئیل و میکائیل است، بر امام زمان (عج) نازل می‌گردد. این عقیده استوار، عزت و شرف ما شیعیان است؛ و در آن قدرت، استواری اعتقاد، سلاح جنگ علیه باطل و ایستادگی ما در برابر ستم پیشگان

و مفسدان ، نهفته است . حال اینکه ممکن نیست یک رزمنده سلاح خود را در میدان نبرد رها سازد ، آیا درست است که ما شیعیان از عقیده ، سلاح و قدرت همیشگی خود ، دست برداریم ؟  
بنابراین ، ما باید - حتی الامکان - ایمان و اعتقادمان به امام زمان را ، در مبارزه طولانی خود با : درتهای ظلم و ستم و سرکشی بکار گیریم .  
همچنین باید در کشمکشهای تمدنی ، از ایمان به این امام و انتظار فرج او الهام بگیریم تا بتوانیم قضایای کنونی را که شاهد آن هستیم به قضیه تاریخی یا اعتقادی مرتبط سازیم .

### اهمیت امیدواری و خوش بینی

ای کاش اندیشمندان ، ادیبان و نویسندگان برای بیان اهمیت انتظار و آثار بزرگ آن ، بلکه خیر و برکتی که به خاطر دعای امام مهدی (عج) شامل حال ما می‌گردد ؛ در مقاله‌ها و محصولات ادبی - فکری و فرهنگی خود بر قضیه امید دادن و تقویت اعتماد مردم به این امید ، تأکید می‌کردند و سپس به بحث ، پژوهش و بیان آشکار قضیه ظهور و نقش ما شیعیان در زمینه سازی و آمادگی برای این امر می‌پرداختند .  
چرا این همه ترس ، دو دلی و عدم اهمیت به بیان قضیه امام و ظهور او را به خاطر سخنان بدگویان و استهزاء مستهزئین - که به امام مهدی ایمان ندارند - به دل راه می‌دهید ؟ آیا این ترس و دو دلی دلیلی بر ضعف عقیده به این امام نیست ؟ با توجه به این که این ضعف شاید همه ساختار عقیدتی انسان را زیر سؤال می‌برد .

بنابراین بیاییم و عقیده خود را نمایان سازیم و در مورد آن آشکارا صحبت کنیم تا مردم به آن شناخت پیدا نمایند. چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ﴾<sup>۱</sup> « بگو: این حق است از سوی پروردگارتان! هرکس می‌خواهد ایمان بیاورد و هرکس می‌خواهد کافر گردد. ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سرا پرده‌اش آنان را از هر سو احاطه کرده است. »

### اندیشه انتظار مستکبرین را می‌هراساند

این عقیده که متأسفانه بعضی از مسلمانان به خاطر جهل و نادانی ایشان، ما را به سبب آن به باد تمسخر گرفته‌اند؛ خواب را از چشمان دشمنان اسلام همچون صهیونیستها و مستکبرین ربوده است، دشمنانی که از هم اکنون برای برخورد با این عقیده و پرچمدار آزادی و منجی انسانها که با ظهور خود بر این دشمنان و بر کفر، گمراهی و فساد ایشان چیره می‌گردد، دندان تیز کرده‌اند.

بنابراین بیاییم و این روحیه را پایه‌ریزی کنیم و بذر آن را در وجود فرزندان و نسلهای آینده خود، بکاریم. همچنین شب و روز به امام زمان (عج) درود بفرستیم و برای او دعا کنیم. زیرا در این دعا و آن درود، برکت و نیکی فراوان نهفته است. بیاییم پیمان و عهد خود را با او هر روز تجدید نماییم، هر چند در زندگی روزمره خود

گفتار اول - چشم اندازی به روز موعود ..... ۵۵

با مشکلات فراوان روبرو باشیم ، و در هر جمعه با خواندن دعای ندبه با امام زمان (عج) بیعت نماییم و اینگونه او را فرا بخوانیم :

« اَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ ، وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ ... اَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ ؟ »

« کجاست عزتبخش دوستان و خوارکننده دشمنان ؟ ... کجاست درهم شکننده

شوکت زورگویان ؟ »

پس این دعا و مانند آن پیوند ما به این امام را تقویت می کند و نیز ایمان به انتظار را در وجودمان ژرفا می دهد تا حقیقت این ایمان را از انتظار عملی در تلاش برای تربیت خودمان و نیز کوشش برای دگرگونی واقعیت فاسد دریابیم .

## گفتار دوم

### در انتظار امام مهدی (عج)

- ◀ ابعاد حیاتی عقیده به امام مهدی (عج)
- ◀ فائده‌های عصر غیبت کبری
- ◀ مفهوم راستین انتظار
- ◀ چگونه از منتظران امام مهدی (عج) باشیم؟
- ◀ در پیشواز امام مهدی (عج)

## ابعاد حیاتی عقیده به امام مهدی (عج)

﴿ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ \* وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ \* وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ \* لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا وَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴾<sup>۱</sup>

« بگو: خدا را اطاعت کنید و از پیامبرش فرمان برید؛ و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود، اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد، و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست \* خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد،

۶۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید ؛ و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده ، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت ، و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند ، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت . و کسانی که پس از آن کافر شوند ، آنها فاسقانند \* و نماز را برپا دارید ، و زکات را بدهید ، و رسول خدا را اطاعت کنید تا مشمول رحمت او شوید \* گمان مبر کافران می توانند از چنگال مجازات الهی در زمین فرار کنند . جایگاه آنان آتش است و چه بد جایگاهی است !»

مناسبت شب نیمه شعبان که شب ولادت نور محمدی ، امام مهدی (عج) ، و مهمترین شبهای این ماه مبارک است ، از بزرگترین مناسبتها و وقایعی می باشد که در آن بر هر مؤمن و مسلمان ، به ویژه مؤمن مکتبی - که پیشگام جامعه و امت اسلامی می باشد - واجب است تا از آن بیشترین استفاده را نماید و درسها ، عبرتها و آگاهی های لازم را در آن فرا بگیرد .

### بینشهای شناخت امامت و امام

شایسته است چنین مناسبتی پایگاه توشه گیری و حرکت مؤمنین مکتبی و نیز جایگاه برانگیزنده نیرومندی برای پیشروی و جهش به سوی پیشرفت مثبت و همچنین زمینه ساز ایجاد انگیزه مستمر از ژرفای امید و بلند پروازی مکتبی برگرفته شده از وجود امام مهدی (عج) و نیز پایگاه شکستن سستی و رهایی از فروبستگی باشد . برای رسیدن به همه اینها باید بینش های ایمانی را از این دریای متلاطم و فیض جوشان الهی بدست آوریم .



باید بدانیم که مقام امامت والای و برتر از مقام نبوت است. پس از آنکه خداوند حضرت ابراهیم - از پیامبران اولوالعزم - را به پیامبری مبعوث گردانید، او را با شدیدترین آزمایشها همچون افکندن وی در آتش، یا هجرت نمودن که در آن همسر و فرزند خود را در بیابانی بی آب و علف - نزد بیت الحرام - رها نمود و یا امر به قربانی کردن پسرش به دست خود و نیز آزمایشهای بزرگ دیگری، امتحان نمود. هنگامیکه حضرت ابراهیم همه این آزمایشها را با سربلندی پشت سر گذاشت، خداوند متعال مقام امامت را به او عطا فرمود: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>۱</sup> «هنگامیکه خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود؛ و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم عرض کرد: از دودمان من نیز امامانی قرار بده. خداوند فرمود: پیمان من، به ستمکاران نمی رسد.»

پس اگر ما این حقیقت را درک نمودیم و نیز درک کردیم که آقای ما، حضرت مهدی (عج) امام است؛ یعنی مقامی والای و بالاتر از نبوت را دارا می باشد و نیز اینکه او در کنار ما زندگی می کند و ما را از جایی که نمی بینیم، می نگرد. از حال ما آگاه است و کارنامه اعمال ما را که هر روز بر او عرضه می گردد، بررسی می نماید. همچنین ما نیاز شدیدی به او، برکات، نور و عشق او داریم، تا گناهان ما را شفاعت نماید و ما را در مسیر حق و راستی راهنمایی کند. اوست که به ما وحدت

می‌بخشد و از سردرگمی و تنهایی و نیز شکست و ذلت رهایی می‌بخشد. حال اگر ما همه این حقایق را درک نمودیم و به آن شناخت پیدا کردیم، باید از این شناخت چندین بینش را بهره بگیریم. پس باید به جستجوی پاسخ این پرسشها پردازیم که:

چگونه پیوندی حقیقی را با حضرت مهدی (عج) برپا داریم؟

و چگونه آن را محکم سازیم؟

آیا خود امام مهدی (عج) است که نمی‌خواهد این پیوند ایجاد گردد و یا خود ما نمی‌خواهیم و برای آن تلاش نمی‌کنیم؟

در این راستا یکی از علما نقل می‌کند که روزگاری را در نجف اشرف می‌زیسته و در آنجا مشغول به تدریس بوده است. در یکی از روزها شخصی از اهالی روستایی دور افتاده برای تحصیل علم نزد او می‌آید. روزی عالم متوجه می‌گردد که انگشترش گم شده است. همه منزل را جستجو می‌کند ولی، آنرا نمی‌یابد. چون به آن انگشتر بسیار علاقمند بود، غمگین می‌گردد. وقتی که سرکلاس درس برای تدریس حاضر می‌شود، طلبه تازه وارد از جایش برمی‌خیزد و به او می‌گوید: آقای من، انگشتر شما در فلان جای به خصوص اتاقتان است. عالم بسیار شگفت زده می‌شود، اما تعجب خود را پنهان می‌دارد. به منزلش باز می‌گردد و انگشتر را در اتاق و همان جایی که آن طلبه گفته بود، می‌یابد. ایام سپری می‌گردند و آن عالم شیء خاص دیگری را در منزلش گم می‌کند که در پی آن دعوایی میان او و همسرش در می‌گیرد. دوباره همچون دفعه گذشته هنگامیکه سرکلاس حاضر می‌گردد، همان طلبه به او می‌گوید که شیء گم شده در فلان جای منزلت

می باشد. عالم پس از پایان درس به منزل باز می گردد و آنچه را گم کرده بود در همان محلی که طلبه گفته بود، می یابد. این فقیه می گوید: از کار این مرد در شگفت بودم. زیرا، مطمئن بودم که هیچ کس از آنچه گم کرده بودم، آگاه نبود. همچنین چندین مرتبه خانه را جستجو کرده بودم ولی تا زمانی که آن طلبه مکان شیء را نمی گفت، آن را نمی یافتم. نزد او - طلبه تازه وارد - رفتم و به او گفتم: برادرم! چگونه از این خبرها آگاه می شوی؟ او پاسخ داد: خودم هم نمی دانم. ولی یکی از دوستانم در خیابان مرا از این خبرها آگاه ساخت. عالم می گوید: از او تشکر نمودم و از او درخواست کردم که اگر دوباره آن شخص را دید به او بگوید که این سید می خواهد به خدمت او حضور یابد. طلبه فردای آن روز نزد من آمد و گفت: برای دوستم خواست شما را منتقل ساختم؛ ولی او چنین پاسخ داد: «به سید بگو آدم شود! تا خودم خدمت او برسم!»

این عالم همچنین نقل می کند که از آن طلبه در مورد اینکه کیست و چه سرگذشت، رفتار یا روشی داشته که او را شایسته ملاقات با امام مهدی (عج) گردانیده است، پرسشهایی نمود. او هم در پاسخ گفت که یکی از فرزندان رئیس قبیله ای است و اینکه پدرش مردی خلافکار بوده و دست به کارهایی چون قتل و چپاول و غیره می زده است. در عین حال، او - همان طلبه - با کارهای پدرش مخالفت می کرده ولی قدرت ایستادگی در برابر آن را نداشته است. پس از آنکه پدرش فوت نمود، در یکی از شبها که بنا بود مقام ریاست قبیله براساس رسم و سنت قبیله ای به او واگذار گردد، او شب تا صبح را با این اندیشه که

دنیا را انتخاب نماید - در صورت انتخاب این مقام باید دست به خلاف و کارهای حرام می‌زد - یا آخرت را ، سپری نمود . در پایان تصمیم گرفت که قبیله و خانواده‌اش را ترک کند و از این مسؤولیت فرار نماید و به نجف اشرف نزد این عالم برای طلب علم بیاید . این مرد نیکو کردار از ریاستی که منکرات را به دنبال داشت و از مال فانی دنیا ، در برابر دین خود گذشت و به همین خاطر شایستگی ملاقات امام مهدی (عج) را پیدا نمود . ﴿ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ﴾<sup>۱</sup> « این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند ؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است . »

### چگونه می‌توان پایه‌های رابطه با امام مهدی را محکم ساخت ؟

آری ، امام با ما و در کنار ما می‌باشد . ولی این کردارهای ناپسند و زشت ما هستند که باعث می‌گردند او را نبینیم و یا هنگامیکه او را زیارت می‌کنیم و یا به او سلام می‌دهیم ، ندای پاسخ او را نشنویم . خداوند متعال نیز به ما نزدیک است . نزدیکتر از آنچه که دل‌های غافل و احساسات محدود ما آن را تصور کند ﴿ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴾<sup>۲</sup> « و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم . » در این مورد امام سجّاد در دعای خود می‌فرماید : « وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمْ

۱ - سورة قصص ، آیه ۸۳ .

۲ - سورة ق ، آیه ۱۶ .

گفتار دوم - در انتظار امام مهدی (عج) ..... ۶۵

الأعمالُ دُونَكَ» «و تو از بصیرت خلق پنهان نیستی جز آنکه آمال و آرزوهایی که به غیر تو دارند ، حجاب آنها از دیدن جمالت گردیده است .» پس خداوند از ما دور نیست ولی این ما هستیم که به خاطر ناپسندی اعمالمان از او دور هستیم .

بنابراین ، امام مهدی همراه ما می باشد . پس بر ماست که خویشتن را اصلاح نمائیم تا وجود او را احساس کنیم و پیوند خود را با او ژرفا دهیم . بلکه از شرف ملاقات و دیدار او در برخی از زمانها و مکانها بهره مند گردیم و این امر به اذن خداوند متعال امکان پذیر می باشد . اما چگونه می توانیم خویشتن را اصلاح نمائیم و پیوند و علاقه خود را به این امام افزایش دهیم ؟

برای گام نهادن در این راه چند نکته را بر می شماریم . نکاتی که هر شخصی می تواند - با یاری خداوند متعال - بدون آنکه با مشکلی روبرو گردد ، از آنها بهره بگیرد . البته شرط لازم برای گام نهادن در این راه تصمیم گرفتن و داشتن اراده ایمانی است . این نکات عبارتند از :

۱ - زیارت امام مهدی (عج) بعد از پایان نماز صبح ؛ حتی با گفتن جمله ای چون : «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» .

۲ - دعا کردن برای امام زمان (عج) پس از ادای هر نماز . با استفاده از دعاهای معروف در این خصوص .

۳ - در همه حال و همه جا به یاد او باشیم و برای او دعا کنیم . زیرا ، هر که او را یاد کند ، امام نیز او را یاد می نماید و هر که وی را دعا کند ، امام نیز او را دعا می کند .

۴- اختصاص دادن یکی از روزهای هفته به ویژه روز جمعه ، برای خواندن دعاها و زیارت‌های مخصوص امام مهدی (عج). خواندن دعاهایی چون دعای ندبه ، دعای عهد و نیز زیارت‌های ویژه این امام.

۵- شایسته است در زمان گرفتاری و مشکلات روزانه زندگی و نیز وقوع حوادث غیر منتظره‌ای که با آن روبرو می‌گردیم ، به سوی بارگاه حقّ تعالی دعا کنیم و از او بخواهیم به برکت وجود این امام مشکلات ما را رفع نماید و نیازهای ما را برآورده سازد.

همه این نکات و مانند آن ، نکات مثبتی هستند که سبب می‌گردند در حضور امام مهدی عجله الله باشیم و با او رابطه صمیمی ایجاد کنیم. هرچه قدم به قدم پیش برویم ، خواهیم دید که نورانیت شریف و پربرکت این امام ما را شیفته خود می‌گرداند و به سوی خود می‌کشاند و ما را در زندگی به پیشرفت هدایت می‌کند ، و روزی خواهد رسید که از ملاقات او بهره‌مند می‌گردیم و از فیض نور وجود مبارکش توشه می‌گیریم. بنابراین همانگونه که ما به وی سلام می‌دهیم و او را زیارت می‌کنیم و ... ، او نیز در مقابل چنین می‌کند. اینگونه است که رابطه خود را با او شکل می‌دهیم و این رابطه تداوم خواهد داشت و رشد و تکامل خواهد یافت.

### عقیده به امام مهدی (عج)

عقیده به امام زمان (عج) باید تحوّلی را در زندگی ما ایجاد نماید. اما

چگونه از این عقیده برای تحقق آن تحوّل بهره بجوییم ؟

در سوره نور آیاتی پیرامون تنظیم روابط در جامعه - به خصوص تنظیم رابطه‌ها بین افراد یک خانواده - آمده است. چه ، اینکه این سوره در آغاز به جامعه ، روابط اجتماعی ، چاره جوئیها و مجازاتهای لازم برای مفاسدی که براین روابط عارض می‌شود ، پرداخته است.

﴿سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾<sup>۱</sup>

«سوره‌ای که آن را فر فرستادیم و عمل به آن را واجب نمودیم و در آن آیات روشنی نازل کردیم ، شاید شما متذکر شوید.» همچنین در این سوره آیاتی در مورد خلافت انسان بر روی زمین آمده است. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۲</sup> «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند ، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.» و نیز در این سوره درباره خانه نبوت سخن به میان آمده است ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾<sup>۳</sup> «در خانه‌هایی که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا ببرند ، خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند.»

بنابراین چه رابطه‌ای میان نبوت و امامت از سویی و میان روابط اجتماعی از سوی دیگر وجود دارد؟

هنگامی که انسان می‌خواهد اخلاق ، رفتار ، روابط و روش

۱ - سوره نور ، آیه ۱ .

۲ - سوره نور ، آیه ۵۵ .

۳ - سوره نور ، آیه ۳۶ .

معاشرت خود را با دیگران نیکو سازد ، باید برنامه‌ای برای حرکت در مسیر آن و نیز الگو و اسوه‌ای برای پیروی از آن داشته باشد. پس اگر بخواهیم جامعه ما مستحکم و متحوّل گردد و پیشرفت نماید ، باید با امام خود و حجّت خویشتن ، رابطه برقرار کنیم. یا به عبارت دیگر ، باید امام را همچون نوری فرض کنیم تا بتوانیم براساس حرکت و کشف واقعیّات توسط او ، حرکت کنیم. اما مهمترین عامل در مسأله رابطه با امام زمان آن است که همه زوایا و روشهای زندگی خود را بر پایه عقیده به این امام و نیز براساس خشنودی یا نارضایتی وی از آنچه که در زندگی خود انجام می‌دهیم ، برنامه‌ریزی نماییم.

به عنوان مثال اگر فردی در میهمانی یک شخصیتی معروف مانند مرجعی یا دانشمندی و یا شخصیتی مبارز شرکت کند ، معمولاً حرکات و سکنات - چون خوردن ، آشامیدن و ... - آن شخصیت را زیر نظر قرار می‌دهد ؛ تا از او بیاموزد و الگو برداری نماید. حال اینکه ما به وجود امام زمان مهدی (عج) اعتقاد داریم. پس چرا در مورد اعمالی که باعث خشنودی و یا رنجش خاطر او می‌گردد ، نمی‌اندیشیم ؟ و آیا رفتار ما او را دلشاد می‌گرداند و یا دل‌آزرده ؟

بنابراین ، ما باید رفتار اجتماعی خود با دیگران ، با خویشتن و نزدیکان را در سایه آنچه امام مهدی در مورد سامان دادن رفتار و روابط اجتماعی از ما می‌خواهد ، سامان ببخشیم. در اینجا است که شاید برخی بگویند ما با رفتار ، اخلاق و کردار - چون خوردن ، آشامیدن ، پوشیدن ، سخن گفتن و ... - امام زمان آشنایی نداریم.



باید بدانیم که امام مهدی (عج) خلاصه ائمه اطهار پیش از خود است و همه آنها همچون حضرت محمد ﷺ ، می باشند. همانگونه که در حدیث شریف آمده است: «أَوْلُنَا مُحَمَّدًا ، أَوْسَطُنَا مُحَمَّدًا ، آخِرُنَا مُحَمَّدًا.» پس با وجود اینکه شرایط و ویژگیهای هر یک از ائمه با هم متفاوت بوده است ولی همه آنها مسیر ، شخصیت و هدف یگانه‌ای را دنبال می‌کرده‌اند. به همین خاطر اگر ما بخواهیم از این چراغ تابناک و این برنامه والا بهره بجویم ، شایسته است که زندگی خود را بر پایه‌ای استوار ، برنامه‌ریزی نماییم و آن جز با الگو برداری از امام و پیروی از وی امکان‌پذیر نخواهد بود. در اینجا پرسشی به میان می‌آید که ، امام یاران خود را از بین چگونه افرادی انتخاب می‌نماید ؟ آیا مثلاً شخصی که شب تا صبح را با قمار بازی سپری می‌کند ، نماز صبح نمی‌خواند و با خانواده خود و مردم بد رفتاری می‌کند را به عنوان یار خویش انتخاب می‌نماید ؟ !

بی‌شک اینگونه نمی‌باشد. بلکه انسانهایی را انتخاب می‌نماید که مؤمن و راستگویند. از راهبان شب و سخت‌کوشان روز هستند. نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. روزه‌دار ، خشوع‌کننده و استوارند و در اوج قلّه اخلاق پسندیده قرار دارند. بنابراین ما باید به نفس خویش توجه کنیم و با اخلاق و اعمال نیکو آن را تزکیه و اصلاح نماییم. نه اینکه همه توجه خود را صرف ظواهر مادی - که به زودی کهنه و دور انداخته می‌شوند - و یا آنچه مردم در مورد ما می‌گویند ، گردانیم. زیرا ، اینگونه توجهات مانعی در برابر تحوّل ، پیشرفت

و تزکیه اعمال و نفوس ما می گردند.

### انتظار مفهومی است مکتبی - نهضتی

برخی تصوّر می کنند که مفهوم انتظار ، مفهومی است ارتجاعی و فرو بسته که ما را به سوی سکوت در برابر ستمکاران و ا می دارد. در حالیکه عکس آن درست می باشد. اگر در تاریخ بنگریم ، می یابیم که شیعه از آغاز تا به امروز و تا زمان ظهور ، مردمانی انقلابی ، اهل نهضت و مقاومت مکتبی در برابر ستم زورگویان بوده ، هستند و خواهند بود و همه اینها به اعتقاد ایشان به امام مهدی (عج) و نیز مفهوم مکتبی مثبت انتظار باز می گردد.

پس این اعتقاد به انسان امید و پویایی را می بخشد. زیرا ، سنتی الهی وجود دارد که نشان می دهد خداوند هر که را مظلوم و یا همراه حق باشد ، یاری می نماید و این سنت در متجلی ترین شکل آن در امام مهدی (عج) تحقق می یابد. زیرا ، اوست بنده صالح و ولی خداوند متعال و اوست همراه حق و نیز مظلوم ، صابر و ناگزیر (مضطّر)... و هر انسانی که این سنت الهی و این صفات - به هر میزان - در وجودش تحقق می یابد ، خداوند متعال او را به همان میزان یاری می نماید.

در اینجا آنچه بر این امر دلالت می نماید این است که پیامبر اکرم خود اولین کسی بود که ظهور امام مهدی علیه السلام را به مسلمانان مژده داد ، تا آنجا که بیش از ۵۱ روایت از رسول خدا فقط در کتب علمای اهل سنت نقل شده که در مورد امام مهدی (عج) سخن می گویند و همانگونه

که علمای شیعه قبل از ولادت این امام کتابهایی را درباره او تألیف کرده‌اند، یکی از علمای اهل سنت نیز کتاب ویژه‌ای را در مورد این امام در سال ۱۲۷ هـ. ق - قبل از ولادت امام مهدی (عج) - نگاشته است. نیز علاوه بر شیعیان، امروزه بسیاری از علمای اهل سنت در کتابهای خود، اعتقاد به امام مهدی (عج) را جزئی از عقاید اسلامی ثابت یاد می‌کنند.

ایمان به امام زمان (عج) مکمل ساختار اعتقادی شیعه می‌باشد. همچنانکه اگر هواپیمایی در حال پرواز باشد و در یکی از بالها و یا موتورهای خود با مشکل یا اختلالی مواجه می‌گردد، نمی‌تواند با نادیده گرفتن آن مشکل به پرواز خود ادامه دهد؛ و یا شخصی که به زکات، خمس و حجّ ایمان دارد ولی به نماز ایمان ندارد، کافر به شمار می‌آید؛ (زیرا فاقد یکی از اجزاء اصلی منظومه ایمان است...) همچنین کسی که به امام مهدی (عج) ایمان نداشته باشد، مشکل بزرگ و اختلال ژرفی در یکی از ارکان اساسی ایمان خود دارد و به همین خاطر خداوند او را یاری نمی‌نماید.

پس ایمان به امام زمان و ایمان به اینکه خداوند، مظلوم و قیام‌کننده بر حق - که دیگران را به سوی خدا فرامی‌خواند - را یاری می‌نماید، ایمانی است که نهضت را در میان مسلمانان برمی‌انگیزد. همانگونه که می‌بینیم شیعه‌های مکتبی در جنوب لبنان، صهیونیستها را از سرزمینهای خود رانده و هنوز با روحیه فداکاری و امید به پیروزی و تکیه بر کلمه «یا مهدی ادرکنی» در برابر دشمن ایستادگی می‌کنند.

۷۲ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

همین ایمان به صاحب الزمان (عج) است که این پویایی و امید به پیروزی و تلاش برای دستیابی به آن را به ایشان عطا کرده است.

مسأله حکمرانی و خلافت خدا بر روی زمین در قرآن کریم فقط به امام مهدی (عج) اختصاص ندارد، بلکه به دیگران نیز تعمیم داده می‌شود. زیرا این سنت الهی هنگامیکه حضرت موسی بن عمران، بنی اسرائیل را نجات داد، برای آنان به وقوع پیوست؛ و نیز برای پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان آن دوره تحقق یافت؛ و ان شاء الله در زمان امام مهدی (عج) نیز تحقیق خواهد یافت. پس زمین کاملاً آزاد نخواهد گشت، مگر پس از قیام امام و پیشوای ما.

## فایده‌های عصر غیبت کبری

باید این را بدانیم که امام مهدی (عج) در میان ما چون خورشیدی است در پس ابرها. ولی، با وجود ابرهای متراکم باید نور، حرارت و گرمای او به ما برسد. پس سرچشمه او علی رغم ابرها و پرده‌ها، باقی و مستمر است.

دل انسان مؤمن نیز به خاطر وجود امام زمان (عج) زنده است و زندگی می‌کند. زیرا، امام خورشید پنهان دل مؤمن است.

## فواید عصر غیبت کبری

در اینجا پرسشی مطرح می‌گردد که در زمان غیبت کبری چه فایده‌ها و منافع وجود دارند که می‌توانیم به آنها دست یابیم و از آنها بهره بجوییم؟

برای پاسخگویی به این پرسش ابتدا باید مقدمه‌ای را بیان نماییم. در زمان پس از ظهور امام مهدی (عج) سودها و منافع برای همه انسانها عمومیت پیدا می‌کنند. بلکه برای هر جا نداری که روی زمین زندگی

می‌کند ؛ حتی فرشتگان ، جنها و هر موجود عاقلی شامل این عمومیت می‌گردند. در بعضی از روایات آمده است که به ابلیس - لعنت خدا بر او باد ! - تا روز وقت معلوم مهلت داده شده است و روز وقت معلوم به روز ظهور و خروج امام مهدی (عج) تفسیر شده است. زیرا ، ابلیس مدت مهلت خود را از خدا تا روز قیامت خواسته است ، ولی خداوند تبارک و تعالی در این مورد پاسخی نداده و همانا او را تا روز معین - همانطور که روایات می‌گویند - که همان روز ظهور امام زمان است ، مهلت داده است. پس در آن روز موعود ابلیس و همه شیاطین زمین ، سرکوب می‌گردند و آنجاست که انسان و همه هستی از خیر و خوشبختی بهره‌مند می‌گردند.

پس در زمان غیبت کبری و یا عصر انتظار ، فایده‌های روحی و معنوی وجود دارد که آنها را از اعتقادمان به امام مهدی (عج) الهام می‌گیریم و همانا این ، خلاصه فلسفه انتظاری است که ما در زمان غیبت با آن زندگی می‌کنیم. حال می‌توانیم این سود معنوی و فایده روحی را در سه امر اساسی خلاصه نماییم:

- ۱ - فایده نشأت گرفته از نفس اعتقادمان به امام زمان (عج).
- ۲ - محبت و دوستی ما نسبت به امام مهدی (عج).
- ۳ - یاری رساندن او به ما در مواقع سختی و زمانهای دشواری.

### راه بهره‌جویی از وجود امام زمان (عج)

پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که ، چگونه می‌توان از نور این

آفتاب که ابرهای سیاه روزگار او را پوشانده‌اند ، استفاده نمود ؟  
پاسخ این پرسش را در نکات ذیل می‌جوئیم :

## ۱ - انتظار فرج

سخن درباره این انتظار بسیار طولانی و متنوع است . ولی برای اینکه مفهوم آن را آشکار سازیم ، مثالی را می‌آوریم . هنگامیکه شخصی انتظار مهمان عزیزی را می‌کشد ، حال و وضعیت او دگرگون می‌گردد و در چهره‌اش نشانه‌های شوق نمایان می‌شود . می‌بینیم که هر لحظه انتظار ورود مهمانش را می‌کشد و پس از آنکه هرچه برای مهمانی در منزلش داشته از فرش و مکان مناسب گرفته تا غذا و نوشیدنی لذیذ را آماده ساخت ، چشم به راه می‌ماند . پس همه این امور در کنار امور معنوی که در دل انسان می‌گذرد ، بازتاب معنای انتظار می‌باشد .

اگر همه این آمادگیها فقط برای استقبال از یک دوست معمولی است ، پس حال و وضعیت ما نسبت به امام معصومی که نجات دهنده بشریت رنجدیده از دردها ، رنج و غمهایش می‌باشد ، چگونه است ؟! آیا دلها و روحها قبل از بدنها انتظار او را نمی‌کشند ؟

همانا زمان ظهور امری است غیبی که از ما و از خود امام علیه السلام پنهان است و هیچ‌کس جز خداوند متعال به آن آگاهی ندارد . ما نمی‌دانیم که آیا این زمان پس از یک ماه ، یک سال و یا شاید قرن‌ها به وقوع می‌پیوندد یا خیر . همانطور که در بسیاری از روایات تأکید شده است ، تنها خداوند بزرگ به آن آگاه است . بنابراین مؤمن منتظر ، باید بطور مداوم

برای تعجیل ظهور این امام دعا نماید. این دعا نباید تنها زبانی باشد ، بلکه باید از صمیم و ژرفای دل مشتاق برای ظهور فرج برخیزد تا آنجا که در اعمال و رفتار دعا کننده تجسم یابد و به واسطه آن راست بودن دعا و شوق او برای ظهور امام ثابت گردد. خداوند متعال می فرماید:

﴿ اَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾<sup>۱</sup> « مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم . » هرگز مؤمن عمل کننده نباید دعای خویش را کوچک شمارد و بگوید که دعای من چه ارزشی دارد ؟ زیرا دعا درباره تعجیل ظهور امام و وقوع فرج مهم و با ارزش است .

خالق هستی ، بندگانش را به سوی دعا کردن و پافشاری در طلب چیزی فرامی خواند ؛ تا آنجا که می فرماید: ﴿ وَقَالَ رَبُّكُمْ اَدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ ﴾<sup>۲</sup> « پروردگار شما گفته است : مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم .

کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند . »

و در جای دیگر می فرماید: ﴿ وَاِذَا سَاَلْتَكَ عِبَادِيْ عَنِّيْ فَاِنِّيْ قَرِيْبٌ اُجِيْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَا فَاَلِيْسَتْ جِيْبُوْا لِيْ وَلِيُوْمِنُوْا بِيْ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُوْنَ ﴾<sup>۳</sup> « و هنگامی که بندگان من ، از تو درباره من سؤال کنند ، بگو : من نزدیکم ؛ دعای دعا کننده را ، به هنگامیکه مرا می خواند ، پاسخ می گویم . پس باید دعوت مرا بپذیرند ، و به من ایمان بیاورند ، تا راه یابند و به مقصد برسند . »

۱ - سوره غافر ، آیه ۶۰ .

۲ - سوره غافر ، آیه ۶۰ .

۳ - سوره بقره ، آیه ۱۸۶ .



پس خداوند تبارک و تعالی به دعای بنده مؤمن خویش که در عبادت و دعای خود خالص عمل می‌کند، پاسخ می‌دهد. زیرا اوست که پافشاری اصرار کنندگان را دوست می‌دارد. همچنین نباید هیچ یک از ما پس از پایان هر نماز، دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام (عج) را فراموش نماید؛ و این باید روش و برنامه‌ای باشد برای هر مؤمنی که در دوستی اهل بیت عصمت و طهارت راستین است و همانا دعای فرج در زمان انتظار سبب نزدیکی فرج می‌گردد.

## ۲ - تقویت روحیه انسان مؤمن

موضوع بعدی به فایده معنوی و تقویت روحیه مؤمن باز می‌گردد. چه اینکه نفس ایمان و اعتقاد به وجود و حضور امام عجل الله فرجه در این جهان علی‌رغم عدم شناخت شخص امام، در نزد مؤمنین امید و بلندپروازی را می‌آفریند. مشکلات و سختیها را بر آنها آسان می‌گرداند و دردها و غمها را از میان می‌برد. بنابراین مؤمنین راستین شکست معنوی را در نبرد با اهل باطل، کفر و شرک نمی‌شناسند.

آری، ممکن است که مؤمنین در میدان نبرد از نظر نظامی شکست بخورند ولی هرگز این شکست از معنویت و روحیه‌های آنها نمی‌کاهد. زیرا، می‌دانند که تا پایان کار پیروزی از آن اهل ظلم و ستم نمی‌باشد و اینکه در این جهان امامی وجود دارد که باید ظهور یابد و انتقام همه مظلومین را در طول تاریخ جنگ و جهاد در راه پیروزی کلمه الله، از ستمکاران بستاند.

### ۳- برکت دعای امام (عج) برای پیروانش

همانگونه که ما برای فرج و ظهور امام (عج) دعا می‌نماییم و از خدا می‌خواهیم که او را یاری رساند و رهبر، راهنما و یاری دهنده او باشد؛ او نیز برای امت، دوستداران و محبانش دعا می‌نماید. شاید بیشترین نعمتهایی که شامل حال ما می‌گردند - اما وجود آنها را احساس نمی‌کنیم - از برکت دعای این امام برای ما باشد. همچنین شاید وقوع بسیاری از حوادث ناگوار که در علم الهی برای ما مقدر شده‌اند، به برکت دعای این امام بدهاء<sup>۱</sup> حاصل شود و در نتیجه این حوادث تحقق نیابند و یا از شدت و سنگینی آنها کاسته گردد.

### ۴- اجر و پاداش الهی

خداوند تبارک و تعالی پاداش بسیاری را به خاطر استواری در اعتقاد به امام مهدی (عج) و دعای فراوان برای ظهور و وقوع فرج این امام، نصیب ما می‌گرداند. زیرا، همانطور که در حدیث شریف آمده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» «بهترین اعمال نزد امت من انتظار فرج است.» همچنین: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» «بهترین عبادتها انتظار فرج است.» اگر این انتظار فرج وجود نداشت، هر آینه مؤمنین از جهاد

---

۱- بدهاء: پدیدار شدن رأی دیگر در کاری یا امری و در مسائل اعتقادی به معنای آن است که اراده و مشیت خداوند متعال به تغییر آنچه قبلاً مقدر شده است تعلق گیرد، و آن را به چیز دیگری دگرگون سازد. (مترجم)

و عمل در راه اسلام و پرآوازه کردن دین اسلام ناامید می‌گشتند و در هنگام وارد آمدن سختیها، مصیبتها، رنجهای پی‌درپی و دردها دچار سرخوردگی می‌شدند؛ بلکه اگر انتظار فرج نبود، هرگز وارد میدانهای نبرد و جهاد در راه خدا نمی‌شدند و هیچگاه مال و نفس خویش را در این راه فدا نمی‌نمودند.

شخصی که ایمان و اعتقاد به امام مهدی (عج) و انتظار ظهور او و نیز وقوع فرج دارد، هرگز نباید سستی و تنبلی خود را توجیه نماید و ادعا کند که جهاد و عمل هیچ فایده‌ای ندارند. بلکه، هر تلاشی که یک منتظر واقعی در راه خداوند متعال انجام می‌دهد، چون جوانه سبزی است که آن را در مسیر ظهور می‌نشانند تا به این صورت از امام خود استقبال نماید. امامی که خداوند به واسطه او زمین را همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است، آکنده از عدل و داد می‌سازد و این همواره حقیقتی است ثابت.

اگر ما همه مجاهدین و مبارزین در راه اسلام و همه زمینه‌های خیر و نیکی را در نظر بگیریم، خواهیم دید که همه آنها دوستداران امام هستند و انتظار ظهور و فرج او را می‌کشند و همه این موارد به دل‌های پاک، با ایمان و امیدوار آن باز می‌گردد.

در اینجا دوباره به این امر باز می‌گردیم که همانا نفس انتظار فرج پویایی، نشاط و امیدواری را در وجود مؤمن می‌آفریند و او را به سوی کار مستمر و وارد شدن به دریای عمل و جهاد تشویق می‌نماید. می‌بینیم اگر ثروتی دارد، آن را در کارهای خیر انفاق می‌نماید؛ یا اگر

۸۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

انسان نیرومندی است ، تمام قوا و نیروی خود را در این راه بکار می‌گیرد و یا اگر اهل فرهنگ ، دانش ، ادب و هنر می‌باشد ، از اندیشه و استعداد خود در این مسیر استفاده می‌نماید . بدین سان ، انتظار فرج اولین موردی است که از آن به عنوان فایده معنوی از فایده‌های عصر غیبت کبری بهره می‌جوییم .

اما مورد دوم همان دوستی و محبت ما نسبت به امام مهدی (عج) است . انسانی که به فلسفه غیبت ایمان دارد و به وجود امام و اینکه او ناظر بر اعمال ، رفتار و چگونگی معاشرت با اجتماع می‌باشد ، یقین دارد ؛ همانا ارتباط قلبی و روحی محکمی با امام خود برقرار ساخته است . یا به عبارتی دیگر شب و روز خود را در حالی سپری می‌نماید که در دوستی امام و رهبر خویش ذوب گشته است . رهبری که روزگار او را غایب (پنهان) ساخته و به همین خاطر انسان مؤمن از دیدار امامش محروم گشته است .

ما شیعیان مؤمن ، امام مهدی (عج) را نمونه والایی برای خود می‌دانیم . و چون این امام از ما پنهان و غایب است ، پس در زمان غیبت باید به نمایندگان شرعی و نایبان او که علما ، فقها و مراجع عظام هستند ، مراجعه نماییم . از آنها پیروی و تقلید کنیم و به سفارشات آنها عمل نماییم .

پس همانطور که اطاعت از امام و پیروی از او واجب است ، اطاعت از وکیل یا نایب او تا زمانی که در راه راست و راه امام گام برمی‌دارد نیز واجب می‌باشد و اگر گاهی دچار کوچکترین انحرافی گردید باید

عادلتر و با تقواتر از او را برای تقلید انتخاب نماییم .  
بنابراین امام زمان (عج) معیاری برای همه شیعیان است و اعتقاد به این امام ، سازنده اندیشه شیعه می باشد و آن را از پویایی ، استقامت و استواری پربار می سازد . به همین خاطر در تاریخ شیعه هرگز دیده نشده است که مرجعی به خاطر نادانی خویش از مسیر راست منحرف شده باشد ، یا دست نشانده بیگانگان گردد و یا به دین و ملت خویش خیانت کرده باشد ؛ زیرا این امت مؤمن به همراه مهدی خود است که هر آینه از مراجع و راه و روش آنها در حین انجام تکالیف شرعی خود مراقبت می نمایند ، زیرا کوچکترین انحرافی از مسیر صحیح خود ، آنها را از اعتماد و اطمینان مؤمنین دور خواهد ساخت . همچنین ارتباط شیعیان با مراجع خود ، هیچگاه ارتباطی عاطفی نبوده ، بلکه ارتباط ارزشها و مبانی و نیز ارتباط نمایندگی از سوی امام غایبشان - که الگوی اول و آخر و نمونه راستین برای آنها می باشد - بوده است .

### فایده های حقیقی

در همه این موارد ذکر شده ، منافع و فایده های پنهانی دیگری وجود دارند که تنها اهل فضل و عرفان آنها را احساس می نمایند .  
چه بسیار شرایط سخت و دشواری پیش آمده که شیعیان ، یا مسلمانان و یا شاید همه بشریت دچار آن گشته اند ، ولی به خاطر دعا ، منزلت و شأن امام مهدی (عج) نزد خداوند بوده که از آن شرایط سخت و هولناک نجات یافته اند و همه اینها را تنها اهل بصیرت و عرفان

می توانند درک نمایند. اینک همه ما بر سر سفره فضل امام زمان نشسته ایم. اوست که به اذن خداوند متعال بر همه اوضاع زمین مسلط می باشد. به همین خاطر ما باید با توجه به این امر، به نکات پیش رو عمل نماییم:

### ۱- تغییر رفتار

بیاییم و از هم اکنون با خدای خود پیمان ببندیم که، رفتار و منش خود را تغییر خواهیم داد. شاید بسیاری از ما فراموش می کنیم و یا نمی دانیم که امام - بر اساس روایات فراوانی که بر این امر تأکید می نمایند - در هر شبانه روز بر رفتار و کردار ما آگاهی می یابد. چنانکه کار نیکویی از ما سر بزند، او را خشنود می سازد و اگر عمل زشت و ناپسندی انجام دهیم، باعث رنجش او می گردد. اگر می خواهیم این خشنودی و آن رنجش را درک نماییم، باید به احساسات خود هنگامیکه فرزندانمان به ما بدی می کنند، باز گردیم. در آنجاست که می توانیم احساسات امام خود را نسبت به شیعیانش که ادعای دوستی او را می نمایند ولی با گناهان، رفتار ناپسند و سستی هایشان او را آزرده خاطر می سازند، درک نماییم.

بنابراین رفتار مان باید همچون رفتار منتظرین حقیقی امام باشد و باید حقیقت انتظار را نشان دهیم. پس بیاییم و نفس، اخلاق، رفتار و تعامل خود با دیگر مسلمانان را اصلاح نماییم و آن را با روح انتظار هماهنگ سازیم.

## ۲ - آمادگی روحی و جسمی

باید همیشه آمادگی روحی و جسمی داشته باشیم. زیرا، هیچ کس از زمان ظهور امام (عج) - همانطور که گفته شد - آگاه نیست. در اینجا پی به این راز می بریم که چرا بعضی از علما و مراجع، شمشیرهای خود را زیر بالشهای خود قرار می دهند. زیرا می خواهند در هنگام ظهور موعود آماده باشند و شمشیر در اینجا چیزی جز نماد آمادگی جسمانی نیست.

بنابراین باید همیشه آمادگی جنگ آوری را - که از امور ضروری برای شیعیان است - داشته باشیم. پس بر یک شیعه واجب است که آماده باش، آموزش دیده، فعال و آماده فداکاری در هر زمان باشد. علاوه بر آن باید آمادگی اخلاقی و تزکیه نفس را نیز به همراه داشته باشد. زیرا امام مهدی (عج) یارانی پاک و مخلص می خواهد. پس باید همه این امور را در وجود خود پایه ریزی نماییم و در سرشت و اخلاق خویش باز آفرینیم.

## ۳ - بشارت دادن به ظهور امام

بیاییم و با بیان حقیقت انتظار و فلسفه آن، ظهور امام را بشارت دهیم و به فرزندانمان امام زمان را بشناسانیم و به آنها فلسفه غیبت و فایده های آن را براساس گنجایش ذهنشان بیاموزیم. مفاهیم را برای آنها بگسترانیم تا به این عقیده آگاهی یابند و در سایه این عقیده گام

به گام پرورش یابند. زیرا شاید عصر ظهور، در زمان آنها باشد. و همه اینها - همانطور که قبلاً گفته شد - در صورتی امکان پذیر خواهند بود که از دو امر اساسی پیروی نماییم:

۱- دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام مهدی (عج).

۲- فراگیری حقیقت امام و فلسفه انتظار.

شاید فراگرفتن این دو امر برای تغییر اوضاع مسلمین کافی باشد تا آنها را هرچه بیشتر به امامان و ارزشهایی که به خاطر آنها مجاهدت کرده‌اند، نزدیک سازد و نیز اینکه از برنامه‌های ائمه اطهار پیروی نمایند و همچنین آثار علما و مراجع را که نمایندگان ائمه می‌باشند، پیش‌رو قرار دهند تا به این وسیله مسلمانان به نیروی بازدارنده‌ای چون دژهای آهنین تبدیل گردند.



## مفهوم راستین انتظار

خداوند سرانجام این جهان را به نیکی ختم می‌نماید. زیرا، رحمت او از خشمش پیشی گرفته و این رحمت اوست که همه جا گسترش یافته است و اینکه خداوند متعال انسان را آفریده تا بر او رحمت فرستد نه عذاب! پس بدون شک، خداوند جهان را به بهترین روز و نیکوترین زمان پایان می‌بخشد و آن زمانی است که امام مهدی (عج) ظهور می‌یابد.

در این راستا خداوند متعال ما را از این حقیقت ثابت در چندین آیه آگاه می‌سازد. چنانکه می‌فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾<sup>۱</sup>.

«او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.»

---

۱ - سوره توبه، آیه ۳۳. سوره صف، آیه ۹.

### پیوند ما با امام مهدی (عج)

بدون شک هنوز این حقیقت تحقق نیافته است و همانا انسانیت بی صبرانه منتظر رسیدن آن روز فرخنده می باشد. روزی که در آن پرچم عدل و حق بر سرتاسر گیتی به اهتزاز درمی آید. اما چگونه این هدف تحقق می یابد؟ مسؤولیت انسان درباره آن چیست؟ و انسان چه ارتباطی با این نجات دهنده دارد، نجات دهنده ای که خداوند متعال بواسطه او دین اسلام را بر تمام ادیان غالب می سازد. یا به عبارتی دیگر، ما باید چه نوع ارتباطی را برپا سازیم، در حالیکه در زمان غیبت سرور و سالارمان امام زمان (عج) قرار داریم؟

برای پاسخگویی به این پرسشها باید بگویم که برخی از آیات قرآن برخی دیگر را تفسیر می نماید، چنانکه خداوند تبارک و تعالی در سوره صف، پس از آیه ای که به آن اشاره شد، می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟!» پس این آیه دو حقیقت مهم را بیان می نماید:

#### ۱- تحقق ظهور، بواسطه مؤمنان مجاهد

تحقق این هدف به واسطه مؤمنانی صورت می گیرد که تصمیم گرفته اند مجاهدی راستین باشند و با خدای خویش معامله ای سودمند انجام دهند؛ که از گذر این معامله به جهاد پردازند و نفس و دارائیهای

خویش را در راه خدا قربانی کنند؛ تا بواسطه آن، خداوند متعال آنها را از عذاب دردناک رهایی بخشیده و به رضوان الهی دست یابند.

براین اساس اعتقاد به اینکه باید اموری غیبی در مسیر حیات دخالت نمایند تا آن را دگرگون سازند، صحیح نمی باشد. زیرا خداوند متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup> «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.» سپس می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟!»

سپس در این راستا قرآن سخن را ادامه می دهد تا ماهیت این تجارت را بیان نماید. در این باره می فرماید: ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ﴾<sup>۳</sup> «به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید.» پس این مسأله به انسان تعلق دارد. اوست که باید پرچم جهاد را به دوش گیرد و مال و نفس خویش را فدا سازد. تا بواسطه آن بهشت برین را از آن خود سازد و نفس خویش را از آتش دوزخ برهاند و اراده خداوند متعال را در غالب ساختن دین اسلام بر همه ادیان تحقق بخشد.

۱ - سوره توبه، آیه ۳۳. سوره صف، آیه ۹.

۲ - سوره صف، آیه ۱۰.

۳ - سوره صف، آیه ۱۱.

## ۲ - جهاد دو نوع می باشد

جهاد در راه خدا دو نوع می باشد. نوع اول، از یک جوشش عاطفی دوره‌ای نشأت می گیرد. در این جهاد، مردم پرچمها را بردوش می گیرند و منادیان به خاطر تأثیرپذیری از فضای پیرامون، مردم را به جهاد دعوت می نمایند و به همین خاطر به سوی میدانهای نبرد روانه می گردند.

نوع دیگری از جهاد وجود دارد که هدفهای تمدنی را محقق می سازد و انسان را وامی دارد تا به هدف والاتری از آفرینش هستی دست یابد و آن هدف چیزی جز چیره ساختن دین اسلام بر همه ادیان نیست. تحقق این هدف والا که چیرگی دین الهی بر همه اندیشه‌ها و اصول بشری می باشد، گروهی را می طلبد که نفس خویش را نثار خداوند متعال نمایند و در معامله‌ای بی برگشت با خدا وارد عمل شوند، خواه پرچمهای جهاد برافراشته شده باشند خواه خیر، و خواه مشوقی برای جهاد وجود داشته باشد خواه وجود نداشته باشد.

## جهاد سرشت مؤمنین است

چنین مؤمنانی از سرشتی جهادی برخوردار می باشند. پس آنها را می بینیم که در هر جایی جهاد را جستجو می نمایند. حال شرایط مناسب باشد یا خیر. زیرا آنها جهاد را نزدیکترین پل به سوی بهشت، کوتاهترین راه به سمت رضوان الهی و نیز بهترین مسیر برای نجات از

آتش دوزخ و گناهان بی شمار می دانند.

زیرا هر انسانی ناگزیر از وارد شدن در آتش جهنم می باشد و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم ، در آن داخل می گردیم . بر این امر در منابع شرعی اسلامی بسیار تأکید شده است . چنانکه خداوند می فرماید :

﴿ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا \* ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴾<sup>۱</sup> « و همه شما وارد جهنم می شوید ؛ این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت \* پس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می بخشیم ؛ و ظالمان را - در حالی که از ضعف و ذلت به زانو درآمده اند - در آن رها می سازیم . »

### نجات از آتش دوزخ ، والاترین هدف مؤمنین

بنابراین رهایی از آتش دوزخ ، والاترین هدف و مهمترین بلندپروازی نزد انسان مؤمن می باشد . مجاهدین نیز برای تحقق این هدف ، ولی با کوتاهترین راه ، تلاش می نمایند . فرموده خداوند متعال نیز بر این امر دلالت می کند : ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ<sup>۲</sup> » « ای کسانی که ایمان آورده اید ! آیا شما را راهنمایی کنم ؟ »

هدف این سخن خطاب به مؤمنین می باشد و دیگر مسلمانان و یا عامه مردم را در بر نمی گیرد ، و چون سخن خدا مؤمنین را مورد خطاب قرار داده ، می بینیم که والاترین سطح از گفتگو را - گفتگویی که

۱ - سوره مریم ، آیات ۷۱ - ۷۲ .

۲ - سوره صف ، آیه ۱۰ .

۹۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

انسان در حال جستجوی رهایی را مورد خطاب قرار می‌دهد. دارا می‌باشد. اما انسانی که مفهوم جهنم را درک نمی‌کند و ایمانی به آخرت ندارد و نیز هرگز به رهایی از آتش دوزخ نمی‌اندیشد، این سخن شامل حال او نمی‌گردد.

در اینجا به ذهن می‌رسد که روی سخن با مؤمنین است؛ پس چرا دوباره نداء النهی بر مسأله ایمان تأکید می‌نماید؟ برای پاسخ به این پرسش می‌گوییم: چه بسا این تأکید، دعوتی به سطوح بالاتری از ایمان باشد.

### آنچه یک انسان مؤمن بدست می‌آورد

در آیات گذشته به آنچه یک انسان مؤمن در این راه می‌بخشد، پرداخته شده بود. اینک نیز با استمداد از آیات شریفه، آنچه را که یک مؤمن در این مسیر به دست می‌آورد، بیان می‌نماییم:

۱- **أَمْرُزْشَ گناهان ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾** «گناهانتان را می‌بخشد.» این مهمترین هدفی است که مؤمنین برای تحقق آن تلاش می‌نمایند. می‌دانیم که همه ما در حق خویشتن گناهان بسیاری را مرتکب شده‌ایم، و اگر ما از آنها غفلت ورزیده‌ایم، اما هیچگاه مجازات النهی آن گناهان را فراموش نمی‌کند و هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نمی‌گذارد. مگر اینکه آن را به شمار آورد. پس ناگزیریم راهی را انتخاب نماییم که در جهاد نوع دوم - همانگونه که اشاره شد - تجسم یابد. راهی که شایسته است انسان مؤمن خویشتن را سرباز خدا گرداند

و در این مسیر داوطلبانه و مخلصانه گام نهد.

۲- وارد شدن به بهشت ﴿وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>۱</sup> «شمارا در باغهایی از بهشت داخل می کند که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می دهد؛ و این پیروزی عظیم است.»

قرآن کریم بر این امر تأکید می نماید که انسان نمی تواند مفهوم بهشت را درک کند. ولی - بطور خلاصه - بهشت همان رستگاری عظیم است و تنها باغهای معمولی یا سقفهایی از نقره و یا خانه هایی از طلا نمی باشد. زیرا، همه آنها نمادهایی ساده هستند که ارزش ندارند و آنچه در اینجا مهم می باشد، همان رستگاری عظیم است که در رسیدن به رضوان الهی، برای انسان تحقق می یابد.

۳- پیروزی حتمی ﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾<sup>۲</sup> «و نعمت دیگری که آن را دوست دارید به شما می بخشد، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است.» این از مهمترین نتایجی است که انسان مؤمن تمام تلاش خود را برای تحقق آن به کار می بندد. تا آنجا که جهاد را آغاز می نماید و تصمیم می گیرد تا با دشمنان خدا وارد نبرد گردد.

## جهاد در همه شرایط

سپس سیاق قرآن سخن را ادامه می دهد تا بر صفت اخلاص مطلق

---

۱- سوره صف، آیه ۱۲.

(۲) سوره صف، آیه ۱۳.

برای خداوند متعال و یاری حق تأکید نماید. در این باره می‌فرماید:  
**﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ ﴾**<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!  
 یاوران خدا باشید.» قرآن می‌خواهد این موضوع را بیان نماید که، انسان  
 مؤمن باید چون رزمنده‌ای در لشکر حق، داوطلبی در جُند الله و  
 جان‌نثاری در راه خدا باشد؛ و در یک سخن انسانی باشد که هر آنچه را  
 با جهاد در پیوند است، جستجو نماید و از هر مظلوم یا حقّ غصب  
 شده و یا امت مستضعف دفاع کند.

### حواریون اسوه مؤمنان

در این راستا حواریون بهترین الگو برای مؤمنین می‌باشند.  
 حواریونی که خداوند در مورد ایشان می‌فرماید: **﴿ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ  
 مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ﴾**<sup>۲</sup>  
 «همانگونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: چه کسانی در راه خدا یاوران من  
 هستند؟! حواریون گفتند: ما یاوران خداییم.» پس حواریون - چنانکه از  
 این آیه به دست می‌آید - به مرحله پیشرفته‌ای گام نهادند. زیرا حضرت  
 عیسی علیه السلام آنان را امر نمود تا یاوران او در راه خدا باشند. ولی آنها گام را  
 فراتر نهادند و گفتند: ما یاوران خداییم. یعنی اینکه ما این راه - یآوری  
 عیسی بن مریم - را طی کرده‌ایم و آن را سپری نموده‌ایم تا آنجا که به  
 سرانجام آن دست یافته‌ایم. پس ما یاوران خداوند متعال گشته‌ایم.

۱ - سوره صف، آیه ۱۴.

۲ - سوره صف، آیه ۱۴.



به همین خاطر خداوند تبارک و تعالی در ابتدای آیه می فرماید: ﴿كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ﴾ «یاوران خدا باشید.»

قرآن کریم برای اینکه معنای (انصار الله) را بیان نماید، دوباره می فرماید: ﴿قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ﴾<sup>۱</sup> «حواریون گفتند: ما یاوران خداییم. دراین هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند؛ ما کسانی را که ایمان آورده بودند، در برابر دشمنانشان تأیید کردیم و سرانجام بر آنان پیروز شدند.»

اگر ما در کلمه ﴿ظَاهِرِينَ﴾ «پیروز شدند» تدبّر نماییم و آن را به عبارت ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ «تا دین اسلام را بر همه ادیان غالب سازد.» ارتباط دهیم، اینگونه نتیجه خواهیم گرفت که یاوران راستین خداوند همچون حواریونی هستند که پیرامون حضرت عیسی بن مریم علیه السلام گرد آمده بودند. آنها همان کسانی می باشند که خداوند متعال بواسطه ایشان دین اسلام را بر تمام ادیان این کره خاکی غالب می سازد. همچنین دراین آیه پاسخ این پرسش که - قبلاً مطرح شده است - چه ارتباطی میان ما و امام زمان وجود دارد؟ نهفته است.

### امام مهدی (عج) خورشید پنهان!

احادیث و روایات بیان می نمایند که امام زمان چون خورشیدی است که در پس ابرها پنهان می باشد و اشعه های خود را فرومی فرستد،

ولی انسان نمی تواند آن را ببیند و نمی داند که در کدام سوی این آسمان گسترده قرار دارد. در حالیکه این خورشید پنهان از مکانی ناشناخته خیر و برکت را به سوی زمین نازل می گرداند.

بنابراین امام مهدی (عج) در میان ما زندگی می کند و همانگونه که روایات در این باره اشاره می نمایند ، هنگامیکه ظهور می یابد ، همه احساس می کنند که او را در جاهای گوناگونی دیده اند. به همین خاطر انسان مؤمن باید همیشه و همه جا با ادب و مقید به احکام اسلامی باشد ، بویژه در مجالس دعا ، عزا و دانش اندوزی و نیز اماکن مقدسه ، زیرا ممکن است که امام زمان در میان حاضرین باشد.

مهمترین چیزی که انسان مؤمن در رابطه با پیوند خود با امام زمان (عج) آن را احساس می کند ، همان ادب و تهذیب نفس او می باشد. زیرا او می داند که امام زمان ، امام و شفاعت کننده گناهان وی و راهبر او به سوی بهشت در آخرت می باشد. همچنین می داند که کارنامه اعمال مؤمنین هر روز بر امام عرضه می گردد. پس اگر امام ببیند که انسانی از شیعیانش بطور مداوم به یاد خداوند متعال می باشد و به نیکی رفتار می کند و برای کارهای خیر تلاش می نماید ، هر آینه خوشنود می گردد و شادی تمام وجودش را فرامی گیرد و سپس برای او دعا می نماید ، ولی اگر کارنامه اعمال کسی سیاه باشد ، غمگین و دلشکسته می گردد.

### جهات پیوند ما با امام مهدی (عج)

بنابراین ، پیوند ما با امام زمان (عج) چند جهت دارد:

۱- اینکه انسان مؤمن نفس خویش را تهذیب نماید و برای اعمال

گفتار دوم - در انتظار امام مهدی (عج) ..... ۹۵

و کردار خویش اهمیت قائل گردد. این امر به ویژه در مورد علما ، خطیبان و مجاهدین که خویشتن را در راه اسلام وقف نموده‌اند ، صدق می‌نماید. زیرا ارتباط ایشان با امام محکمتر از دیگران است و امکان دارد در زمان ظهور - اگر خدا بخواهد - از افسران لشکر امام گردند. پس ایشان باید نفس خویش را در بهترین صورت زیر نظر داشته باشند.

۲ - باید مؤمن در انتظار باشد که مفهوم آماده باش را دارد. یعنی اینکه سپاه ( امام ) باید در بالاترین سطوح آماده باش قرار داشته باشد. یا به عبارتی دیگر ، اسلحه ، مهمات ، صف‌آرایی و تشکیلات سپاه مؤمنین در سطح چالش و آغاز به فعالیت نمودن در هر لحظه باشد و این همان مفهوم انتظار می‌باشد.

شاید سپاهی که در حال آماده باش بالایی قرار داده شده است ، دوستدار رویارویی دشمنانش نباشد و فرد فرد سربازان از آمدن دشمنان احساس ترس نمایند. در حالیکه مؤمنین که در بالاترین سطح آماده باش هستند ، برای ملاقات امام لحظه شماری می‌کنند و هر روز که سپری می‌گردد از خداوند متعال این درخواست را می‌نمایند که امروز ، همان روز موعود باشد.

بنابراین ایشان در هر لحظه برای طی نمودن مسیر آماده می‌باشند. بطوریکه در تاریخ نقل شده است که علما - در زمانهایی که سلاح جنگ شمشیر و نیزه بوده - شمشیرهایی را آماده می‌ساختند و در هر جمعه دور از چشم حکمرانان تمرین می‌نمودند تا همیشه برای ظهور امام آمادگی داشته باشند.

این مفهوم راستین انتظار است و انتظار هرگز به معنای فروبستگی نمی‌باشد. همچنین انتظار این نیست که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا امام مهدی ظهور کند، سپس رزمیدن را بیاموزیم و صف‌آرایی نماییم؛ زیرا این تصوّر نادرستی است که شرع و عقل آن را نمی‌پسندند. در این باره خداوند متعال در ابتدای سوره صف - که به چندین آیه آن پرداخته‌ایم - می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوضٌ﴾<sup>۱</sup> «خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گویی بنایی آهنین اند.»

بر این اساس شایسته است که از هم اکنون برای ظهور امام آمادگی بیابیم. به همین خاطر بر هر انسان مؤمنی واجب است که هر روز از رهگذر ادعیه و زیارت‌های روایت شده از معصومین، پیمان خویش را با امام تجدید نماید.

۳- اطاعت از هر فردی که امام ما را به اطاعت کردن از وی امر نموده است. چنانکه در میدان نبرد یک سرباز انتظار ندارد که بالاترین فرمانده نظامی نزد وی بیاید و او را از دستورات و نحوه عملیات آگاه سازد؛ بلکه می‌داند که دستورات را از طریق رده‌های گوناگون فرماندهی دریافت خواهد نمود. همچنین ما که در روزهای انتظار به سر می‌بریم باید از افرادی همچون فقهای عادل که نمایندگان امام می‌باشند، اطاعت نماییم؛ زیرا خداوند متعال و امام ما را به اطاعت از ایشان امر نموده‌اند.

---

۱- سوره صف، آیه ۴.

## چگونه از منتظران امام مهدی (عج) باشیم؟

سنت‌های الهی همانگونه که برای گذشتگان برپا گشته‌اند، برای آیندگان نیز جریان می‌یابند؛ زیرا سنت‌هایی واحد می‌باشند که تغییرناپذیرند. با توجه به وقایعی که در تاریخ بشریت دیده می‌شود، شواهدی وجود دارند که از آینده بشریت خبر می‌دهند. آینده‌ای که در آن سنت‌های الهی به صورت کامل و شامل تجلی می‌یابند. زیرا آینده هدفی است برای آفرینش انسان!

### مهدی آخرین وصی

همانگونه که حضرت محمد، خاتم الانبیاء و آخرین فرستاده خدا، پیامبری بود که رسالت‌های الهی با وجود او پایان یافت، در وجود آخرین وصی نیز اهداف رسالت‌های الهی پایان می‌پذیرد. زیرا خداوند متعال هستی را براساس سنت تکامل و ترقی آفریده است. به پیامبران پیش از رسول اکرم، تعداد اندکی از افراد ایمان آورده بودند و همچنین آن پیامبران به پیروزیهای اندکی در زندگی خویش دست یافته بودند.

اما در مقایسه با ایشان خداوند متعال آخرین رسالتش را به دست رسول بزرگوارمان حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروز گردانید ، و او را یاری نمود .  
 اگر پیروزی خداوند که به دست پیامبر اکرم تجلی یافت . بزرگترین فتح و پیروزی می باشد ؛ پس رسالت خداوند در بهترین شکل و نیکوترین معنا و راستین ترین حقایق به دست آخرین وصی ، سرور و سالارمان امام مهدی (عج) تجلی خواهد یافت . این اراده خداوند متعال است که سفر دشوار بشریت با پیروزی پایان یابد . زیرا خلق ، آفریده او ؛ ملک ، ملک او و زمین در دست اوست . همچنین خداوند این جهان را آفریده تا در آن به بندگانش مهربانی بورزد .

### ظهور اقتضای رحمت الهی

چون آفریدگار بلند مرتبه ، مهربانترین مهربانان است ؛ پس باید تاریکی پایان یابد و شب به روز روشن تبدیل گردد و کشتی بشریت بر ساحل صلح و امنیت و رحمت لنگر بیاندازد . زیرا خداوند متعال خلق را آفریده تا رحمت خویش را شامل حال او گرداند و غیر ممکن است کسی که پروردگار جهانیان و نامهای نیک او را می شناسد ، اعتقاد داشته باشد که هدف خداوند از آفرینش هستی ، تنها این جهان و هر آنچه در آن است ، می باشد . پس ، از خدا به دور است که بشریت را خلق نماید تا بازیچه طاغوتیان گردد و در زیر فشار و ظلم ستمکاران دست و پا بزند و نیز در زیر ابر سیاه فقر ، بیماری و جنگهای نابود کننده بماند .  
 اگر فرض کنیم که خداوند بشریت را به همین صورتی که هست

ترک نموده است ، بنابراین حکمت از بعثت پیامبران چه بوده است ، و اگر خداوند متعال می خواهد سرانجام بشریت به همین حالت که هست پایان پذیرد ، پس چه حکمتی در کتابهای مقدس و رسالتها نهفته است ؟

بنابراین باید خداوند متعال حکمتی داشته باشد که ظهور آخرین وصی را به تأخیر انداخته است . زیرا در این ظهور هدف و نهایت و اوج پیشرفت بشری پنهان می باشد .

### ظهور ، همان خوشبختی راستین

اگر می بینیم که بشریت از عذاب رنج می برد و در تفرقه و چندگانگی زندگی می نماید ، باید بدانیم که پس از این عذاب رحمتی می آید و آن چندگانگی سرآغازی می گردد برای وحدت . امروزه جامعه بشری در مسیر تکنولوژی گامهای فراوانی برداشته است . شاید برخی می اندیشند که خوشبختی به واسطه این تکنولوژی پیشرفته در همه زمینه ها حاصل می گردد . در حالیکه خوشبختی در آن نمی باشد . زیرا بشریت در زمینه های اهداف ، آرزوها ، اخلاق و ارزشها به وحی نیازمند می باشد و هرگز انسانها نمی توانند بدون بهره گرفتن از وحی به تنهایی حرکتی نمایند . پس باید رسالتهای الهی برای نجات بشریت از این رنجها فرود آید .

امروزه انسان تکنولوژی پیشرفته ای را که بدان دست یافته برای کشتن کودکان ، قتل زنان و نابودی شهرها به کار می گیرد . همچنین از

۱۰۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

طرفی دیگر توانسته در زمینه‌های دیگری چون اقتصاد و کشاورزی پیشرفت نماید و به نتیجه‌های شگفت‌آوری دست یابد. به طوریکه امروزه می‌تواند در یک هکتار، ده‌ها بار بیشتر از گذشته کشت نماید و محصولات را در انبارهای بزرگ گندم و ذرت آمریکا انباشته سازد! حال اینکه می‌بینیم ۸۰ میلیون انسان از گرسنگی رنج می‌برند و سالانه ده‌ها میلیون کودک به علت سوء تغذیه و بدی شرایط بهداشتی جان خود را از دست می‌دهند.

در مقابل آن، می‌بینیم دولتهای غربی بیش از ۵۰ میلیون دلار برای سوزاندن و نابودی محصولات کشاورزی که بیش از نیازشان می‌باشد، هزینه می‌نمایند! و علت همه این قضایا آن است که انسان راه دگرگونی طبیعت را می‌داند ولی هدف را نمی‌شناسد. همچنین نمی‌داند چگونه باید چون یک انسان زندگی نماید و با دیگران همدردی کند.

### چرا بشریت به این حالت رسید؟

حال چرا همه این امور اتفاق می‌افتند؟

زیرا این جهان ارزشها را نمی‌شناسد و از بیماریها رنج می‌برد و همچون شخصی است که اعضاء بدنش سالم هستند ولی از عقل بی‌بهره می‌باشد. در این زمان انسان بدون آنکه هدفش را بشناسد، حرکت می‌نماید.

در این باره از امام سجّاد روایت شده است که: «وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ



گفتار دوم - در انتظار امام مهدی (عج) ..... ۱۰۱

أَكْمَلُ مَا فِيهِ كَانَ هَلَاكُهُ مِنْ أَيْسَرِ مَا فِيهِ<sup>۱</sup> «کسی که عقل او کاملترین چیزی در او نباشد ، هلاکت او آسانترین سرنوشت اوست .»

این حال و روز بشریت کنونی است و آیا خداوند متعال آن را خلق کرده تا به این صورت زندگی نماید ؟

براین اساس انسان هر آنچه را که می خواهد ، نمی تواند از این تکنولوژی و آن پیشرفت صنعتی بدست آورد . زیرا او زندگی همراه با آسایش و خوشبختی را می خواهد . حال اینکه امروزه این خوشبختی با اسلحه های کشتار جمعی تهدید می گردد ، تا آنجا که به محض فشار دادن یک کلید - توسط یک انسان ! - هواپیماها و موشکهای حامل کلاهکهای هسته ای همه جهان را نابود می سازند .

### چاره جویی در مذهب اهل بیت علیهم السلام

حال آیا انسان از ارزشهای مناسبی برخوردار است تا این تکنولوژی کشنده را محدود سازد ؟

پیشرفت صنعتی این حقیقت را به انسان نخواهد بخشید ، پس آن رهایی دهنده و منجی کجاست ؟

خداوند متعال هستی را آفرید تا رحمتش آنرا فراگیرد . پس این رحمت در کجا تجلی خواهد یافت ؟ اگر در همه ادیان این کره خاکی جستجو نماییم می یابیم که ، همه آنها نوید روز رهایی و برپایی

---

۱ - بحار الانوار ، ج ۱ ، ص ۹۴ ، ح ۲۶ .

۱۰۲ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

حکومت خدا بر زمین را می دهند. البته نه به آشکاری و روشنی که در دین اسلام به ویژه مذهب شیعه می بینیم. امتیازی که مذهب شیعه نسبت به دیگر مذاهب دارد این است که انسان را به سوی افقی روشن سوق می دهد و ایمان به این حقیقت را که خداوند، زمین را پس از آکنده شدن آن از ظلم و ستم، آکنده از عدل، داد، صلح و امنیت می نماید، در دل انسان پایه گذاری می نماید.

خداوند تبارک و تعالی انسانی را در پس پرده غیب پنهان نموده که در هر لحظه ممکن است ظهور یابد و زمین را آکنده از خیر و برکت نماید و عقل آدمی را کامل کند. آنگاه خوشبختی تحقق می یابد و انسانها کامل می گردند. انسانهایی که به دیگران تجاوز نمی کنند و هیچ کینه ای را در دل راه نمی دهند. چون همین کینه و سوء ظن و اخلاق ناپسندیده تفرقه را در میان ما ایجاد می کنند و نمی گذارند که در صلح و آرامش زندگی نماییم و تنها صلح بیرونی مورد نظر نیست؛ بلکه باید صلح در دل انسانها باشد، زیرا نفس انسان جایگاه خوشبختی و آرامش است و اگر فضای جامعه ای محبت آمیز نباشد، هرگز نمی تواند به خوشبختی دست یازد.

## مفهوم راستین انتظار

انتظار دارای سه معنای تدریجی است که عبارتند از:

۱- فرج و گشایش همچون نقطه روشنی است که انسان با انتظار به سوی آن حرکت می کند. پس حرکت او باید به سوی نقطه معین باشد.

گفتار دوم - در انتظار امام مهدی (عج) ..... ۱۰۳

یعنی به سوی آن هدفی که خداوند متعال آن را ترسیم کرده است. انتظار فرج که روشنی بخش دلها با نور امید می باشد، این هدف را مشخص می نماید. پس انسانی که با امیدواری زندگی می کند، ایمان دارد که سرانجام از آن پرهیزکاران است و خداوند متعال قدرت را به نیکان می دهد و طاغوت های سرکش به دست ایشان سرنگون می گردند. این اندیشه سبب می گردد تا دل انسان مؤمن حتی در تاریکترین شرایط در آرامش و امیدواری به سربرد، زیرا ناامیدی خطرناکترین مشکلی است که انسان با آن روبرو می باشد و اگر ناامیدی در دل انسان راه یابد، زندگی خویش را از دست می دهد و به مرگ زودرس دچار خواهد شد. در حقیقت انتظار فرج مشکل یأس و ناامیدی را درمان می نماید و دلیل این امر آن است که شیعیان از گذشته تا به امروز بیشترین مردمانی بوده اند که با ستم و سرکشی مخالفت نموده اند. سرزمینهایی که بیشتر مسلمانان آنها شیعه هستند و در دلهایشان نور انتظار فرج و ملاقات امام مهدی (عج) می تابد، می بینیم که بیش از دیگران با ستم مخالفت می ورزند و با فساد به مبارزه برمی خیزند و در این راه جانهای خود را فدا می سازند. به عنوان نمونه هنگامیکه صهیونیستها جنوب لبنان را اشغال کردند، مسلمانان شیعه در لبنان به مقاومت پرداختند. شعار همیشگی ایشان در هنگام مقاومت «یا حجّة بن الحسن، یا مهدی» بود. زیرا رژیم صهیونیستی آمده بود تا در لبنان بماند و این به معنای تجاوز به ناموسها، دگرگونی دین و اشاعه فساد بود. پس شیعیان حقیقت را دریافتند. به همین خاطر به امام مهدی (عج) روی

آوردند و اسلحه‌ها را به سوی متجاوزان نشانه گرفتند تا هنگامیکه به بزرگترین پیروزی خویش دست یافتند.

همچنین مانند این مقاومت را در نزد شیعیان عراق می‌بینیم که در روزهای استعمار انگلیس و بیش از آن و تا به امروز، با ظلم و ستم به مقاومت برخاستند. در این جا مطلبی را به یاد می‌آورم که خبرنگاری فرانسوی از من پرسشی نمود و گفت: «همانا شیعه در عراق بیش از کردها صدمه دیده‌اند و زیانهای فراوانی را متحمل گشته‌اند؛ پس چرا همچون دیگران مذاکره با رژیم بعث را نپذیرفتند؟» به او گفتم: «زیرا، در دل شیعه امیدی به نام انتظار فرج وجود دارد.»

در حقیقت علتی که ما را وامی‌دارد تا همیشه در ستیز با دشمنان باشیم، ایمان به اندیشه انتظار است. از نمونه‌های این حقیقت آن است که انقلاب ۱۹۲۰م بر ضد استعمار انگلیس در عراق در شب نیمه شعبان آغاز گردید، همانگونه که آخرین انتفاضه مردم عراق علیه حکومت صدام، در این شب مبارک به وقوع پیوست. زیرا این شب، شب نوراست و ما را یادآور می‌سازد که ما تنها نیستیم و امام و رهبری داریم که به ما می‌نگرد و تنها امری که ما را به سوی جلو پیش می‌برد، همین اندیشه است. اگر شیعیان ارزش انتظار فرج را به درستی می‌شناختند و آن را کاملاً درک می‌نمودند، هیچگاه شیعه مظلومی بر روی زمین نمی‌ماند. زیرا، شیعیان در این صورت، ظلم و ستم را نمی‌پذیرند و خداوند متعال آنها را پیروز خواهد نمود.

۲- در مفهوم دوّم انتظار فرج، اینکه در زمان انتظار فرج همیشه

گفتار دوم - در انتظار امام مهدی (عج) ..... ۱۰۵

توجه ما به سوی رهبری ، مرکز فرماندهی و ولایت الهی می باشد .  
و در این امر ، امام مهدی (عج) را سنجه خود قرار می دهیم . این امر در  
رهبری معنوی ما یعنی « مرجعیت » بازتاب می یابد ، و اینکه چرا  
رهبری مذهبی نزد شیعیان باید از میان پارسا ترین ، پرهیزکار ترین ،  
دانشمندترین و نزدیکترین افراد به ارزشهای الهی انتخاب شود .

هنگامیکی نگاهی به رهبران شیعه در دوران معاصر می اندازیم ،  
اشخاصی را چون : علامه انصاری ، میرزا حسن شیرازی ، شیخ کاظم  
آخوند ، سید طباطبایی (مؤلف عروة الوثقی) و مرحوم آیه الله سید  
ابوالحسن اصفهانی و همچنین آقای خوئی و آقای گلپایگانی (رضی الله  
عنهم اجمعین) می یابیم .

حال چگونه شیعیان این نمونه ها را یافته اند و چگونه این نمونه ها  
رشد پیدا نمودند و به قلّه های روشنی که در جهان بی نظیر هستند ،  
تبدیل شدند ؟

برای پاسخ به این پرسشها باید چنین گفت که آنها روبه سوی قلّه  
والاتری دارند . آن قلّه ، امام مهدی (عج) می باشد . این قلّه بلند و تکامل  
یافته را انتظار فرج می نامیم ، چون انتظار فرج ما را وامی دارد که همیشه  
به سوی قلّه های روشن حرکت کنیم و به سمت افقهای دور دست  
پرواز نماییم .

۳ - مفهوم عمیقتر انتظار فرج آن است که هر یک از ما همانگونه که  
امام مهدی (عج) دوست می دارد ، زندگی کنیم . پس هر یک از ما تلاش  
می کند الگویی را برای خود بیابد - این اصلترین صفات نزد بشر

است - تا نفس خویش را به نمونه کوچکی از آن الگوی والاتر ، دگرگون سازد . هنگامیکه درک می‌نماییم که امام زمان (عج) از جانب آسمانها تأیید شده و ارزشهای والا در او تجسم یافته‌اند ، بنابراین انتظار خروج او را خواهیم کشید و به عبارت دیگر خود را آن گونه که مورد خشنودی اوست ، بسازیم و به استقبال وی برویم .

در این زمینه ائمه اطهار تأکید می‌نمایند که کارنامه اعمالمان هر روز بر امام زمان (عج) عرضه می‌گردد ، و ما در همه حالات کوچک و بزرگ در دنیا ، و در لحظات جان دادن و زمان خاکسپاری نیازمند او هستیم ، و اولین پرسشی که در قبر از ما می‌شود ، درباره امام ما می‌باشد .

بنابراین ما باید با توجه به این مطلب که کارنامه اعمالمان هر روز بر امام عرضه می‌گردد ، بیش از پیش به تهذیب نفس خویش بپردازیم و این همان مفهوم راستین و حقیقی انتظار فرج می‌باشد . پس در اینجا انتظار فرج به این معنا می‌باشد که با اعمال نیکو و پسندیده و نیز تهذیب نفس و تزکیه آن و همچنین رشد دادن ارزشهای نیکو در نفس خویشتن ، به استقبال امام مهدی (عج) برویم .

### چگونه امام زمان (عج) را خشنود سازیم ؟

بنابر این بیاییم و برای پیشرفت و اصلاح زندگی خویش برنامه‌ریزی می‌کنیم . زیرا اگر کسی دو روزش باهم مساوی باشند ، هر آینه زیانکار است . پس باید برای کشف کاستیهای وجودمان ، تلاش نماییم . خداوند متعال بر ما منت نهاد که در خانه‌های مؤمن زندگی کنیم

گفتار دوم - در انتظار امام مهدی (عج) ..... ۱۰۷

و به نماز گذاردن ، روزه داری و حضور در مجالس مذهبی عادت نماییم و این نعمتی است بس بزرگ . اما آیا این مقدار کافی است یا اینکه سطوح دیگری برای تکامل وجود دارند که می توانیم از خلال آنها پیشرفت نماییم ؟

شایسته است که نقاط ضعف شخصیتی خود را مشخص کنیم و برای درمان آن کوشش نماییم . از جمله نقاط ضعفی که از آن رنج می بریم ، سوء ظن می باشد . این نقطه ضعف از بدترین ضعفهایی است که مؤمنین به آن مبتلا می گردند و به خاطر آن ، فتنه در میان ایشان درمی گیرد . هر یک از ما فکر می کند که خود ، از اهل بهشت است و دیگران از اهل دوزخ ! پس بیاییم و از هم اکنون به اصلاح نفس خویش پردازیم و این خصلت ناپسندیده را از میان برداریم . خصلتی که خداوند متعال ما را از آن نهی کرده و در این باره می فرماید : ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ﴾<sup>۱</sup> « ای کسانی که ایمان آورده اید ! از بسیاری از گمانها پرهیزید ، چرا که بعضی از گمانها گناه است . » در این آیه مؤمنین مورد خطاب قرار می گیرند . سپس خداوند متعال در ادامه می فرماید : ﴿ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا ﴾<sup>۲</sup> « و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید ؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند ، ... » متأسفانه این صفات منفی در نفس ما لانه کرده است . پس بر ما واجب است که برای ریشه کن کردن آن تلاش کنیم . بنابراین بیاییم و همچون مؤمنین درستکار زندگی کنیم تا از منتظران راستین امام خویش باشیم .

## در پیشواز امام مهدی (عج)

هنگامیکه جهاد ، در راه خداوند متعال باشد ، در این صورت انسان تفاوتی بین امتی و امتی دیگر ، ملتی و ملتی دیگر و جامعه‌ای و جامعه‌ای دیگر قائل نمی‌گردد. خداوند متعال این بینش و بصیرت قرآنی را در آیات ۷۵ تا ۷۷ سوره نساء آشکار ساخته است:

﴿ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا \* الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا \* أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴾<sup>۱</sup>



« چرا در راه خدا ، و در راه مردان و زنانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند . پیکار نمی‌کنید ؟ ! همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند : پروردگارا ! ما را از این شهر ، که اهلش ستم‌گرند ، بیرون ببر ؛ و از طرف خود ، برای ما سرپرستی قرار ده ؛ و از جانب خود ، یار و یابوری برای ما تعیین فرما \* کسانی که ایمان دارند ، در راه خدا پیکار می‌کنند ؛ و آنها که کافرند ، در راه طاغوت . پس شما با یاران شیطان ، پیکار کنید ؛ و از آنها نهراسید ؛ زیرا که نقشه شیطان ، همانند قدرتش ضعیف است \* آیا ندیدی کسانی را که به آنها گفته شد : فعلا دست از جهاد بردارید ؛ و نماز را برپا کنید ، و زکات پردازید ؛ اما آنها از این دستور ناراحت بودند ، ولی هنگامیکه فرمان جهاد به آنها داده شد ، جمعی از آنان ، از مردم می‌ترسیدند ، همانگونه که از خدا می‌ترسند ، بلکه بیشتر . و گفتند : پروردگارا ! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی ؟ ! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی ؟ ! به آنها بگو : سرمایه زندگی دنیا ، ناچیز است ؛ و سرای آخرت ، برای کسی که پرهیزگار باشد ، بهتر است . و به اندازه رشته شکاف خرمایی ، به شما ستم نخواهد شد . »

ما در این آیات که بطور خلاصه ، ابعاد و نشانه‌های جامعه اسلامی با فضیلت را مشخص می‌سازند ، دو آیه پی‌درپی می‌یابیم که پیرامون ضرورت پیروزی مستضعفین در هر کجا که باشند ، با ما سخن می‌گویند و بیان می‌نمایند که مؤمنین در راه خدا نبرد می‌کنند . بنابراین سبیل الله (راه خدا) که آیه دوم به آن اشاره می‌کند چیزی نیست جز دفاع از حق مستضعفین که آیه اول به آن اشاره می‌نماید .

هنگامیکه دفاع از مستضعفین ، راه خدا به شمار می‌آید این معنا را آشکار می‌سازد که این دفاع به جامعه خاص یا گروهی جدای از دیگری محدود نمی‌شود ، پس وقتی که انسان از ملت خویش دفاع می‌کند ،

۱۱۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

ممکن است این دفاع در راه خدا باشد (اگر دفاع از مستضعفین بر آن صدق می‌کند) یا در راه طاغوت. مانند این که در راه نژادپرستی و خودخواهی و استکبار باشد.

به عنوان مثال جامعه نازی در آلمان بیش از ده میلیون نفر در راه رؤیاهای نژادپرستانه و توسعه طلبانه خود قربانی کرده است. یا جامعه صهیونیستی که جامعه‌ای است جنگی. در آن بودجه جنگ بیش از هر بودجه دیگری می‌باشد. در این جامعه هر انسانی رزمنده‌ای در راه جامعه‌اش می‌باشد؛ اما آیا این نبرد، در راه خداست یا در راه طاغوت؟!!

### آیا هر جنگی، جهاد می‌باشد؟

صرف جنگیدن و نبرد کردن به معنای انجام یک عمل قانونی و مشروع نیست. همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ﴾<sup>۱</sup> «کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت.» طبق آیه، هر دو گروه نبرد می‌کنند و در این راه قربانی می‌دهند. ولی یکی در راه خدا می‌جنگد و دیگری در راه طاغوت. حال اینکه چگونه می‌توانیم نبرد حق را از نبرد باطل تشخیص دهیم؟

پاسخ: هدف همان وسیله تشخیص می‌باشد. اگر هدف تنها به

---

۱- سوره نساء، آیه ۷۶.

گروه ، ملت ، امت یا سرزمین معینی بازگردد ، این مفهوم را می‌رساند که ممکن است نبرد در راه طاغوت باشد .

اما اگر انسان از مستضعفین - هر که باشند و هر کجا - دفاع نماید ، قضیه تفاوت می‌یابد . پس این انسان به خاطر خدا و در راه او پیکار می‌نماید .

در این راستا باید بگوییم که امام زمان (عج) بخاطر مستضعفین روی زمین ظهور می‌یابد و همچنین این امر را بیان نماییم که اگر بشریت به درجه دفاع از مستضعفین برسد ، یعنی توانسته است به قلّه بلند آگاهی و رشد فکری صعود کند .

زیرا هر انسانی - چه بخواهد و چه نخواهد - باید در ضمن چارچوبی مشخص چون سرزمین ، یا کشور و یا ... زندگی کند . به عنوان مثال ، شخصی از عراق و یا دیگری از افغانستان و فرد سوّمی از لبنان دفاع می‌کند و این البته از حق ایشان است که از سرزمینهای خود دفاع کنند .

لیکن در هنگام دفاع از سرزمین ، دوانگیزه انسان را به جلو می‌رانند ، یکی انگیزه ایمان و دیگری انگیزه وطن پرستی . ولی چه زمانی انگیزه انسان فقط یک انگیزه می‌باشد .

در پاسخ باید گفت : هنگامیکه به تو گفته شود که انسان مستضعفی در نیکاراگوا ، یا نامیبیا ، یا فیلیپین و یا سرزمین دیگری از سرزمینهای این زمین گسترده ، امروز دچار مصیبتها و محرومیت‌هایی گشته است و توبه یاری آنها شتافتی ، در این صورت جهاد تو در راه خداوند متعال خواهد بود .

اما ، اگر برای پیکار در راه سرزمین ، یا ملت ، یا امت و یا در راه مسأله‌ای و نادیده گرفتن مسأله‌ای دیگر ، در حالیکه هر دو مسأله در ملاک واحدی و معیار واحدی مشترک باشند ، همانا پیکار تو خالص برای خداوند متعال نخواهد بود .

قرآن به صراحت می‌فرماید: ﴿ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنَ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنَ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴾<sup>۱</sup>

« چرا در راه خدا ، و در راه مردان و زنانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند ، پیکار نمی‌کنید ؟ ! همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند : پروردگارا ! ما را از این شهر ، که اهلش ستم‌گرند ، بیرون ببر ؛ و از طرف خود ، برای ما سرپرستی قرار ده ؛ و از جانب خود ، یار و یابوری برای ما تعیین فرما . »

این بدین معنا می‌باشد که این مستضعفین با هر وابستگی که دارند ، خواه رنگین پوست باشند یا سفیدپوست ، خواه نیازمند باشند یا ثروتمند و خواه مؤمنین مخلص باشند یا غیر از آن ، مستحق دفاع هستند . زیرا آنچه که در این زمینه مهم است ، این می‌باشد که آنها مستضعف هستند .

اگر این حقیقت درست باشد ، به این موضوع اشاره می‌نماید که گروهی از مردم زمینه را برای ظهور امام آماده می‌سازند ، و اگر این مطلب نیز حقیقتی راستین باشد به این مفهوم است که هنگامیکه

گفتار دوم - در انتظار امام مهدی (عج) ..... ۱۱۳

کشمکش میان دو اردوگاه حق و باطل به اوج خود برسد ، خداوند متعال اذن ظهور را به ولی خویش خواهد داد. منظور ما از رسیدن کشمکش به اوج خود ، این است که به یک کشمکش بین المللی و جهانی تبدیل شود ؛ و این نشانه آن است که ما با گامهای تند به روز موعود نزدیک می شویم. ان شاء الله !

علت آن این می باشد که کشمکشها در گذشته محدود و منطقه ای بودند. ولی امروزه همه جهان را در بر می گیرند. زیرا می بینیم که در این جنگها ، از یک طرف آمریکا ، فرانسه ، انگلیس ، روسیه و علاوه بر آن قدرتهای تحت حمایت آنها قرار دارند و در سویی دیگر مسلمانان ایرانی ، عراقی ، افغانی و سایر مسلمانان جهان در یک اردوگاه بر علیه اردوگاه جاهلیت ایستاده اند. این بدین معناست که حق و باطل به دو اردوگاه جهانی که میان مرزهای منطقه ای و نژادی و مانند آن محدود نمی باشند ، تبدیل شده اند.

### اوج کشمکش میان ایمان و جاهلیت

انسان مؤمن در راه خدا پیکار می نماید. پیکاری که از سوی مؤمنین صورت می گیرد در راه خدا و فی سبیل الله است و به دیگر اعتبارات اهمیت نمی دهد.

از سویی دیگر ، امروزه جاهلیت تمام توان خود را برای بقای طاغوت - هر که باشد - بسیج کرده است و این یکی از نشانه هایی است که جز قبل از ظهور امام مهدی (عج) تحقق نمی یابد. پس زمین از ظلم

و ستم آکنده شده ، و به حول و قوه الهی به دست ولی بزرگوارش ، امام مهدی (عج) ، آکنده از عدل و داد و صلح خواهد شد و این حقیقتی است ثابت که باید به وقوع بپیوندد .

بدین سان ، امروزه جنگ میان دو اردوگاه وسیع حقّ و باطل برپا گشته است . به دیگر سخن ، نبرد مؤمنین مجاهد در راه خدا و مستضعفین در مقابل کفار جنگجوی در راه طاغوت .

پس کسانی که ایمان آوردند ، در راه خداوند متعال پیکار می نمایند . یا به دیگر سخن ، به خاطر زمین ، یا هواهای نفس یا هر ارزش مادی دیگر نبرد نمی کنند ، بلکه برای برپایی ارزشها و دفاع از هر مستضعفی که وجود دارد ، پیکار می نمایند .

در مقابل آن ، اردوگاه جاهلیت در راه طاغوت می جنگد . بنابراین اکنون وارد مرحله ای تازه شده ایم . لذا اگر می خواهیم ظهور امام زمان (عج) را نزدیک سازیم ، باید برای رهایی بشریت از چنگ مصیبتها ، سختیها و جنگها تلاش نماییم و به سربازان و پیکارگران مخلص اردوگاه ولی امر ، بپیوندیم .

بر ما واجب است که از هم اکنون نامهای خود را در فهرست یاران و سربازان امام مهدی (عج) ثبت نماییم و آن به واسطه تغییر خویشتن و رهایی از خودخواهیها امکان پذیر است . همچنین خود را به انسانی دگرگون سازیم که در راه خداوند متعال عمل می کند و در هر سرزمین ، به خاطر خدا و هر انسان مستضعف ، پیکار می نماید .

همانا فاصله میان آنچه که هستیم و آنچه که می خواهیم به آن برسیم ،

بس گسترده و وسیع است. ما برای تحقق هدفهایمان به کار جدی مستمر، کوشش و پویایی، تزکیه نفس خویش و دور ساختن چارچوبهای تنگ و تاریک از خویشتن، نیازمندیم. همچنین برای اینکه نیتهای خود را در جهاد، خالص برای خداوند متعال گردانیم، نیاز به کوشش و جهد فراوان داریم. بنابراین از رهگذر این گامهای ضروری، خواهیم توانست زمینه را برای ظهور امام زمان (عج) آماده سازیم و از سربازان حضرتش گردیم.

# گفتار سوم

## ولایت و ایمان به غیب

- ◀ شالوده‌های ولایت الهی
- ◀ ولایت ، راه تحقق عدالت
- ◀ شباهتهای امام مهدی با حضرت موسی علیه السلام
- ◀ مفهوم ایمان به غیب چیست ؟
- ◀ نیاز ما به پیوند با غیب



## شالوده‌های ولایت الهی

﴿ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ \* وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ \* وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ \* فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ \* أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴾<sup>۱</sup>

« برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند ، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید : غیر از خدا ، مرا پرستش کنید . بلکه سزاوار مقام او ، این است که بگوید : مردمی الهی باشید ، آنگونه که کتاب خدا را می‌آموختید و درس می‌خواندید \* و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را ،

پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را ، پس از آنکه مسلمان شدید ، به کفر دعوت می کند ؟ ! \* و هنگامی را که خداوند ، از پیامبران پیمان مؤکد گرفت ، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم ، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند ، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید . سپس به آنها گفت : آیا به این موضوع ، اقرار دارید ؟ و بر آن ، پیمان مؤکد بستید ؟ گفتند : اقرار داریم . خداوند به آنها گفت : پس گواه باشید ؛ و من نیز با شما از گواهانم \* پس کسی که بعد از این ، روی گرداند فاسق است \* آیا آنها غیر از آیین خدا می طلبند ؟ ! و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند ، از روی اختیار یا از روی اجبار ، در برابر او تسلیمند ؛ و همه به سوی او باز گردانده می شوند .»

تردید و وجود ندارد که دین خدا (دین اسلام) همچون نعمتها و برکاتش که بر همه بندگان نازل می گردد ، دینی است شامل و عام و اینکه به شرایط زمانی یا مکانی خاصی وابسته نمی باشد . بنابراین به هیچ وجه دین خدا به نظام سیاسی حاکم ، حتی اگر غیر دینی باشد ، ارتباطی ندارد . پس بر انسان واجب است که آموزه های دین را در شرایط و اوضاع گوناگون و بر حسب توانایی و امکان ، به جای آورد . این حقیقت به معنای نیازمند بودن دین به نظام سیاسی نیست . بلکه عکس آن درست می باشد . چه اینکه بیشترین امری که دین به آن پرداخته ، نظام سیاسی است که خداوند آن را برای مردم تشریح نموده است . تکیه گاه و خاستگاه این نظام از ولایت الهی گرفته شده است . ولایتی که خداوند آن را نازل نموده و پیش از آنکه خلق را بیافریند آن را مشخص کرده است .

خداوند تبارک و تعالی در آغاز جانشینی - پدرمان حضرت آدم علیه السلام -

را در زمین قرار داد و سپس انسانها را آفرید. انسانهایی را که پیش از این ، در عالم ذر آفریده بود. سپس صد و بیست و چهار هزار پیامبر را فرستاد و ایشان را به واسطه اسباط و اوصیاء و امامان یاری رساند تا جانشینان و امامانی باشند تا به اذن خداوند از ایشان اطاعت شود. در این زمینه آیه‌ای وجود دارد که آشکارتر از آن را در بیان این مطلب نمی‌یابیم. خداوند می‌فرماید: ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ ﴾<sup>۱</sup> « ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به فرمان خدا ، از وی اطاعت شود. »

بنابراین خداوند هیچ فرستاده یا پیامبری را مبعوث نگردانید مگر اینکه آن پیامبر حامل یک طرح سیاسی برای جامعه انسانی باشد. پس مردم در این میان مختار هستند که آیا از رهبری برگزیده شده برای ایشان پیروی نمایند و به آن اقتدا ورزند یا خیر. زیرا خداوند دلیل رسا و قاطع را بر کسانی که از ایمان به این حقیقت روشن روی برگردانده بودند ، فرو فرستاد.

خداوند متعال رسالت‌های پیامبران را با رسالت پیامبر ما خاتم‌الانبیاء ، محمد مصطفی ختم نمود. همانگونه که وظیفه اوصیاء و ائمه را با وجود امام زمان ، مهدی موعود (عج) ختم نمود. امامی که او را برای مردم چون خورشیدی در نیمروز قرار داد ، اگرچه نور این خورشید با ابرهای تیره پوشیده شده است ، ولی به معنای نبودن خورشید نمی‌باشد. زیرا او به وظیفه خود ادامه خواهد داد و اشعه‌های

۱۲۲ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

خود را پراکنده خواهد ساخت. و هرکس به روی تابش خورشید پنجره‌های خانه خود را ببندد، هیچ‌کس را جز خویشتن در بهره جستن از آن محروم نمی‌سازد. امام زمان (عج) همچون قرآنی است که بینشها و بصیرتهای آن عقلها را روشن می‌سازد و روشها و آموزه‌هایش مشکلات و سختیها را درمان می‌نماید... اما بیشتر مردم از استفاده نمودن از آن امتناع می‌ورزند.

بر این اساس - پس از آنچه که گفته شد - آیا مردم دلیلی قاطع در برابر خدا دارند یا خداوند دلیلی رسا بر ایشان دارد؟

صد البته، خداوند دلیل قاطع و رسا بر مردم داشته و خواهد داشت. زیرا قرآن را نازل کرد. قرآنی که اگر بشریت به معانی و روشهایش تمسک جویند، با آب فراوان آن سیراب می‌گردند. همچنین حقیقت حجت خدا در زمین، امام مهدی (عج) می‌باشد. زیرا او همسنگ قرآن و بدون شک قرآن ناطق می‌باشد.

### محورهای نظام سیاسی در اسلام

در آغاز باید گفته شود که در بیان چارچوب نظام سیاسی اسلام، واژه‌ها و الفاظ بسیاری را می‌یابیم. به عنوان مثال، نظام سیاسی با نامهایی چون: ولایت فقیه، امامت، رهبری اسلامی و دینی و همچنین ولایت خدا و واژه‌های دیگری که در معنا تفاوتی ایجاد نمی‌نمایند، نامگذاری می‌شود.

همانا اولین محور این نظام، همان وجود پیوستگی میان ایمان به وجود رهبری الهی برای امت و بین ایمان به غیب امام

مهدی (عج) می باشد.

زیرا ، ایمان به وجود امام ارتباط مستقیمی با اصل دین ، فلسفه و حکمت آن دارد. یا به دیگر سخن ، اینکه ایمان به نظام سیاسی اسلامی ، ایمان به وجود امامی که بطور مستقیم بر قافله بشریت اشراف دارد را معنا می دهد. بنابراین وجود امام بسیار گسترده تر از آن است که آشکار یا پنهان از دیده ها باشد.

ما ایمان به نظام اسلامی و ایمان به وجود امام را یکسان تلقی نکردیم ؛ مگر آنگاه که آیات قرآن را ورق زدیم و در آنها فرموده خداوند متعال را یافتیم که می فرماید: ﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴾<sup>۱</sup> « من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند. » پس از این آیه چندین نکته را آموختیم که عبارتند از:

- ۱- وجود هستی و خلق بر اساس اطاعت نمودن پا برجاست.
- ۲- درجه های سطح پرستش بر اساس تفاوت درجه پرستش کنندگان متفاوت می باشد.
- ۳- وجود غیر پرستش کنندگان از جن و انس ، گامی عصیانگر در مسیر دگرگونی حکمت الهی در آفرینش به شمار می آید و به همین خاطر خداوند دلیل قاطع و رسا بر غیر پرستش کنندگان دارد.
- ۴- از آنجایی که درجه پرستش به طور مستمر تفاوت می یابد ، بنابراین راستین ترین عبادت کننده ها همانها هستند که به خدا نزدیکتر می باشند. پس عابدترین مردم سهم بزرگتری از حکمت الهی در

---

۱- سورة ذاریات ، آیه ۵۶.

آفرینش مخلوقات را از آن خود می‌سازد. همانا او - عابدترین - علتی بوده است برای اینکه خداوند خلق را به خاطرش بیافریند.

۵ - پیامبران و فرستادگان ، عابدترین مردم هستند ، و پیامبر اکرم و ائمه اطهار که پس از او آمدند ، پرستش کننده‌ترین پاکان از میان پرستش کنندگان خدا بودند. بنابراین پایه خلقت براساس وجود و منزلت پیامبر عظیم الشان و اهل بیت او علیهم الصلوة والسلام برپاگشت.

۶ - کسانی که در راستی امامت امام مهدی (عج) و وجود و غیبت او ستیزه جویی می‌نمایند ، از شناخت حکمت وجود و علت آفرینش هستی به دست خداوند متعال دور هستند به جز کسانی که حقایق دین را شناخته و به امامت اهل بیت و وجود امام غایب ایمان آورده و آن را تعبیر درستتری از مقوله وجود نظام سیاسی اسلامی و ولایت خدا دانسته‌اند.

بنابراین خاستگاه که به واسطه آیات قرآن و احادیث و روایات تأکید شده است ، این پرسش را مطرح می‌کنیم که آیا در خرد می‌گنجد که خداوند خلق را به خاطر مجموعه‌ای از اشخاص - پیامبر و اوصیاء پس از او - بیافریند و سپس زمین را از حجت‌های خود تهی سازد ؛ تا آنجا که دنیا بدون حکمت آفرینش آن باقی بماند. حکمتی که وجود پیامبر یا خلفای منصوص او را معنا می‌دهد !؟

صد البته ابداً امکان ندارد که این امور اتفاق بیفتند. ولی کسانی که در دل‌هایشان انحرافی است و پیرو هواهایشان هستند و خواهان فتنه‌ها و تأویلهای دروغین می‌باشند ، همانا خداوند آنها را با آگاهی گمراه

ساخته و مثل آنها را میان مردم همچون ثروتمندی قرار داده که از فقر و گرسنگی مرده است.

پس این مجازاتی است بس بزرگ که انسانی ایمان آورد و سپس کافر گردد. به همین خاطر خداوند بر دلش مهر می زند؛ آنگاه از کسانی می گردد که هیچ سخنی را درک نمی کند.

### سلسله مراتب نظام ولایت

انسان ذاتاً مدنی آفریده شده است به دیگر سخن، انسان خودبخود به سوی همگنان میل پیدا می کند. این میل بدون وجود نظام و حکومتی که این انسان مدنی را به سوی کسب مدارج ترقی و پیشرفت سوق دهد، سامان نمی یابد. از طرفی این نظام و آن حکومت نمی تواند وظیفه اش را به شکل مطلوب و خواسته شده انجام دهد؛ مگر آنکه رمز این حکومت انسانی باشد که از همگنان خویش شایسته تر باشد. انسان نمی تواند شایسته تر باشد مگر اینکه به پروردگارش بیش از همه نزدیکتر باشد. حال اینکه چگونه این انسان حکومت نماید، در حالیکه هنوز متولد نشده است؟!!

همه مسلمانان بر این موضوع که ۱۲ نفر جانشین برای رسول خدا وجود دارد، اتفاق نظر دارند؛ ولی در نامهای ایشان اختلاف نظر دارند. نظر شیعیان این است که ایشان علی بن ابیطالب، حسن، حسین و نه تن از ذریه حسین علیهم السلام می باشند. ولی رأی غیر شیعه این می باشد که، جانشینی رسول اکرم ویژه افرادی است که مردم با آنها بیعت کرده و آنها را انتخاب نموده اند. اما همه مسلمانان، بر اینکه

روزی از روزها مهدی موعود ظهور خواهد یافت و همانگونه که زمین از ظلم پر شده است ، آن را آکنده از عدل می نماید و نیز اینکه او از فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد ، اتفاق نظر دارند . ولی در مورد زمان ولادت او نیز باهم اختلاف دارند . زیرا شیعیان می گویند که امام متولد شده است ؛ ولی دیگر مسلمانان می گویند که هنوز تولد نیافته است .

بنابراین ما به استناد به روایات مؤکد که از پیامبر کرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده اند ، ایمان داریم که امام دوازدهم واقعاً متولد شده است و دوبار ناگزیر از غیبت جبری ، گردیده است . در زمان غیبت صغری ، چهار تن نماینده را نایب خود گردانید . سپس در زمان غیبت کبری این امر را به اندیشمندان دین ، اطاعت کنندگان پروردگارشان و مخالفان هواهایشان ، سپرده است ؛ تا به عنوان نمایندگان عام او ، مردم را در فتوی دادن به ایشان رهبری کنند و همچنین آنها را به سوی آنچه خدا برای ایشان نیک داشته و هر آنچه از آن نهی کرده است ، رهنمون سازند .

از این رو ، ناگزیر باید بر عدم امکان جدایی میان ولایت الهی و رهبری دینی تأکید شود . بدین سان که باید همه انسانها ، رهبری را جستجو کنند تا از او پیروی نمایند ؛ و این همان امری است که نظام مرجعیت نامیده می شود . زیرا هر انسان بالغ غیر مجتهدی تلاش می کند که در احکام از یکی از مراجع تقلید نماید و این امر به باور انسان باز می گردد .

شاید مسأله ای که سزاوار اهمیت فراوانی می باشد این است که هریک از مراجع عظام - در موج پیشرفت اجتماعی و مقتضیات زندگی



- برای مردم فتوی می دهند و ایشان را در سایه چتر ولایت الهی رهنمون می سازند و این امر در کتابها و تعبیرهای دقیق مراجع - به ویژه در باب «قضاء» که در آن ، به عنوان رهبر و مسؤول امور مردم ، وظایف امام را مشخص می سازند - برای خواننده فهیم آشکار می گردد.

### شوری و دموکراسی

اصل شوری در اسلام ، یکی از اصول ریشه دار در نظام دینی به شمار می آید. اگرچه در گذشته مراجع را به طور خود جوش ، انتخاب می کردیم ؛ ولی دوران کنونی ما را بر تغییر این روش به روش دیگری ، همچون استفاده از روش رأی گیری ، سوق می دهد. زیرا ، رهبری دینی با هر کسی که به دین وابسته می باشد ، ارتباطی مستقیم دارد. از این روی ، در درجه نخست برای انسان مؤمن بسیار اهمیت دارد که چه کسی او را رهبری می کند و چه کسی نمایندگی دین را به عنوان فقیه عادل و الگو ، بر عهده دارد.

این بدین معنا می باشد که پس از الهی شدن رهبری جامعه ، این جهت گیری سرانجام جامعه مسلمانان را به جامعه الهی دگرگون خواهد ساخت. نفس این واقعیت باید شامل نخبگان جامعه با آنچه که به آن جنبش اسلامی سیاسی اطلاق می شود ، گردد. تا آنجا که ناگزیر رهبریت عملی این جنبشها را مرجعی دینی به دست گیرد تا زمام امور را به سوی عدالت و مسیر نیکی هدایت کند ، تا از احتمال افتادن در اشتباهات و دست اندازهای سیاسی حرام ، دوری جوید.

اما دموکراسی - همانگونه که همه می دانند - مشروعیت خود را از آراء عمومی و انتخاب اکثریت به دست می آورد. بدون آنکه وجهه دینی و اخلاقی را در نظر بگیرد. علی رغم آن ما در هیچ کجای جهان نظام دموکراسی مطلق را جز نمونه های شکست خورده آن نمی یابیم.

اعتقاد دارم، آنچه را که در مورد ماهیت نظام سیاسی اسلامی به تفصیل گفته شد، بر هیچ انسان عاقلی پوشیده نیست. اما متأسفانه، هنگامیکه فرهنگها در هم می آمیزند و برخی در برابر شگفتی پیشرفت تمدنی و صنعتی کشورهای غربی به زانو در می آیند، حقیقت دین را آسان از دست می دهند. آنگاه پرچمهای ابهام و اشکال را در برابر شخصیت علماء و مراجع افراشته می سازند. با اینکه هیچگاه این علما و مراجع ادعای دارابودن مقام ائمه معصومین را نداشته اند.؛ من از کار برخی مردم که حاکمیت و ولایت فقیه را نمی پذیرند، در حیرتم؛ آیا آنان به جای ولایت فقیه خواستار ولایت منافقین می باشند؟ چه جانشین مناسبی را برای آن می دانند؟ اگر آنها خواستار نظام می باشند؟ اگر آنها خواستار نظام می باشند، بدانند که نظام را جز علما که حلال و حرام خدا را در نظر دارند، رهبری نمی کنند و این شرطی است که دیگر شرایط شخصیت رهبری را نیز در بر می گیرد.

همانا قرآن کریم اینگونه تأکید می نماید که: ﴿ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴾<sup>۱</sup>.

« برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند ، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید : غیر از خدا ، مرا پرستش کنید . بلکه سزاوار مقام او ، این است که بگوید : مردمی الهی باشید ، آنگونه که کتاب خدا را می‌آموختید و درس می‌خواندید . »

بنابراین حکمت رهبری در این است که رهبر ، مردم را به سوی خداپرستی دعوت نماید ، نه به سوی پرستش خویشتن . چه اینکه عبادت فقط مخصوص خداوند یکتا می‌باشد .

## ولایت ، راه تحقّق عدالت

قرآن کریم تنها کتابی است که به گواهی خارج از خود نیاز ندارد. اگرچه گواهیها و گواهیهای مؤمنین و مانند ایشان ، در مورد آن فراوان است ولی قرآن کتابی است که خود گواهی است بر خویشتن. گواه بر اینکه ساخته دست بشر و ابداع ایشان - هر چند انسانها به سطوح بالاتری از دانش ، فصاحت و بلاغت دست یافته‌اند - نمی‌باشد. در این ، جای شگفتی نیست ؛ مادام اینکه قرآن زبان آسمان است و رسالت آن برای زمینیان. و چون قرآن شامل آیات عظیم ، بصیرتهای روشن و حقایق مشهود می‌باشد ، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که قرآن ، کتاب خداوند متعال می‌باشد ؛ اگرچه برخی افراد راه لجاجت و پافشاری بر کفر و شرک را در پیش گرفته‌اند.

**قرآن ، شفایی است بر هر درد!**

کتاب خدا ، شفایی است بر هر درد و درمانی است بر هر مشکلی که مسیر انسانیت در راه حرکت به سوی هدفهای تکاملی در زندگی ، با آن

رو برو می‌گردد. روزی که انسانها این کتاب را بطور جدی در گفتار، کردار و روش خویش در نظر بگیرند؛ باید منتظر طلوع خورشید سعادت در افقهای زندگی خود باشند؛ تابانور و گرمای آن پیش بروند و نیز اطمینان یابند که از رستگاری و پیروزی الهی بهره خواهند جست. همچنین از ثمره‌های جهاد و عمل و علاوه بر آن، ثواب و اجر جمیل و خشنودی الهی بزرگتر در آخرت، بهره‌مند خواهند شد.

از حقایق قرآن آن است که ارزشها و اصول کلی را که انسان ناگزیر باید به سوی آنها حرکت کند، و نیز مقصودها و هدفهای شریف و بلند را که باید آدمی به آنها دست یابد تا از سایه گسترده آنها بهره جوید، برای انسان آشکار می‌سازد. همچنین قرآن در همان حال، راهکارهایی که باید انسان از آنها پیروی نماید و نیز شیوه‌هایی که باید بکار گیرد تا به آن هدفها، مقصودها و حقایق بزرگ دست یابد، بیان می‌نماید. بنابراین قرآن رهنمونی است برای رسیدن به آنها؛ یا به دیگر سخن - علاوه بر وظیفه اساسی مکتبی آن در حیات که بیان هدف تکاملی می‌باشد - قرآن تنها راه مستقیمی می‌باشد که به سوی آن هدف تکاملی رهبری می‌نماید.

این هدف تکاملی دارای چندین جانب می‌باشد که توسط ایمان مرزبندی می‌شوند. این جوانب پیرامون محور نزدیکی به خداوند متعال می‌گردند. از این جوانب می‌توان: تشکیل جامعه عزت و کرامت در سایه حکمفرمایی عدالت و چیرگی روح مساوات، بر پایه موازین و معیارهای واحد را نام برد.

## حقیقت عدالت

و بطور خلاصه عدالت به این معنا می باشد که هر حقداری ، بدون کم و زیاد به حق خویشتن برسد . مساوات و برابری در جامعه بر اصل عدالت مترتب است ، یعنی دیگر چنین نخواهد بود که گروهی از مردم در ناز و نعمت زندگی کنند ؛ ولی دیگران در ژرفای ذلت و فقر و محرومیت به سربرند . زیرا این از عدالت نمی باشد که ثروتها در دست مجموعه کوچکی از مردم جمع شود . ثروتهایی که به واسطه تسلط بر حقوق و ثروتهای دیگران ، بلکه و حتی چیرگی بر کرامتها ، ناموسها و شخصیتهای ایشان به دست آمده اند . همچنین از انصاف نیست که این گروه کوچک در کاخهای عظیم خود بنشینند و با روح شیطانی خود برای میلیونها انسان برنامه ریزی کنند ؛ سپس بانگ ظلم و دشمنی را برآورند که این انسانها بشر نمی باشند . زیرا به ایشان به چشم چهارپایانی می نگرند که فقط برای خدمت به آنها ، برای تقویت نیرو و کیان و نیز افزایش قدرت و سرکشی آنها ، آفریده شده اند .

اما ، خداوند متعال خلق را آفرید تا به ایشان رحمت فرستد نه عذاب . چنانکه می فرماید : ﴿ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴾<sup>۱</sup> « و ما هرگز مجازات نخواهیم کرد ، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم . » همانا پیامبر ، رحمتی است برای مردم و جهانیان . به همین خاطر انسان آفریده شد تا رحمت ببیند ، نه عذاب . در این مورد خداوند می فرماید :

﴿ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ \* إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ ﴾<sup>۱</sup> « ولی آنها همواره مختلفند \* مگر کسی را که پروردگارت رحم کند ؛ و برای همین آنها را آفرید . » بنابراین خداوند بلند مرتبه مهربانترین مهربانان است و نشانه‌های رحمتش در سرتاسر گیتی مشخص است .

### چرا بی‌نوایی و محرومیت ؟

اگر امر چنین است ، پس چرا بیشتر بشریت را می‌یابیم که در بی‌نوایی و محرومیت زندگی می‌کنند و از مصیبت‌ها و انواع ظلم و ستم رنج می‌برند ؟ چرا اکثریت منابع ثروت و دارائیهای هنگفت و عوامل قدرت و سلطه به دست معدودی از افراد افتاده است . در حالیکه قسمت اعظم بشریت رنج‌دیده در تاریکیهای نادانی و فقر و تیرگیهای انحراف و انحطاط به سر می‌برند و در زیر چرخهای ماشین پیشرفت تکنولوژی که فرمان آن در دست این اسرافکاران است ، له می‌شوند . اسرافکارانی که از فرط سیری و ناسپاسی هر راهی را برای تبذیر و اسراف پیموده‌اند ؟ !

چه بسیار نمونه‌هایی در این باره یافت می‌شوند که حقیقت اسراف و ناسپاسی را نشان می‌دهند . اگر صفحات مجله‌ها و روزنامه‌ها را ورق بزنیم ، در آن مطالبی می‌یابیم که از شدت شگفتی ، دچار سرگیجه می‌گردیم . به عنوان نمونه شخصی که با میلیون‌ها زندگی می‌نماید ، در هنگام نزدیکی به مرگ چنین وصیت می‌کند که همه ملک و اموالش به

گربه کوچکی که آن را پرورش می‌داده است برسد !!!  
 همانا ، این همان انحراف چند جانبه‌ای است که این اقلیت که زمام تمدن و تکنولوژی پیشرفته را در دست دارند ، دچار آن گشته‌اند . در رأس این انحرافات ، انحراف عقلی است که ناشی از احساس تنهایی کشنده می‌باشد ، تا آنجا که این اقلیت را به سوی احترام گذاردن به یک گربه تا درجه تقدیس می‌کشاند ؛ در حالیکه هیچ توجهی به پشت سر خود ندارند و گروه‌های بشری گرسنه را نمی‌بینند که به خاطر یافتن تکه‌های نان ، خطرهای فراوانی را متحمل می‌شوند ، اما آن را نیز بدست نمی‌آورند ؛ پس گروه گروه به مرگ می‌پیوندند ؛ گویا اینان هیچ حقی در زندگانی ندارند .

### آفریدگار ، خواهان عزت و کرامت برای انسانهاست

خداوند متعال انسان را آفرید و روشهای خود را برای زیستن از رهگذر رسالتهای آسمانی برای او آشکار ساخت . او هرگز نمی‌خواسته است که مسیر انسانیت آنچه که اکنون در آن از سیاهیها به سرمی‌برد ، پایان پذیرد . همچنین نمی‌خواسته است که انسان در گمراهیهای تنهایی گم شود یا در مرداب انحرافات دست و پا بزند ؛ و سپس از سختیها و مصیبتهای فراوان در زندگی خویش ، رنج ببرد . بلکه خداوند متعال هنگامیکه انسان را آفرید و به واسطه رسالتها او را به سوی راه راست هدایت نمود ، برای او کرامت و عزت را خواست . همچنین خواهان این بود که با عزت و کرامت زندگی کند و با عزت



و کرامت بمیرد ؛ به شرط آنکه امانتی را که بر سر آن پیمان بسته است ، تحمل نماید .

بنابراین کرامت انسان به امانتی که باید تحمل نماید ، باز می گردد . همانگونه که خداوند متعال در این مورد می فرماید : ﴿ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴾<sup>۱</sup> « و ما امانت (تعهد ، تکلیف و ولایت الهی) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم ، آنها از حمل آن سر بر تافتند و از آن هراسیدند ؛ اما انسان آن را بردوش کشید . » پس کسی که این امانت را ندارد ، از شرف ، کرامت و عزّت نیز بی بهره می باشد . به عبارت دیگر ، چیزی ندارد که او را مستحقّ زندگی کردن و ادامه حیات سازد .

خداوند متعال از انسان می خواهد که یک امانتدار باشد و اینکه گرانترین و نفیس ترین ها را برای ادای حق این امانت ، فدا کند ؛ حتّی اگر گاهی به بهای زندگی او تمام شود . همچنین از انسان می خواهد بر پای سخن و تعهد خود بایستد و به عهد و پیمان خود وفا کند ، تا جامعه ای برپا شود که با صفات امانت داری ، شرف و کرامت توصیف گردد و نیز روح عدل و داد بر او حاکم گردد . پس ناگزیر باید عدالت بر جامعه حکم براند . زیرا ظلمی که ضدّ عدالت می باشد ، چیزی جز تاریکی نیست و وجود انسان را تاریک و نابود می سازد و حرکت انسان و بلندپروازیهای او را به سوی شکوفا شدن تمدّن حقیقی فلج می سازد . پس ظلم مانعی است بس بزرگ در برابر حرکت بشریت به

سوی بلند پروازیهایش ، در رسیدن به هدفهای تکاملی والا و مدنیت .

## دو سفارش الهی

در این زمینه خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾<sup>۱</sup>  
«خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید ؛ و هنگامیکه میان مردم داوری می کنید ، به عدالت داوری کنید .» این دو سفارش بزرگ الهی برای انسانی است که خداوند متعال برای او دو چشم و یک زبان و دو لب قرار داده و او را به خیر و شر هدایت فرموده است . هیچ کس داناتر از او نسبت به این انسان و هر آنچه در دل پنهان می دارد و آنچه در ذهنش از اندیشه ها می گذرد و آنچه در نفسش از عواطف و احساسات او را به هیجان می آورد ، نمی باشد .

این دو سفارش - همانطور که از آیه شریفه آشکار است - عبارتند از :  
۱ - رساندن امانتها به اهلس ، یعنی به صاحبانش ؛ و این همان موضوع امانت می باشد .

۲ - قضاوت میان مردم باید براساس عدالت باشد ؛ سپس موضوع در اینجا به عدالت باز می گردد .

## چگونه جامعه امانت و عدالت بوجود آوریم ؟

پرسشی که در اینجا پیش می آید ، این است که : از چه راهی می توان

---

۱ - سورة نساء ، آیه ۵۸ .

این دو سفارش الهی را در زندگی خویش عملی سازیم؟ یا به عبارت دیگر، چگونه جامعه امانتدار و عدالت گستر را بر روی این زمین بنا سازیم و به تحقق برسانیم؟

در پاسخ باید گفت: این امر ناممکن نمی باشد و می توانیم از رهگذر این آیه به آن دست یابیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را؛ و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را.»

پس برای اینکه جامعه عدالت گستر و با کرامتی را به تحقق برسانیم، ناگزیر باید در وجودمان فضیلت اطاعت از خدا و هر که را به عنوان پیامبر مبعوث گردانیده و هر کس را که پس از پیامبر، امام قرار داده و یا کسی که امام او را به عنوان ولی امر، جانشین ساخته است، پیروانیم. این همان راهی است که بدون آن عدالت تحقق نمی یابد و وفای به عهد امانت نمی گردد. شاید بزرگترین مشکلی که بشریت، در گذشته و اکنون و شاید در آینده از آن رنج برده و می برد، همان گمراهی بشریت از این راه است. زیرا، همه سخن از عدالت می گویند و آرزوی آن را دارند، و اگر به تمام قوانین بنگریم، می بینیم که با نام عدالت حکم می کنند و در می یابیم که این عدالت مقدمه ای است درخشنده، برای همه قانونهای اساسی موجود در گوشه و کنار جهان؛ و تمامی این قوانین اصل عدالت را، محور و سند خود می دانند. اما براستی عدالت کجاست؟!!

مادام بشریت ، در راه رسیدن به آن در گمراهی به سر می برد ، هرگز نمی تواند به آن دست یابد ؛ اگرچه گاهی وقتها در برخورد با هواها و شهوات نفسانی ، طعم تلخ آن را خواهد چشید .

## راه عدالت

بنابراین ناگزیر باید ، به جستجوی راه عدالت در نزد خدا و در گفته های پیامبران و فرستادگان او و همچنین ائمه و اولیاء پرداخت ؛ و این همان مفهوم اطاعت می باشد . اطاعت خدا از گذر پیاده نمودن آنچه که خدا در کتاب عزیزش ، بدان امر کرده و از آن نهی فرموده است ؛ همچنین اطاعت از رهگذر اطاعت از پیامبرش و نیز اطاعت از کسانی که آنها را ائمه مردم و اولیای امور قرار داد . پس زنجیره اطاعت از قاعده آن ، که در اطاعت از ولی امر نمایان است تا اوج آن ، که همان اطاعت از خداوند متعال است ، پی در پی و پیوسته می باشد .

بنابراین اطاعت از ولی امر ، به معنای اطاعت از امام معصوم - که در دوران ما ، امام مهدی (عج) است - می باشد ؛ و اطاعت از امام زمان (عج) به معنای اطاعت از رسول اکرم که گونه ای از اطاعت خداوند سبحان به شمار می آید ، می باشد ؛ علاوه بر همه اینها ، اطاعت مستقیم از خالق یکتا که به معنای پیاده نمودن اوامر و نواهی می باشد که در کتاب عزیزش آنها را آشکارا بیان فرموده است .

## معیار ولی امر

شاید پرسشی که در اینجا پیش می آید ، آن است که ، آیا هر کسی که

امور برای او رام گشت و در رسیدن به قدرت و رهبری امت ، شانس او را یاری نمود ، ولی امر می گردد ؟

در پاسخ باید گفت : بدون شک چنین نیست . زیرا هر کس که با هر وسیله ای بر مسند قدرت بنشیند ، ولی امر امت نمی گردد . بلکه باید ولی امر حقیقی کسی باشد که ، از خط رسالت و برنامه های آن به اندازه سرسوزن ، نلغزد و منحرف نگردد . باید زندگی او بازتابی از برنامه های خدا و پیامبر باشد ؛ همچنین نباید گفته هایش با فرموده های خداوند متعال - که در آنها تغییر و تبدیل راه نمی یابد - تناقض داشته باشد . و از خدا اختلاف و تبدیل به دور است : ﴿ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴾<sup>۱</sup> « و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت . »

بنابراین ، در باور انسان نمی گنجد که امر خدا ، در اطاعت از شخصی تجسم یابد که ، شراب می خورد ؛ ظلم می نماید و به ناحق خونها می ریزد و نفسهای پاک را به قتل می رساند ؛ زیرا رسالت های آسمانی دعوت به تحقق عدل و داد می نمایند .

پس هرگز نمی توان این دور را از این حاکم ظالم که در حق امت خود ظلم و ستم روا می دارد و با صفات فسق و فجور توصیف می گردد ، انتظار داشت .

همانا ولی امری که امت باید از او اطاعت و پیروی نماید ، همان کسی است که ارزشهای آسمانی و مفاهیم رسالت و برنامه های مبین آن ، در اخلاق ، رفتار ، روش ، منش ، همه سیرت او تجسم یافته اند .

---

۱ - سوره احزاب ، آیه ۶۲ . سوره فتح ، آیه ۲۳ .

### اهل بیت خود، اولوالامر می باشند

اگر تاریخ را ورق بزنیم و در آن به دنبال اولیای امری که این صفات در ایشان نمایان باشد، جستجو کنیم اشخاصی که نشانه آشکار قرآن کریم بودند، موجودیت آنان جزئی از موجودیت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اخلاق و سیرت و دانش گشته بود، چون او زیسته و چون او در گذشته بودند، هرگز از راه و برنامه او روی برنگردانده بودند، کسی جز آل بیت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نمی یابیم.

همین ایشان، اولیای امر حقیقی هستند که قرآن کریم بر ولایت آنان گواهی داده است، پس هر مدح و ثنایی در قرآن از برای ایشان می باشد. زیرا، «ایشان خشم خود را فرو می برند» ﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظَ﴾ .

«و از خطای مردم درمی گذرند» ﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ .

«نماز را به پا می دارند» ﴿وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ﴾ .

«و زکات می دهند» ﴿وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ .

«از رکوع کنندگان و سجده آوران هستند» ﴿الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ﴾ .

«در پنهان و آشکار انفاق می نمایند»، و در توانگری و تنگدستی، خدای خود را سپاس می گویند... و دهها بلکه صدها خوی و فضیلتی که قرآن به آراستن خود به آنها سفارش می کند و بر پیروی عملی و گفتاری از آنها تشویق می نماید. بنابراین، اهل بیت پیامبر در زندگی خویش، نمونه های قرآن می باشند؛ بلکه ایشان خود، قرآن ناطق در میان مردم هستند.

### آیا نیاز ما به امامت منتفی شده است؟

پس از آنکه رسول اکرم و ائمه اطهار به تکلیف خود عمل کردند و امانت رسالت و امامت را تحمّل نمودند و یکی پس از دیگری به سوی پروردگارشان شتافتند؛ حال آیا نیاز به امامتی که عدل را استقرار می بخشد و از کرامتها پاسداری می نماید و ظلم را نابود می سازد، منتفی شده است؛ یا اینکه بشریت به اوج درجه عقلی و فکری که ائمه از آن برخوردار بودند، رسیده است و دیگر نیازی به امامت ندارد، و یا این که به طور کلی نیاز به عدالت پایان یافته است؟

آنچه تاریخ به آن گواهی می دهد، این است که همیشه بشریت به کسی نیاز داشته که زمام زندگی انسانها را به دست گیرد. حال اگر این نیاز با گذشت زمان پایان می یافت، دیگر نیازی نبود که از خلقت تا روز قیامت، بیش از یک پیامبر برای بشریت برانگیخته گردد.

### در دوران کنونی، امام کیست؟

اگر ثابت گردد که هنوز این نیاز باقی مانده است، بنابراین در حال حاضر امامت بر عهده کیست؟

در اینجا، نظریه منجی عالم که به خواست حق تعالی از نظرها پنهان گشته - و جز او به زمان ظهور آن امام آگاه نمی باشد - تا در روز موعود ظهور یابد و زمین را همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است، آکنده از عدل و داد سازد، پاسخ را به ما می دهد. زیرا مسأله نیاز بشریت

۱۴۲ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

به امامت و رهبری در یک دوران و عدم نیاز در دورانی دیگر ، با نظریه عدل النهی و حکمت خداوندی در استمرار لطف و رحمت ، همخوانی ندارد . علاوه بر آن با عقل و منطق نیز در تضاد می باشد .

### آثار وجود امام مهدی (عج)

وجود امام زمان (عج) آثار بزرگ و گوناگونی دارد که ما بسیاری از آنها را نمی دانیم ، ولی شاید از بزرگترین این آثار ولایت فقیهان بر مردم و اطاعت از ایشان باشد ، که این اطاعت به خاطر شخص و ذات ایشان نیست بلکه از این جهت است که فقها و مراجع امت نمایندگان امام زمان می باشند ، پس ولایت فقها بر مردم ، شعاعی است از تابش ولایت انبیاء و نوری است از انوار ایشان علیهم السلام . پس بیاییم و از گذر برخی نکات به این نور دست یابیم . از مهمترین این نکته ها ، استقامت و پایداری در راه خدا می باشد . هرگز نمی توان به این استقامت دست یافت ، مگر از گذر پیروی و موالات این فقها و مراجع که نمایانگر خط ولایت امامان و پیامبران و فرستادگان خدا می باشد . با این حال بسیاری از مردم در گمراهی به سر می برند و به خاطر نادانی ، از ایشان پیروی نمی کنند و از مذهب راستین روی برمی گردانند . این امر شگفت انگیزی نمی باشد . زیرا اگر در آیات قرآن کریم بنگریم ، خواهیم یافت که به صراحت می فرماید : ﴿ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴾<sup>۱</sup> « و بیشتر مردم ، هر چند اصرار داشته باشی ، ایمان نمی آورند ... »

۱ - سورة یوسف ، آیه ۱۰۳ .



همچنین می فرماید: ﴿وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ﴾<sup>۱</sup> «اما بیشترشان از حق کراهت دارند و گریزانند.» بنابراین ایمان نیاوردن مردم به حق تعالی، به معنای منتفی شدن وجود الهی و صحّت الحاد نیست. همچنین عدم پیروی مردم از حق بدین معنی نمی باشد که حق مردود است؛ زیرا، انسان در ژرفای ضمیر خویش میل به سوی حق دارد، ولی در هنگام رویارویی با منافع ذاتی، از آن کراهت دارد و گریزان است.

هنگامیکه عملاً به جستجوی راز بقای دین و علاقه ما به خط فکری درست و راه راست در زندگی و نیز شناخت درست خداوند متعال - شناختی که نهی از هر گونه شائبه باشد - می پردازیم، می بینیم که خط علما دهمان خطی است که خداوند متعال به ما بخشیده است؛ زیرا، ایشان نشانه های دین را به من آموخته اند و هدایت های ائمه و بصیرت های ایشان را که برگرفته از بصیرت های قرآن و هدایت خدا می باشد، برای ما نقل نموده اند. بنابراین کسانی که از خط علمای راستین فاصله می گیرند، خواه این فاصله به طور گروهی یا فردی باشد، در گمراهی بزرگی خواهند افتاد.

### اهمیت پیروی از مرجعیت

بنابراین مؤمنین باید به اهمیت فراوانی که پیروی از مرجعیت دارا می باشد، توجه شایانی مبذول بدارند. علاوه بر آن به این مهم احترام بگذارند و از آن تجلیل به عمل آورند. همچنین براساس خط این

مرجعیت عمل نمایند و در مسیر آن حرکت کنند و همه انگیزه‌ها و سببهایی که موجب دوری و انحراف ایشان از این خط می‌گردد، از خویشتن بزدایند؛ انحرافی که به خاطر گمراه کردن گمراهان یا وجود حسادت یا تکبر و یا خودبینی در نفس ایشان به وجود می‌آید و آنها را از راه استقامتی که پیامبر بدان امر شده و در عین حال از پیروی هواهای گمراهان نهی شده است، دور می‌کند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿ فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴾<sup>۱</sup>.

« پس به همین خاطر دعوت کن و آنچه‌ان که مأمور شده‌ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنها پیروی مکن، و بگو بر هر کتابی که خدا نازل کرده، ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند، پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ماست و نتیجه اعمال شما از آن شما؛ خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در یک جا جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.»

### خط ولایت همان خط مستقیم است

راه و مسیر خدایی، از اولین پیامبر تا آخرین مرجع - یعنی تا هنگامه ظهور امام مهدی (عج) - مستقیم باقی خواهد ماند. زیرا خط ولایت

همان خط درست و مستقیم می باشد. اگر آن را طی نمودیم و به اندازه سرسوزنی از آن منحرف نگشتیم ، توانسته ایم به هدف خویش در گسترش عدالت و رسیدن به عزّت و کرامت در زندگی دنیا ، دست بیابیم و به سوی هدف تکاملی که در نزدیکی و تقرّب به خداوند متعال تجسّم می یابد ، سیر کرده باشیم. اما اگر راهی جز راه مستقیم را انتخاب کردیم ، در آن هنگام مسیر ما در سرگردانی و گمراهی خواهد بود. به همین خاطر حقّ تعالی به تحمّل امانت مسؤوولیت امر می نماید و ما را از این سرگردانی و گمراهی هشدار می دهد. چنانکه می فرماید:

﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴾<sup>۱</sup>.

« خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید ؛ و هنگامیکه میان مردم داوری می کنید ، به عدالت داوری کنید. خداوند ، اندرزهای خوبی به شما می دهد. خداوند ، شنوا و بیناست . »

خداوند متعال ما را به سوی راه راست ، از گذر اطاعت نمودن از او که همان اطاعت رسول ، اولیاء و جانشینان ایشان می باشد ، هدایت می کند. همچنین از ما می خواهد که در هر عمل کوچک و بزرگی به ایشان رجوع کنیم و خود را مقید به پیروی از اوامر و توجیهاات آنها ، بسازیم. همانگونه که در فرموده خود تأکید می نماید: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ

۱۴۶ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿١﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را؛ و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را. و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار برای شما بهتر، و عاقبت پایانش نیکوتر است.»

## شباهتهای امام مهدی (عج) با حضرت موسی علیه السلام

شباهتهایی میان حضرت موسی بن عمران و حضرت مهدی (عج) وجود دارد. براین اساس آیات پیش رو که از سوره القصص می باشد ، در احادیث ما و روایات مذاهب اسلامی دیگر ، درباره زندگی امام مهدی (عج) تفسیر و تأویل شده است. این آیات عبارتند از:

﴿ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ \* وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُكَلِّمُهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ \* وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴾<sup>۱</sup>

« فرعون در زمین برتری جویی کرد ، و اهل آن را به گروههای مختلفی تقسیم نمود ؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند ، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را برای کنیزی و خدمت زنده نگه می داشت ؛ او به یقین از مفسدان بود \* ما

می خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم \* ما به مادر موسی الهام کردیم که : او را شیرده ؛ و هنگامی که بر او ترسیدی ، وی را در دریا بیفکن ؛ و نترس و غمگین مباش ، که ما او را به تو باز می گردانیم ، و او را از رسولان قرار می دهیم .»

### شبهاتهای میان امام مهدی (عج) و حضرت موسی علیه السلام

شبهاتها را اینگونه می توان بیان کرد :

۱ - هنگامیکه خداوند متعال ، حضرت موسی را مبعوث گردانید ، فرعون در زمین استکبار ورزیده بود و آن را از فساد و استکبار آکنده ساخته بود . در برخی از تاریخها آمده است که فرعون تنها ، بر مصر حکومت نمی کرد ؛ بلکه بر همه تمدنهای آن زمان حکمرانی می کرد . بنابراین در آن دوران فرعون زمین را پر از فساد ، ظلم و ستم نموده بود . سپس خداوند حضرت موسی را برانگیخت تا آن را آکنده از عدل و داد ، آزادی و کرامت نماید . بدین سان آفریدگار مردی از آل عمران را در نظر گرفته بود که زمین را آکنده از عدل و داد نماید ، پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده بود . همین امر نسبت به امام زمان اتفاق خواهد افتاد . زیرا خداوند او را پس از آکنده شدن زمین از ظلم و ستم به ظهور خواهد رساند تا جهان را پر از عدل و داد نماید .

### اثبات قدرت الهی

۲ - حضرت موسی علیه السلام معجزه خداوند متعال بر زمین بود . زیرا ،

هنگامیکه همه ناامید شدند و به این نتیجه رسیدند که پناهگاه و یاری دهنده‌ای جز خدا وجود ندارد و نیز هنگامی که تمامی وسایل طبیعی از رساندن خیر ، خوشبختی و رفاه به مردم ، ناتوان گشتند ؛ خداوند متعال برای اینکه بر بندگان خود ثابت کند که تنها اوست چیره شونده بر بندگان و حکمران و مسلط بر آنها ؛ و فرمانروایی و ملک تنها از آن او می‌باشد ؛ حضرت موسی علیه السلام را که در دامان فرعون پرورش یافته بود ، برانگیخت تا بر بشریت ثابت کند که ، اگرچه انسانی بتواند طغیان نماید و در زمین استکبار بورزد ، اما همیشه خداوند متعال از او بزرگتر خواهد بود و روزی آن انسان را به واسطه کسی که با دستان خود تربیت کرده است ، نابود خواهد ساخت .

همچنین وضعیت برای امام زمان اینگونه خواهد بود . زیرا پس از آنکه ناامیدی همه را در بر خواهد گرفت و احساس ناتوانی در برابر فراهم ساختن خیر و رفاه برای خویشان ، بر بشریت چیره خواهد گشت و تنها راه نجات را در توجه به خداوند تبارک و تعالی خواهند یافت ، او خواهد آمد . بنابراین هنگامیکه امام مهدی ظهور می‌یابد ، همه بشریت برای پیمان بستن با او ، مبادرت خواهند ورزید .

این درست است که امام علیه السلام ، با شمشیر (یعنی قدرت) ظهور می‌یابد ؛ ولی آن را جز علیه کینه توزان و معاندین بر نمی‌کشد ؛ بنابراین عده زیادی از مردم داوطلبانه و بدون هیچ اجباری ، در برابر او تسلیم می‌گردند و به دین مبین اسلام می‌گروند . زیرا خداوند متعال ، حضرت عیسی بن مریم را نازل می‌گرداند . سپس - همانگونه که در احادیث

۱۵۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

مذاهب اسلامی آمده است - پشت سر امام نماز می گذارد. هنگامیکه مسیحیان می بینند که پیامبرشان به امام مهدی (عج) اقتدا کرده است ، هر آینه برای بیعت نمودن با امام روانه می گردند .

همانا ، روزی جاهلیت مادی عصیانگر در زمین ، بشریت را به سوی سرگردانی مطلق خواهد کشاند . در آن هنگام است که انسانها به خویشتن باز می گردند و از فایده مذهبهای مادی گوناگونی که به آن مبتلا شده اند ، پرسش می نمایند . سپس دنبال هدف دیگری جستجو می کنند تا براساس آن ، امیدهای خود را بنا سازند و به واسطه آن ، غبار جاهلیت نادان را از نفسهایشان بزدایند . در اینجا است که صدای امام مهدی (عج) بلند می گردد . سپس همه اهل زمین آن را می شنوند و در این صدای ربّانی هدف خود را می یابند . پس شتابان برای پذیرش فراخوانی او ، روانه می گردند . بدین سان ، عدالت و داد بر زمین حاکم می گردد و اسلام همه گیتی را در بر می گیرد .

### انتظار طولانی

۳ - مؤمنین بنی اسرائیل ، سالیان درازی را در انتظار پیامبرشان ، حضرت موسی علیه السلام سپری نمودند . رفته رفته ناامیدی بر آنها چیره گشت و به اوج خود رسید ، در آن هنگام برخی کافر شدند و گمان بردند که دیگر هرگز نجات دهنده نمی آید ؛ اما خداوند متعال بعد از شدت یافتن بحران و شرایط نامساعد ، او را مبعوث گردانید تا نجات ، برکت و رحمتی باشد برای آن قوم . انتظار ما نیز چون انتظار دیگر



گفتار سوّم - ولایت و ایمان به غیب ..... ۱۵۱

مظلومان و محرومان عالم به درازا کشیده شده است ، و هنگامی که یأس و ناامیدی بر دل گروهی از مؤمنین چیره خواهد گشت ، خداوند به منجی عالم اجازه ظهور خواهد داد .

### غیبت صغری

۴ - حضرت موسی بن عمران علیه السلام مدّتی را در غیبت صغری به سر برده است ؛ زیرا هنگامیکه دیده به جهان گشود ، خداوند به مادرش امر نمود که او را در صندوقچه‌ای قرار دهد و آن را به دریا بسپارد . حضرت مهدی (عج) نیز چنین غیبتی را دارا می‌باشد . زیرا ، از همان لحظه اوّل که دیده به جهان گشود ، از نظرها جز محبّین خاصش پنهان گشت .

### وظیفه ما در دوران غیبت

پرسش مهمّی که در اینجا پیش می‌آید آن است که : وظیفه ما ، که در دوران غیبت زندگی می‌نماییم ، چیست ؟

بر ما که در دوران غیبت به سر می‌بریم واجب است که شعله امید الهی را باقی نگه‌داریم تا در دل‌هایمان استمرار یابد ؛ زیرا طاغوتیان تلاش می‌کنند که امید و آرزو را از ما بربایند و ناامیدی را چون خوره به دل‌هایمان بیاندازند و پی‌درپی ضربات دردآوری را بر ما وارد سازند ، ... این همان هدف طاغوتیان است . امّا هنگامیکه ما می‌دانیم خداوند متعال ، امیدورهایی را برای ما ذخیره نموده است ، بنابراین

در خواهیم یافت که ، پایان این مسیر خوشبختی انسان خواهد بود و اینکه سرانجام از آن پرهیزکاران است و این مسیر ، علی‌رغم سختیها و مشقتهایی که آن را در بر می‌گیرد ، و فداکاریهایی که طلب می‌نماید ، سرانجام به پیروزی حتمی ختم خواهد یافت .

طاغوتیان زمین ، توانسته‌اند بر بشریت چیره گردند ، ولی هنوز نتوانسته‌اند به امنیت و استقرار دست یابند . زیرا ، ملتها در برابر آنها ایستادگی و مقاومت نموده‌اند و هم اکنون به صورت خطری راستین در آمده‌اند که مصالح این طاغوتیان را تهدید می‌نماید و خواب را از چشمان آنها می‌رباید . ما باید این ایستادگی و مقاومت را تداوم ببخشیم ، تا بواسطه آن ، بتوانیم مفهوم راستین انتظار را - که به معنای زمینه‌سازی مناسب برای ظهور امام مهدی (عج) می‌باشد - تجسم ببخشیم .

## مفهوم ایمان به غیب چیست؟

﴿ اَلَمْ \* ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ \* الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ  
بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُوْنَ الصَّلٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ \* وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَا  
اُنزِلَ اِلَيْكَ وَمَا اُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُوْنَ \* اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى  
مِّنْ رَّبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴾<sup>۱</sup>.

«الم \* آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت  
پرهیزکاران است \* پرهیزکاران کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز را  
برپا می دارند و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم ، انفاق می کنند \*  
و آنان که به آنچه بر تو نازل شده ، و آنچه پیش از تو نازل گردیده ، ایمان می آورند ؛  
و به رستخیز یقین دارند \* آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند ؛ و آنان  
رستگارانند.»

غیب چیست؟ دیدگاه ما نسبت به غیب چیست؟ و غیب چه  
رابطه‌ای با امام مهدی (عج) دارد؟

قرآن در آغاز تأکید می نماید که آیات کریمه اش ، هدایت است ؛ ولی

نه برای هر کسی! بلکه، هدایتی است برای پرهیزکاران؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup> «آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند، و آنان رستگارانند.» و از بارزترین صفات ایشان، همان ایمان به غیب است. زیرا آن، شرط اساسی در ایمان انسان پرهیزکار است. شرطی که خداوند متعال در آن پیروزی و رستگاری دنیا و آخرت را نهاده است.

دوباره به این پرسش باز می‌گردیم که: غیب چیست؟ و چرا اعتقاد به غیب، محور اساسی برای ایمان گشته است؟

همانا خداوند متعال، رسالتهای آسمانی، آخرت و امامت اهل بیت علیهم‌السلام همه غیب می‌باشند. بارزترین و مهمترین غیب در زندگانی ما، همان اعتقاد به وجود، ظهور و پیروزی مهدی (عج) است. اما، چرا؟!!

پاسخ: همانا غیب، آفرینش شهود، اصل شهود، روح شهود و محتوای شهود است. در حقیقت پرفروغترین نور شهود می‌باشد. زیرا مغز هر چیزی از پوسته آن مهمتر است و هرکس که می‌خواهد کالایی را خریداری نماید، تنها به ظاهر آن بسنده نمی‌کند؛ بلکه به حقیقت آن نیز اهمیت می‌دهد. علی‌رغم این که بیشتر مردم معتقدند که موتور اتومبیل همان علت حرکت اتومبیل است. ولی حقیقت این است که سوخت اتومبیل همان، غیب اتومبیل است و آن صورت اصلی دیگر برای ذات اتومبیل می‌باشد. نیز، نور خورشید همان

خورشید نیست؛ زیرا ذات خورشیدی که از ما پنهان است، همان انفعالات مستمر اتمی در خورشید می‌باشد. اگر این فعل و انفعالات نبودند، هرگز خورشید، حتی برای یک لحظه نور نمی‌داد. غیب در انسان نیز، تنها حرکات و سکانات او نیست؛ بلکه غیب در نیروی قلب و سلامت اعصاب و رگها و مغزش نهفته است. اگر در حقیقت انسان دقت نظر نماییم، می‌یابیم که مغز او اساس حقیقت انسان نمی‌باشد؛ بلکه روح، همان مرکز حقیقت انسان است. اگر دوباره با دقت نظر کنیم، در می‌یابیم که عقل توجیه کننده این روح است. اما امر بسیار مهمتری در پس این عقل، زندگی و نیروی نهفته در روح وجود دارد و آن، اراده حق تعالی می‌باشد. و اگر مشیت، فیض، قدرت و نور او نبود، هر آینه روح انسانیت متلاشی می‌گشت؛ یا به عبارت دیگر، اگر اراده الهی در ایجاد روح و قدرت در نزد انسان وجود نداشت، هر آینه این انسان چون جمادات یا ناتوانتر از آنها می‌گشت. اگر این گفته درست باشد که جمادی در این جهان شگفتی وجود داشته باشد!...

بنابراین، هر حلقه از زنجیره غیب، اهمیت و موقعیت خود را از سطوح ژرف‌نگری در آن، به دست می‌آورد. پس هرچه این حلقه از نظر ترتیب و ژرفا دورتر باشد، هرچه بیشتر این اساس و مصدر را تجسم می‌بخشد. اما نور و مظهر دارای امر مهمی نمی‌باشند تا در مورد آن سخن بگوییم - این همان غیب می‌باشد.

معمولاً وجه تمایز میان انسان و حیوان، در ایمان به غیب می‌باشد. حیوان جز با حواس مادی، از نفوذ در مغز و گوهر ناتوان است. انسانها نیز بر اساس درجاتی، در این مسأله متفاوت می‌باشند. بنابراین انسان

معمولی ، به جامعه عقب افتاده ، فقیر ، غیر مستقر و مضطرب نگاه می‌کند ، ولی از علتی که در پشت همه این مشکلات است ، آگاه نمی‌باشد و در این باره می‌گوید: شاید خدا آنها را اینگونه آفریده است! ... ولی انسان آگاه با چشم جستجوگر و پشتوانه فکری استوار و متین نگاه می‌کند. بنابراین او آگاهانه تأکید می‌نماید که حتماً برای این اختلاف ، عقب ماندگی ، فقر ، عدم استقرار و اضطراب و دیگر ظواهر منفی ، علت‌هایی وجود دارد. زیرا ، انسان آگاه ژرف می‌اندیشد و به ژرفای هر مسأله‌ای می‌رسد. در حالیکه انسان ساده یا معاند و یا نادان تنها به سروکار داشتن با ظواهر ، بسنده می‌کند. تفاوت میان مؤمنین و کفار در این امر نهفته است که کفار تنها ظاهر زندگی دنیا را می‌بینند و جز متولد شدن و تولید نسل و افزودن مال و ثروت در آن و اینکه روزگار آنها را می‌میراند ، هیچ نمی‌دانند ؛ از نقطه نظر آخرت نیز ، چون قوم کوری هستند که آخرت را نمی‌بینند و از آن چیزی نمی‌فهمند. اما مؤمنین چنین نیستند که ناگزیر باید غیب را به حضور و شهود تبدیل کنند تا به آن ایمان آورند ، بلکه خود به سوی درجه ایمان به غیب ، پیش می‌روند.

این امر به چه معنا می‌باشد ؟

یعنی اینکه ایمان انسان مؤمن ، به درستی مرگ و آنچه که پس از مرگ صورت می‌پذیرد ، از گذر دیدن قبر و عذاب و ثواب نشأت نگرفته ، و اینکه ایمان او به غیب به خاطر دیدن خوابی ، نمی‌باشد. نیز ایمان او به اینکه فلان شخص مرده در قبر مجازات می‌گردد ، از خلال

آنچه را که در خواب دیده ، نشأت نمی‌گیرد . همچنین او نمی‌گوید که فلانی در بهشت است زیرا من در خواب دیده‌ام که او در بهشت است ؛ چرا که خواب دیدن عامل سرنوشت‌ساز در ایمان به غیب نیست ، بلکه انسان مؤمن از طریق پرواز روحش به جهان فوق مادی ، به غیب و ماوراء مادیات ایمان می‌آورد . او همچنان بالا و بالا می‌رود و اوج می‌گیرد تا به افق غیب دست یابد . و به آن ، به سان حقیقتی ثابت که شک و تردید به آن راه ندارد ، ایمان می‌آورد .

برخی افراد می‌گویند : که من به امام زمان ایمان دارم ولی بلافاصله

این سؤال را مطرح می‌سازند که ، چه کسی امام زمان را دیده است ؟

پاسخ می‌شنوند که ، برخی افراد او را دیده‌اند و داستان چنان و چنین

است . پس ایمان او به امام زمان ، به خاطر این است که کسی او را در

بیداری و یا در خواب دیده است و اگر کسی او را در بیداری و یا در

خواب نمی‌دید ، از نظر چنین شخصی دیگر امام زمان وجود نداشت .

اعتماد به نقل قولهای موثق امری است درست ؛ ولی این امر بیان

کننده یک ایمان سست و ناقص است ؛ سست از این نظر که از علم و

آگاهی ذاتی برنخاسته ، و ناقص است در مقایسه با ایمان کامل .

ایمان کامل و آگاه و نیرومند آن ایمانی است که از گذر مطالعه قرآن

و دستیابی به گوهر و روح آن و نیز از گذر مطالعه احادیث شریف که از

منبع حق راستی برخاسته ، به رشد رسیده باشد . از رهگذر این حقایق

انسان به حقیقت غیب ایمان می‌آورد ، نه از گذر اینکه یکی از مردم ، آن

چیز را به چشم خود دیده است .

## ایمان به حقایق غیبی

ایمان به حقایق غیبی باید تسلیمی باشد در برابر دستورهای دینی. به این معنا که، باید ایمان به حقایق غیبی از امور بدیهی در ایده انسان باشد. پیش از آنکه به دنبال استدلال آن جستجو کند یا بخواهد سببها و نتیجه‌های مادی آن را کشف نماید.

بنابراین هنگامیکه خداوند متعال خوردن گوشت خوک را حرام گردانید، می‌خواست نقطه‌ای باشد برای آزمایش یا تمییز انسان متعهد از غیر متعهد، پیش از آنکه آن را به خاطر دارا بودن ضررهای بهداشتی، حرام نماید. پس بر انسان مسلمان واجب است که به این مسأله پایبند باشد؛ در غیر این صورت آتش دوزخ در انتظارش خواهد بود.

براین اساس، دین انسان مسلمانی که به خدا و آیات قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم اعتماد ندارد، امری است که بر شناخت سببهای مادی تکیه دارد و در نتیجه نوعی ناامیدی از رحمت خداوند بر او چیره می‌گردد. واقعیتی که خداوند آن را با کفر توصیف می‌نماید. چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱</sup> «و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.»

راه درست این است که، ما آگاهی یابیم که در ورای اوامر الهی،



بهشت و ثواب و خشنودی خداوند قرار دارد، و در ورای نهی خداوند جهنم و مجازات و غضب الهی نهفته است، و ایمان به غیب مهمترین عامل در درک و شناخت این حقیقت است.

شریعت اسلامی - چنانکه آشکار است - ما را بر دانش اندوزی و تلاش برای شناخت سببها و علتهای احکام و اوامر و مناهی<sup>۱</sup> تشویق می کند، ولی به این معنا نمی باشد که ایمان ما به شریعت اسلامی، بر شناخت سببها استوار است؛ زیرا چنین ایمانی هرگز ایمان به غیب به شمار نمی آید.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما - ائمه - بسیار شکیباهستیم و شیعیانمان از ما شکیباتر.» راوی گفت: جانم به فدایت، چگونه شیعیانتان از شما شکیباتر می باشند؟ فرمود: «زیرا، ما بر آنچه که می دانیم شکیباهستیم و شیعیانمان بر آنچه که نمی دانند، شکیبایی می ورزند.»<sup>۲</sup>

پس، مسأله در ضرورت ارتقا تا درجه ایمان به غیب و هر آنچه طلب می نماید، نهفته می باشد؛ و نه در بکارگیری حقیقتهای ایمانی براساس سلیقه های شخصی و مادی. این امر از گذر عادت دادن خویشتن بر عدم اکتفا بر آنچه که دیدگان می نگرند و حواس پنجگانه احساس می نمایند، امکان پذیر می باشد. بلکه ناگزیر باید به آنچه دل و عقل به آن گواهی می دهند و آنچه که ضمیر بر آن اطمینان می یابد

---

۱ - مناهی: اموری که از آن نهی شده است. (مترجم)

۲ - کافی، ج ۲، ص ۹۳.

و آنچه کتاب خدا و پیامبر گفته‌اند ، ایمان آورد .

متأسفانه ، برخی از مسلمانان تا از علت یک حکم شرعی آگاه نگردند و یا علما آن را برای ایشان تفسیر ننمایند ، به آن حکم ایمان نمی‌آوردند ؛ و این تجاوزی است آشکار به حقیقت قرآن و احکام شرعی که بر ضرورت ایمان به غیب و تسلیم خالصانه در برابر اوامر و نواهی الهی تأکید کرده‌اند . به ویژه این که آیاتی که در آغاز تلاوت شد ، آشکارا به این امر صراحت دارد که ایمان به غیب بر اقامه نماز که ستون دین است و انفاق در راه خداوند متعال ، تقدّم دارد .

همچنانکه گذشت ، خداوند متعال و یگانگی او از مصداقهای غیب می‌باشند . علی‌رغم اینکه ما از دیدن آن با چشمان خود ، ناتوان می‌باشیم . از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرموده‌اند : یکی از احبار ، نزد امیرالمؤمنین آمد . از او پرسید : ای امیرالمؤمنین ، آیا تا به حال پروردگارت را که می‌پرستی ، دیده‌ای ؟ فرمود : « وای بر تو ! هرگز پروردگاری را که ندیده‌ام ، نخواهم پرستید . » گفت : چگونه او را دیده‌ای ؟ فرمود : « وای بر تو ! چشمها او را نمی‌بینند ، ولی دلها او را با حقایق ایمان دیده‌اند .<sup>۱</sup> »

خداوند متعال یک زمین و یک خورشید را آفرید . در زمین آب را روان ساخت و انواع گوناگونی از میوه‌ها را از خاکش رویانید . پس ما از گذر همه این نشانه‌ها ، پی به شناخت نامهای خدا ، آیات ، قدرت و تدبیر او می‌بریم .

بنابراین ، هرکسی که در وجود یا ظهور یا پیروزی امام مهدی (عج) تردید دارد ، مشکل از اوست و نه دیگری ؛ زیرا دلایل بسیار فراوان هستند . ولی او به خاطر ضعف ایمان در وجودش ، تا چیزی را نبیند ، به آن ایمان نمی آورد .

نقل شده است که زندیقی به گورستان کفار می رود و استخوان مرده ای را بر می دارد . آنگاه روبه مسلمانان حاضر در آن مکان ، می گوید : شنیده ام که شما می گوید کفار در گور به آتش دچار می گردند . اما این استخوانی که در دستم است ، چون قطعه ای یخ ، سرد می باشد . او را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام بردند . امام علی علیه السلام پس از آنکه دو پاره سنگ را از زمین برداشت و آن دو را به هم کوبید تا جرقه ای از آنها برآمد ؛ روبه او کرد و فرمود : « پس این آتش کجا بود ؟ »

آری ، همانا جهنم کافران را متناسب با اعمال و اعتقادات شیطانی ایشان ، احاطه کرده است .

چنانکه از احادیث شریف برمی آید ، این است که ، فائده امام مهدی علیه السلام چون فائده خورشیدی است که در پس ابرها پنهان است .

برای روشن ساختن این امر باید گفت که ، امام مهدی (عج) - چون نیاکان پاک و طاهرش - همسنگ قرآن است . پس امام مهدی (عج) و قرآن کریم دو ثقل و دو رود الهی هستند برای هر کسی که دلی دارد و می خواهد شناختی یابد و بهره جوید . پس این عالمان الهی و مجاهدان کار پشته از توشه این امام بزرگوار توشه می گیرند و سلوک شریف ایشان و عدم پیروی از هواها و وسوسه های شیطانی ، بازتابی می باشد از ژرفای وحدت ایشان با توجیهاات امام مهدی (عج) .

## سنت آسمانی

از سنتهای الهی در آفریده‌هایش این است که ، هر فردی از دین مبین اسلام - چه به طور نظری یا عملی - روی برگرداند ، دچار ذلت و گمراهی در دنیا ، پیش از آخرت می‌گردد. علاوه براین که این حقیقت ، در آیات و احادیث ذکر شده است ، در تجربه نیز به اثبات رسیده است - به ویژه برای کسی که به دین اسلام هدایت شده - زیرا که به واسطه آن در درون خود آسایش و اطمینان شگفت‌انگیزی را احساس می‌کند .

خداوند متعال در داستانی قرآنی به این حقیقت و ضرورت ایمان به غیب و تسلیم شدن در برابر وظایف شرعی و نیز ضرورت رها نمودن فرهنگ جاهلیت توجیه - که مصداقی از عقب گرد امت ، و دلیلی بر ذلت و خواری آن به شمار می‌رود - اشاره می‌نماید. در سوره بقره خداوند متعال خواری و ذلّتی را که قوم بنی اسرائیل به خاطر تمایل به فرار از تکالیف شرعی و نیز عدم اهمّیت دادن به منزلت و کرامت رسول خدا ، حضرت موسی علیه السلام دچار آن گشته بودند ، روشن می‌سازد. ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوعًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ \* قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ \* قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنَهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ \* قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهُ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ \* قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ

لَا ذُلُّوا تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةً لَا شَيْءَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَنَا بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿١﴾

« و به یاد آورید هنگامی را که موسی به قوم خود گفت : خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید . گفتند : آیا ما را مسخره می کنی ؟ موسی گفت : به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم \* گفتند : پس از خدای خود بخواه که برای ما روشن کند این ماده گاو چگونه ماده گاوی باشد ؟ گفت : خداوند می فرماید : ماده گاوی است که نه پیر و از کار افتاده باشد و نه بکر و جوان ؛ بلکه میان این دو باشد . آنچه به شما دستور داده شده ، انجام دهید \* گفتند ، از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد رنگ آن چگونه باشد ؟ گفت : خداوند می گوید : گاوی باشد زرد یکدست ، که بینندگان را شاد و مسرور سازد \* گفتند : از خدایت بخواه برای ما روشن کند که چگونه گاوی باید باشد ؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده ، و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد \* گفت : خداوند می فرماید : گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده ، و نه برای زراعت آبکشی کند ؛ از هر عیبی برکنار باشد ، و حتی هیچ گونه رنگ دیگری در آن نباشد . گفتند : الآن حق مطلب را آوردی ، سپس چنان گاوی را پیدا کردند و آن را سربریدند ؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند . »

آنها پیامبرشان را به مسخره کردن و استهزاء نمودن ، متهم ساختند ؛ با اینکه هرگز چنین نبوده است . بلکه او انسانی سخت کوش و رهبری بزرگ بود . همچنین با پرسشهای پی در پی می خواستند از انجام وظیفه واجب ، فرار نمایند ؛ تا آنجا که آرزو می کردند شکیبایی حضرت

موسی عَلَيْهِ السَّلَام به سر آید و یا شاید خداوند ، نظرش را تغییر دهد... از سویی دیگر ، آنها به خاطر ضعف ایمانشان خداوند متعال را پروردگار موسی خطاب می کردند ، گویا که خداوند پروردگارشان نیست ، و گویا این مسأله ربطی به آنها ندارد . همچنین در هنگام انجام وظیفه بر خدا و پیامبر بزرگوارش منت نهادند...!

﴿ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴾<sup>۱</sup> « آن را سربریدند ؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند . » یعنی آنها نه از برای تسلیم شدن در برابر خواست خدا ، یا رغبت داشتن به آن امر یا به خاطر پرستش خداوند متعال و یا برای به دست آوردن ثواب ، دست به انجام آن کار زدند ؛ به عبارت دیگر از روی بی میلی آن را اجرا نمودند... و هرچه در انجام آن امر سهل انگاری کردند ، مشکلات بیشتری دامگیرشان شد ؛ زیرا زمانی که از آنها خواسته شد تنها ، یک گاو را قربانی نمایند ، آنها کار را به عقب انداختند تا آنجا که در نهایت کار ناگزیر شدند به جستجوی گاو نادری بپردازند . پس از تلاش بسیار آن گاو را در نزد پیرزنی - از خودشان - یافتند . هنگامیکه آن پیرزن از نیاز آنها به آن گاو آگاه شد ، چانه زدن ، امتناع ورزیدن و بالا بردن هرچه بیشتر قیمت را آغاز نمود ، تا جایی که آنها را ناگزیر ساخت برای خرید گاو ، قیمتی به بهای پر نمودن پوست گاو از طلا - پس از کشته شدن - بپردازند .

این واقعت بنی اسرائیل است . اما اصحاب رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و برگزیدگان شیعه ، اولین صفتی که از آن برخوردار بودند ، روح

انضباط ، تسلیم و ایمان به خداوندی که جز سودمندی برای آنها نمی خواهد و نیز دوست داشتن پرستش خالصانه خداوند بلند مرتبه ، بود .

مادر حال حاضر اگر از همان ندای آغازین ، از رهبران اسلامی خود اطاعت می نمودیم و با روح جمعی وارد عمل می شدیم ، هرگز به این حال و روز دچار نمی گشتیم ؛ و قربانیها بسیار کمتر و نتیجه های مثبت بیش از این می بود . ولی فرهنگ توجیه و تسویف<sup>۱</sup> در وجودمان آن قدر ریشه دار شده است که بدون بازگشت به مفاهیم قرآن کریم و تفسیر آنها در باب سنتهای هستی خاص این چارچوب ، نمی توانیم از آنها رهایی یابیم .

ما نیاز شدیدی به پیروی کردن از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام داریم . امامی که گفتار ، کردار و سکناش به اشاره کوچکی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسته بود . پس او را همیشه اولین فداکار ، اولین مبارز ، اولین ایمان آورنده و اولین اجراکننده می یابیم . بنابراین او والاترین نمونه ای است که با روح و جسم خویش در مفاهیم قرآنی و تربیت مکتبی ذوب گردید . پس ما امروزه نیاز شدیدی به پیاده نمودن اسلام ، چه به طور فردی و یا به طور اجتماعی داریم ، اسلامی که در کتاب مقدس قرآن وجود دارد .

---

۱ - تسویف : کار امروز را به فردا انداختن . ( مترجم )

## نیاز ما به پیوند غیب

آنچه آشکار است اینکه سختیها و مشکلات فراوانی در مسیر ما وجود دارند این مشکلات گوناگون هستند و بر همه زمینه‌های روحی، اجتماعی، سیاسی حاکم می‌باشند همه این مشکلات می‌توانند سر راه پیاده کردن اسلام باشند. به دیگر سخن اینکه، ما می‌خواهیم در زندگی خویش همه این مشکلات را پشت سر نهیم و پیروزی حتمی را محقق سازیم و نیز می‌خواهیم امت اسلامی را وحدت ببخشیم و این امت و دیگر ملت‌های ستمدیده را از چنگالهای ستم، استثمار، وابستگی و عقب‌ماندگی برهانیم.

حال، ما چه توشه‌ای برای مقابله با این مشکلات به همراه داریم؟ بسیاری از مردم در برابر بزرگی مشکلاتی که با آن روبرو می‌گردند، دچار نزول روحی می‌شوند، زیرا این مشکلات بسیار و گوناگون هستند.

### توشه ما در مقابله مشکلات

ما در این زمینه دارای توشه‌ای واحد که همان اتصال به غیب



می باشد ، هستیم . به عبارت دیگر ، ایمان ما به امام مهدی علیه السلام است که دادرس و یاری رسان ما در این حالات می باشد . زیرا امام (عج) چون نقطه ای است نورانی که از دور دست ها بر ما پرتو می افکند ، و به ما گوشزد می کند که ناامیدی جایز نیست و سرنوشت جهان به خوشبختی ختم می گردد . و همانا عدالت بر این کره خاکی حاکم می شود .

حتی اگر این عامل و اثر روحی ناشی از ایمان به امام مهدی (عج) را نداشته باشیم ، ولی امری بالاتر از این وجود دارد که همان اتصال مستقیم میان دل انسان مسلمان و نور این امام یا تجلی آن نور در دل می باشد . بنابراین بر هر یک از ما واجب است که در سخت ترین حالت ها و در مشکلترین شرایط با دل خویش به سوی امام مهدی (عج) توجه نماید و از خداوند متعال بخواهد که به حق این امام ، او را یاری رساند . در آن هنگام است که میزان نیرو و اعتماد به نفسمان را احساس می کنیم . نیرو و اعتماد به نفسی که وجودمان را در برابر مشکلات و سختی ها فرا می گیرد .

بر ما لازم است که به عنوان مؤمنین و حاملان رسالت الهی ، هرگز علاقه خود را با این امام قطع ننماییم ؛ بلکه به طور مداوم در اتصال با او باشیم و برای او دعا کنیم و از خداوند متعال برای وی طلب فرج نماییم .

### رهبری و تصمیم گیری مشکل

این پیوند قلبی - بدون تردید - نیرویی برای مقابله با مشکلات به ما می بخشد . اینک روی سخن خود را به مؤمنینی می کنم که در همه جا

و در راه خدا می‌کوشند. شما اینک در کنار یکدیگر زندگی می‌کنید و پویایی و نشاط را از یکدیگر می‌آموزید. اگر شرایط شما، رو به بدی گرایید، بنابراین شما معنویت را از آنکه از شما بالاتر است، استمداد می‌کنید. ولی هنگامیکه - به خواست خدا - شما رهبران این امت گشتید، آن‌گاه احساس وحشت می‌نمایید در این حالت باید تصمیم مناسبی را اتخاذ کنید. تصمیمی که خویشتن را مسئول آن در برابر خداوند متعال و مردم می‌بینید. به همین خاطر احساس ترس و وحشت می‌کنید و نمی‌دانید چگونه باید عمل کنید. در عین حال نمی‌توانید از گرفتن تصمیم فرار نمایید و همچنین نمی‌توانید در گرفتن آن تصمیم شتاب کنید.

همچون این شرایط به مرجع بزرگ شیعیان، میرزا محمدحسن شیرازی، گذشته است. این انسان هنگامیکه متوجه شد انگلیسیها زمام امور ایران را به دست گرفته‌اند و شاه ایران نیز با آنها پیمان بسته است و مردم به خاموشی پناه برده‌اند؛ همچنین برخی از علما با دولت همکاری کرده‌اند، احساس مسئولیت بزرگی نمود. به همین خاطر احساس ترس و وحشت می‌کرد. نمی‌دانست آیا تصمیمی بگیرد یا خیر. هنگامیکه فشار مردمی - مبنی بر اینکه میرزا باید کاری انجام دهد - بالا گرفت، منتظر روز جمعه شد. سپس در شامگاه این روز به سرداب منسوب به امام زمان (عج) (در شهر سامرا) رفت و امر نمود تا مردم از پیرامونش پراکنده شوند. برای مدتی تنها در سرداب ماند. سپس آن فتوایی معروف و مشهور خود را صادر کرد. فتوای که در آن فرمود: «امروز استعمال تنباکو به عنوان اعلان جنگ علیه امام

زمان (عج) به شمار می آید.»

فتوای این مرجع عالیقدر چون صاعقه‌ای بود که بر پیکر استعمار انگلیس وارد شد و آن را سوزانید. این اولین شکست بود که استعمار انگلیس دچار آن می‌گشت. در اینجا می‌خواهم اشاره به قسمتی از این قضیه کنم. و آن اینکه پس از صادر کردن فتوای خویش، دوستان و نزدیکان میرزای شیرازی از او پرسیدند: «چرا این مدت طولانی را صبر نموده‌ای؟» او پاسخ داد: «در انتظار امر امام مهدی (عج) بودم!» حال اینکه آیا این مرجع ارتباط مستقیمی با امام یا برخی از یاران امام داشته است، به درستی نمی‌دانم. اما چیزی را که می‌دانم این است که اگر انسانی خالصانه برای خدای خود عمل کند و با مشکلات سختی در زندگیش روبه‌رو گردد، آنگاه رابطه او با امام مهدی (عج) برای او سودمند خواهد بود و از سوی ولی خدا مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

### ضرورت اهمیت بخشیدن به مسائل غیبی

در اینجا خطاب به طلاب علوم دینی می‌گویم: این افتخار بزرگی است برای شما که عنوان دانشجوی علوم دینی را دارا باشید، و به راه و روش اهل بیت علیهم‌السلام حرکت کنید تا اینکه نواب امام مهدی (عج) گردید. نوابی که امام مهدی (عج) در مورد ایشان اینگونه فرموده است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»<sup>۱</sup>. «اما در حوادثی که رخ می‌دهد، به راویان احادیث

۱۷۰ ..... امام زمان (عج) آرزوی بشریت

ما مراجعه کنید. آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر شما هستم.»  
در اینجا باید اشاره کنم که امور بر دو گونه‌اند: امور ظاهری، و امور  
حقیقی.

امور ظاهری به کارهایی چون رفتن به حوزه یا مدرسه، سرگرم  
شدن با درس و بحث و نیز اصلاح میان خود و همگنان باز می‌گردد.  
ولی علاوه بر این امور، امور غیبی وجود دارند که باید یک طلبه به  
سوی آن ارتقا یابد و دلش را به آن متصل سازد. بنابراین خویشتن را از  
گذر شکوفا کردن دانش در دل و پاکیزه گردانیدن آن، به نور اعظم  
متصل نماید. چنانکه در دعای شریف که از پیامبر اکرم نقل شده، آمده  
است: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا نَقِيًّا وَمِنْ الشَّرِكِ بَرِيئًا لَا كَافِرًا وَلَا  
شَقِيًّا»<sup>۱</sup> «بارالها، دلی با تقوی و پاکیزه و به دور از شرک به من ارزانی فرما، دلی  
که نه کافر باشد و نه نگوینخت.»

پس هنگامیکه دلت پاک، صاف، پاکیزه، طاهر، به دور از کینه،  
نفرت و حسد شد؛ آنگاه نور حق تعالی در دلت می‌تابد و رابطه تو با  
اولیاء خدا - غایب باشد چه ظاهر - رابطه اثرپذیری خواهد گشت.

### برای نجات مستضعفین

علاوه بر همه اینها، ما شعار دفاع از مستضعفین و مظلومین را که  
شعاری است بس بزرگ، بر دوش داریم. پس هر کسی که چنین  
شعاری را حمل می‌کند، ناگزیر باید این اعتقاد را در نفس خویش

۱ - بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۹.

حاکم سازد که ، روزی می تواند این شعار را در واقعیت به ظهور رساند .

در رابطه با اعتقادمان به امام زمان (عج) باید این پرسش را بر خویشتن مطرح سازیم که : چگونه مستضعفین زمین را نجات دهیم ؟ بی شک ، ممکن است در این زمینه شیطان به دلهای برخی از ما رخنه کند و بگوییم : من که هستم تا بتوانم مستضعفین را نجات دهم ؟ ولی باید بدانیم که جنبشهای تاریخی بزرگ در جهان ، از میان افراد مستضعفی چون ما برخاسته اند . ایشان توانستند تاریخ را به سمت و سوی درستی ، دگرگون سازند . آنان چون ما بشر بودند ؛ ولی همواره امید استوار و ثابت ، آنها را به این امر فرا می خواند که ایشان می توانند رهایی بخش مستضعفین ملت های خود باشند .

همچنین بر ما - به عنوان مسلمانان پیرو خط پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام - واجب است که ، اولاً پیوستگی خود را با حق تعالی ژرفا ببخشیم ؛ سپس این علاقه را با ولی بزرگوارش ، امام مهدی (عج) مستحکم سازیم . زیرا بدون این پیوستگی که در وجودمان روح امید و خوش بینی و عزم استوار و اراده نیرومند را برمی انگیزد ، به انسانهای از کار افتاده ای مبدل می شویم که بطور کلی از انجام هر عملی در راه دین و امت خویش ناتوان هستند .

پس بیاییم و این پیوستگی را تقویت کنیم و از گذر خواندن ادعیه و بجا آوردن عبادت های مستحبّ و ویژه امام مهدی (عج) ، آن را محکم سازیم ؛ البته به این شرط که این قرائت و آن انجام مستحبّات ، از صمیم دلهایمان سرچشمه گرفته باشد و خالصانه برای خداوند متعال باشد .

## بخشی از تألیفات حضرت آیت الله سید محمد تقی مدرّسی

ردیف	نام کتاب	تعداد صفحات	اندازه	نوبت چاپ	قیمت (ریال)
۱	تفسیر هدایت - ۱۸ جلدی گالینگور		وزیری	اول	۲۵۰۰۰۰
۲	مباحثی پیرامون معارف قرآن کریم	۱۹۲	رقعی	اول	۶۵۰۰
۳	منطق اسلامی	۷۳۶	وزیری	دوم	۲۳۰۰۰
۴	قانونگذاری در اسلام	۶۸۴	وزیری	اول	۲۱۰۰۰
۵	اصول و پایه‌های تمدن اسلامی - شومیز	۴۴۰	وزیری	اول	۱۳۰۰۰
۶	اصول و پایه‌های تمدن اسلامی - گالینگور	۴۴۰	وزیری	اول	۱۸۰۰۰
۷	اصول حکمت اسلامی	۳۲۸	وزیری	اول	۹۰۰۰
۸	امام علی <small>علیه السلام</small> پیشوای صدیقین	۸۰	رقعی	سوم	۲۵۰۰
۹	دعا، معراج مؤمنین و راه زندگی	۲۰۰	وزیری	دوم	۷۰۰۰
۱۰	ملاقات محبوب	۱۰۳	رقعی	اول	۳۰۰۰
<b>زندگینامه چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small></b>					
۱۱	زندگینامه چهارده معصوم (تک جلدی)	۱۰۲۴	وزیری	اول	۳۵۰۰۰
۱۲	زندگانی حضرت محمد مصطفی <small>صلی الله علیه و آله</small>	۹۵	رقعی	سوم	۲۶۰۰
۱۳	زندگانی امام علی بن ابیطالب <small>علیه السلام</small>	۲۱۵	رقعی	چهارم	۵۰۰۰
۱۴	زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>	۱۰۳	رقعی	سوم	۳۰۰۰
۱۵	زندگانی کریم اهل بیت امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	۹۵	رقعی	سوم	۲۶۰۰

ردیف	نام کتاب	تعداد صفحات	اندازه	نوبت چاپ	قیمت (ریال)
۱۶	زندگانی سیدالشهداء امام حسین <small>علیه السلام</small>	۷۱	رقعی	چهارم	۲۰۰۰
۱۷	زندگانی زین العابدین امام سجّاد <small>علیه السلام</small>	۱۰۳	رقعی	سوم	۳۰۰۰
۱۸	زندگانی باقرالعلوم امام محمدباقر <small>علیه السلام</small>	۹۳	رقعی	سوم	۲۶۰۰
۱۹	زندگانی رئیس مذهب تشیع امام صادق <small>علیه السلام</small>	۷۲	رقعی	سوم	۲۰۰۰
۲۰	زندگانی امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>	۱۰۱	رقعی	سوم	۳۰۰۰
۲۱	زندگانی ثامن الائمه امام علی بن موسی <small>علیه السلام</small>	۸۷	رقعی	سوم	۲۶۰۰
۲۲	زندگانی جوادالائمه امام محمدتقی <small>علیه السلام</small>	۷۹	رقعی	سوم	۲۶۰۰
۲۳	زندگانی حضرت امام علی هادی <small>علیه السلام</small>	۸۰	رقعی	سوم	۲۶۰۰
۲۴	زندگانی حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	۸۷	رقعی	سوم	۲۶۰۰
۲۵	زندگانی بقیة الله الاعظم امام مهدی (عج)	۶۳	رقعی	چهارم	۲۰۰۰
<b>نمونه‌های ایشار</b>					
۲۶	حضرت ابوالفضل العباس <small>علیه السلام</small>	۶۴	رقعی	چهارم	۲۲۰۰
۲۷	حضرت زینب <small>علیه السلام</small>	۸۰	رقعی	چهارم	۲۲۰۰
۲۸	حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>	۶۴	رقعی	چهارم	۲۲۰۰
۲۹	حضرت مسلم <small>علیه السلام</small>	۵۶	رقعی	چهارم	۲۲۰۰
۳۰	فرزندان امام حسن <small>علیه السلام</small> در کربلا	۴۸	رقعی	چهارم	۲۰۰۰

ردیف	نام کتاب	تعداد صفحات	اندازه	نوبت چاپ	قیمت (ریال)
------	----------	-------------	--------	----------	-------------

### الفقه الاسلامی

۳۱	احکام جهاد	۸۸	رقعی	اول	۶۰۰۰
۳۲	احکام مقدمات نماز	۲۰۰	رقعی	اول	۵۰۰۰
۳۳	احکام حج	۲۵۱	رقعی	اول	۶۰۰۰
۳۴	احکام پاکیزگی و آداب آراستگی	۱۴۴	رقعی	دوم	۴۰۰۰
۳۵	آداب بیماری و احکام وفات	۱۸۴	رقعی	دوم	۴۵۰۰
۳۶	احکام خمس	۷۲	رقعی	دوم	۲۳۰۰
۳۷	احکام خانواده و آداب ازدواج	۲۸۰	رقعی	دوم	۷۰۰۰
۳۸	احکام روزه	۱۰۴	رقعی	دوم	۳۰۰۰